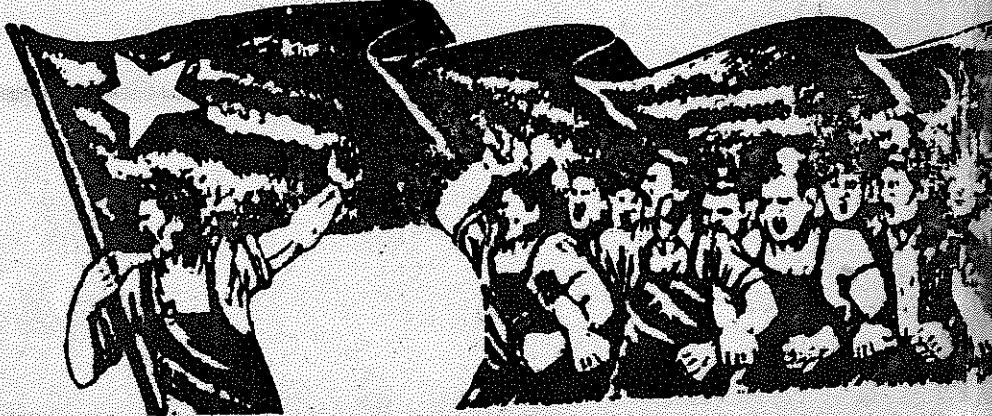


فدا^ئیان خلق
سخن میکویند

چگونه می توان
وابستگی اقتصادی را از میان برد؟



[F. S. A.]
Denton

چگونه می توان
وابستگی اقتصادی را از میان برد؟

برگزیده مقالاتی از



ارگان صنعتی سازمان فدائیان خلق ایران (آنفریت)

فهرست

۱	— چندهی نوی وابستگی اقتصادی را از میان برداشت
۴	— بخش اول
۷	— بخش دوم
۱۲	— بخش سوم
۱۶	— بخش چهارم
۲۱	— بخش پنجم
۲۵	— بخش ششم
۲۸	— بخش هفتم
۳۰	— بخش هشتم
۳۴	— بخش نهم
	— ملی کردن تجارت خارجی کامی ضروری ۰۰۰

لطفی پردازان و مبلغان
امیریالیسم چهانی
مالیاست که من گوشت سلطنه
امیریالیسم را بر خلقهای
لذت سمع جواح و ابسته، امری
اجتناب نماید بر جلوه گزارند.
آن من گوشت هماره در راه
قطع و استکن به امیریالیسم
را همراه عیث و بهوده
بنها باند که خلقهای زیر

ست را تبریز نیست جز پادشاهی و نجمرهای
نایمه و باستکن که کارگران و رحمتکنان چهان
را راضی نیست جز راه فخر و نکون بعنی حاصل از
چهارگوشها و فارنگریهای انحصارات
امیریالیستی.
هر مردم جواح زیر سلطنه نماید
امیدی به استقلال، کار، مکن و آزادی داشته
نیاشد. بخلافه، بروی از هشتران راه بندگی،
اسارت، طور، جهل، بیماری و گرسنگی نلاش
نمیگند این نظر را ادامه نماید که در چهان
امروز، همه جواح و استکن، که گلمیانند
به امیریالیسم امنیکا و استنانت، که شرکت
خوارل مولودی به لهجه گلمیان و همانند ایران به
امیریالیسم چهانی و همانند ایران به
نهت ایران، آنها این حیثیت را پوشانند که
و استکن جواح زیر سلطنه به امیریالیستی فرط
اساسی رده این انحصارات است، از اینرویست که
این انحصارات دهنها از "و استکن" خان -
(بخوان از سلطنهان) به گفتوهای زیر سلطنه
مشهودند، بلکه حاضرند در راه حظ و تشید
آن چهان را به آتش نشند و میلوپیانها انسان
ازاده و وردیگریه را به جون در غلطانند، آنها
این را نمی گویند که انحصارات امیریالیستی با به
و استکن نکاندن جواح زیر سلطنه که کار
کارگران و رحمتکنان این جواح را و نیز متعاب
طبیعی این جواح را تعجب نمایند و به غارت
می بروند که امیریالیسم فرتوت و بحران زده را چند
صباخ دیگر بر جای نگاهدارند.

امیریالیسم چهانی بسرگردگی امیریالیسم
امرویکا، هرجه در قوان دارد، گرده است و خواهد
گرد که همارهای قیومانه خلقهای زیر سلطنه
جواح زیر سلطنه را به انحراف گشاند و به شکست
نشاند. امیریالیسم چهانی نیک من داند که
القصد این جواح و استکن و هماره درجهت
قطع و استکن، همارهای است سخت و دخوار،
امیریالیسم چهانی من گوشت این هماره را هرچه
دشوار نسازد، امیریالیسم چهانی بیوندهای

لطفی پردازان و مبلغان
امیریالیسم چهانی
مالیاست که من گوشت سلطنه
امیریالیسم را بر خلقهای
لذت سمع جواح و ابسته، امری
اجتناب نماید بر جلوه گزارند.
آن من گوشت هماره در راه
قطع و استکن به امیریالیسم
را همراه عیث و بهوده
بنها باند که خلقهای زیر

و استکن این جواح را جون سلاخی در متابل این
همارهات به کار می بندد. آنکه که امیریالیسم
نیست به تغیر اقتصادی میزند سلاخی با
کسرت پاره و شباره را به کار می گرد. این
چهان سلاخی است که امیریالیسم چهانی برای
شتابله با همارهات خدا امیریالیستی مردم شبانی به
کار گرفت و نهادست. راگهانی کودتای خونین
پیشوشه چهارگان و و استکن به امیریالیسم باشد.
این چهان سلاخی است که امیریالیسم چهانی
برای به نکت شتابله انتقالاب پیروزمند کهی به
کار گرفت و در آن ملتصحه شکست خورد. این
چهان سلاخی است که برای شتابله با همارهات ضد
امیریالیستی مردم چهارگان و درمنه مینم طا به
کار گرفت و باز هم شکست خورد.

امیریالیسم چهانی بسرگردگی امیریالیسم
امرویکا در مینم ما همین در شبلی و در کربلا،
کوشید. تا با محاصره اقصا:ی به جوان اقسام
و استکن ایران دامن زند طا بیکاری و گرانی را
تعددید گرد و چندین پنایاند که میارهه ضد
امیریالیستی پیش بیکاری، یعنی گرانی بیان
امید باطل که کارگران او رحمتکنان مینم ما در
دو شفار طور و دفع گرسنگی و بیکاری شانه خدا
گند و راه سازش با امیریالیسم را بگشایند.

"تحريم اقتصادی ایران به وسیله امیریالیسم
جهانی به مردم مینم ما به وضع شنان داد که
امیریالیسم ازویا و زائی، هرچند پیوسته
می گوشت سهم بیشتری از چهارگرهای
امیریالیسم را به خود تخصیص دهند
امیریالیستند و امیریالیستها دشمن خلقهای
وزندده چهانند. تحريم اقتصادی ایران به وسیله
امیریالیسم چهانی این نکته را که بارها به اثبات
رسیده است در شبلی، کوبا، وینتم و ...
باردیگر به اثبات رسانید که امیریالیسم فرانسه،
انگلیس، آلمان، زائی و ... بایهای امیریالیسم
سرقوط گرد امیریالیسم چهانی، درجهت
جهان گام می نمند. میش میانهان گسترش را بسط

دوسنан خلیفه‌ای زیر ستم

جهان‌آند

ناتوانی امیریالیسم جهانی

و سیاست امیریالیسم جهانی

در مطالب مبارزات فرهنگیانه

مردم میهن نا، بار دیگر در

تاریخ انقلابات اجتماعی

عصر ما به اثبات رسید.

امیریالیسم درمانده و فروخت

جز ملاجی‌های تبلیغاتیس و

نیروهای سکوییکن نظامی حربهای دیگر در

زیادخانه خود سواح ندارد. امیریالیسم جهانی

پسرگردگی امیریالیسم اوریکا و لبرالها و دیگر

نیروهای مورد حمایت آن اینک هرچه بیشتر بر

سلاحتی‌های زنگزده تبلیغاتی خود تکه خواهد

گرد تا بگویند راهی که دو پیش داریم سراجنم به

پیروزی دخواهد رسید. تا بگویند نتیجه مبارزه در

راه قطع سلطه امیریالیسم و استیگنی

امیریالیستی دیگر است این بخش دوم از

نظریه‌ای است که بیان توجهیگر امیریالیسم

جهانی در ساختهای داری اشاعه آن مستند آنان

می‌گویند همه گتوها و استیگنی

السالواردیور به امیریالیسم اوریکا و استیگنی به

امیریالیسم اوریکا به السالواردیور و استیگنی است.

آنان می‌گویند اگر گشوهایی چون ایران

السالواردیور بخواهد از زیر سلطه امیریالیسم

امیریک بعد آید، تاگزیره دیگر سلطه امیریالیسم

اوریک و یا آنون قرار گیرد و اگر بخواهد در

راسته و استیگنی بخواهد آنان چنان آزاد (آزاد)

بخواهند و استیگنی بخواهند اینم که نامند، باشد،

ناتگزیریز سلطه "برقدرت و روسیه قرار گیرند آنان

می‌گویند چاندیاری گشوهای سوسیالیستی و

مترق جهان را از مبارزات ضد امیریالیستی

- دیگر اینک خلیفه‌ای زیر ستم جهان، و استیگنی به

این گشوهای وابسیون گفتند که بایدین ترتیب بروی

مردم ناگام جوایع زیر سلطه را بفریبدند، صد

دوسنان و دشمنان خلیفه ای و انقلاب را مخدوش

گفتند، از پهنه‌گردی علیهای جهان از نیروهای

آخره انقلاب جلو گیرند و راه سازش

امیریالیسم را همراه سازند.

بایدین دلایل اینست که اکنون از گوش و کنار ناله

شیم طارتگاران اتفاق شده است که، و مصیبتاً

ملت از دست رات و بیش از این نیت توان

تحمل کرد ا آنان ای کم و کسر نظر بیانان

و بجهش امیریالیسم را اشاغه می‌دهند که جز این

نیست که هرچه کند و استیگنی بخواهیم بود حال

اگر نه به غرب، به شرق و استیگنی بخواهیم بند و

چون در هر صورت و استیگنی است، چه بیشتر که

هان بیوندهای و استیگنی به امیریالیسم را تختیم

کنیم که نفل و نیات و نان و گره در مرز بازرگان

در انتظار است.

ما در مطالعاتی که در این مقاله خواهیم

آورد، تحلیلی از هموم و استیگنی را دنبال

خواهیم کرد که نشان دهنم که مکاتب های

و استیگنی کدام است و چگونه است که گشوهای زیر

سلطه امیریالیسم در شبهه انتقامات امیریالیستی

با امیریالیسم اروپا و زاین باز شد. چگونه

می‌توان از امیریالیسم فرانسه یا امیریالیسم زاین

که اقتصاد میهن ما را تحریم می‌کند، دشمنان

خلق ما را حبابت می‌کند، به عنوان مدافعان

انقلاب ضد امیریالیستی - دیگرانیک میهن نام

آورد آنها در خشنان، موش‌های کور و خفشنان

شب را به سوارهای خود می‌فرستند.

چند تجاوزگرانه و دیگران رژیم ضد مردمی

امیریالیستها آغاز شد. آنها می‌خواستند که این

چند آن کند که تحریم اقتصادی امیریالیسم و

خواهکاریها و اخلاق‌گرایی‌های سرمایه‌داران و استیگنی

نیوانسته به انجام رساند. که این چند برگزائی

و بیکاری بیزاری‌باده، فحشه و آنبو بمبار آورد.

مردم میهن ما که در راه کسب استقلال و قطع

سلطه امیریالیسم، در راه صلح و استقلال

قهرمانانه بیکاری‌باده و دخواری‌های نزد پیشگرانه به

امیریالیسم را بچنان خوب‌داند، پیشگرانه به

هزاره خود ادامه داده و ادامه خواهند داد.

چند تجاوزگرانه و دیگران رژیم ضد مردمی

صدام چهره دوسنان و دشمنان خلق ما را هرچه

پیشتر به مردم میهن نهادند. مردم میهن ما به

وضوح دیدند که کدام دولت‌ها ما را به مبارزه‌ای

که در راه قطع سلطه امیریالیسم رسانند، باریم،

باز و باز و دکام‌ها هر روز خصومت پیشتری به

از پیشتر دیدند مردم میهن ما بودند که پیشتر های

ارتجاعی مطلع در صفت نیروهای دشمن خلق

قرار دارند و مردم میهن ما فرجه روشن تر

در اینستند که دولت‌های سوسیالیستی و مدنی

جهان پشتیبان مبارزات حق‌طلبانه ما هستند.

مردم میهن ما عجبیاً به این حقیقت پیشتر دیدند که

دولت‌هایی چون دولت اردن، فرمستان مسودی،

کویت، پاکستان و ... دولت‌هایی و استیگنی به

امیریالیسم هستند و در تعطیل نهادن در گذار

امیریالیست قرار دارند. راه استقلال و قطع

و استیگنی، راه قطع پیوندهای امیریالیستی،

التحاد زیر سلطه است.

و باستثنی اقتصادی، و استیگنی به امیریالیسم

جهانی و مزرگرد، این امیریالیسم اوریکاست و

این توجه ناتغیر رشد سرمایه‌های اتحادی

برای جوانی است که در شیکه روای

امیریالیستی اینکه دیگران و این حقیقت آشکار

و باستثنی، دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

دیگران را بخواهیم بند و

شیکه روای را بخواهیم بند و

<p

در تابعیت نیازهای رشد سلطه‌ای قرار دارد که
بینهم که چگونه از طریق پیوندهای امیریالیستی
با اقتصاد زیر سلطه شده کارگران و زحمکشان
می‌باشند به اینان انحصارات امیریالیستی سرازیر
می‌شود. در این بحث نشان خواهیم داد که
وایسکن اقتصادی، وایسکن به امیریالیستی
جهانی و به سرکرد، آن امیریالیست امریکاست و
این تدبیر ناکثر رشد سلطه‌ای اتحادی برای
جهانی است که در شیوه روابط امیریالیستی قرار
دارد. راه استقلال و پنهان وایسکن، راه قطع
پیوندهای امیریالیستی با اقتصاد زیر سلطه است.
در این مقالات نشان خواهیم داد که مشارکت
در تسلیم کار جهانی چنانچه مشارکت در تقسیم

کار جهانی تحمیل امیریالیست نباشد. تدبیرها
وایسکن درین بخواهد داشت بلکه شان
استقلال است. با در این مقالات نشان خواهیم
داد که چرا گسترش روابط اقتصادی با اروپا و آمریکا
سویاالیست و کشورهای ترقی‌خواه جهان صد
وایسکن و به هفدهم تحکیم استقلال است.
نشان خواهیم داد که آنان که می‌گوشند هفدهم
وایسکن را عربها در وجود را بشه با جهان خارج
معرف نکند و بهره‌مندی از حیات دولتهای
سویاالیستی و شرقی، جهان را نمی‌کند.
چارهای تواند جز اینکه در ادامه انقلاب با
تحلیل نادرست خود را از هفدهم وایسکن به کار
نمی‌کند با آنکه راه سازش با امیریالیست را در پیش
گیرند.

و ایستگی چیست؟ و ایستگی اقتصادی به معنای وجود وضعی است که در آن اقتصاد کشوری در تابعیت انحصارات امپریالیستی قرار می‌گیرد. بدین معنی که رشد آن، تغییر و تحولات در آن متأثر از نیازهای سرمایه‌های انحصاری کشورهای امپریالیستی و در جهت نامن نیازهای آنها آست پیوندهایشی که در آین وضع میان جوامع وابسته و انحصارات امپریالیستی بوجود می‌آید، حلقه‌های زنجیری است که تعریف کار کارگران و زحمتکشان را به این انحصارات منتقل می‌کنند تا آین سرمایه‌ها و نیز نظام سرمایه‌داری امپریالیستی جهان بتوانند به حیات خود ادامه دهد. بدین ترتیب وارد وابستگی عجیب است با مشهوم امپریالیسم و سلطه آن بر اقتصاد جوامع وابسته. از آین روزت که وجود اقتصادهای وابسته و زیر سلطه شرط حیات و دوام نظام سرمایه‌داری امپریالیستی است؛ و از آین روزت که وابستگی به عناصر قدر کثیرت مردم، عقب ماندگی جوامع زیر سلطه است.

که امپریالیسم آمریکا در مقام سرکردگی آن تزار دارد و امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی اجزای جهان پیکرند. مجموعه‌ای است از اقتصادهای

در مقاله پیشین گفتیم که امپریالیست‌ها ام کوشند این نظر را رواج دهند که در جهان امروز همه جوامع وابسته‌اند و هیچ کشوری نیز نتواند مستقل باشد. آنان می‌گویند کشوری که به غرب (بخوان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا) وابسته نباشد، به "شرق" می‌باشد. این نظریه سیاستی سوپریوریتی (وابستگی) است. می‌باشد. آن را در جهت قطع وابستگی، مبارزه در خشان است که در مبارزه با آن پیروزی منصور نیست. بدین ترتیب، این مروجان نظریه‌های امپریالیستی می‌کوشند بر مبارزه خلق‌های جهان در این قطب وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، خط طبلان بکشند. در این مقاله و مقاله‌های بعدی، نشان خواهیم داد که:

۱- وابستگی نتیجه قرار گرفتن اقتصاد کشورهای زیر سلطه در شکه جهانی انحصارات امپریالیستی است و بطور کلی، نتیجه قرار گرفتن در تقسیم کار بین الطی تعبیه امپریالیسم.

۲- وابستگی جوامع زیر سلطه، غرق، عقب ماندگی‌های همچنانی برای توده‌های مردم و سودهای کلان برای انحصارات امپریالیستی، سرمایه‌داران و است و امدادی آنها در کشورهای زیر سلطه بهار می‌آورد.

روابط متقابل با اقتصادهای سوپریوریتی و متفرقی، مشارکت در تقسیم کار بین الطی با دول سوپریوریتی که ماهیتا برآسانه روابط متقابل است در حبیت و شد نیروهای تولید ملی و تامین نیازهای زحمتکشان است.

سرمایه‌داری که طی سه قرن گذشته تکامل یافته و بخش‌هایی از جهان را هنوز زیر سلطه خود دارد. تحول این جوامع به جوامع امپریالیستی و زیر سلطه درآمدی کشورهای زیر سلطه، تابع قوانین حرکت و رشد سرمایه است. سرمایه رابطه‌ای است میان کار و مالک و سایر تولید. رابطه‌ای است میان استفسارگر و نیروی کار تجارت

امپریالیستی و متفرقی، و به عبارتی دیگر، مشارکت در تقسیم کار بین الطی، با دول سوپریوریتی که ماهیتا برآسانه روابط متقابل است، دقیقاً در جهت رشد بخشیدن به نیروهای تولید ملی و تامین نیازهای روزانه‌گران کارگران و زحمتکشان می‌باشد. این رابطه متقابل نه تنها وابستگی نیست بلکه تحسین و همترین ضمانت استقلال یک کشور و شرط لازم برای از میان بردن امپریالیست‌ها، گسترش وابستگی و گسترش رابطه با کشورهای سوپریوریتی به مشهوم حرکت در جهت از میان بردن وابستگی است.

وابستگی نتیجه اعمال سلطه سرمایه‌های امپریالیستی است

بهتر است نخست این سوال را مطرح کنیم که

سلطه جوشی انسان " تبیین کنند . آنان می گویند قوی ، ضعیف را به زیر سلطه من کشند . آنان مثال در پیش شیر ، خرگوش را و خود را آن و برای تشبیه رابطه میان جوامع انسانی به کار می گویند . آنان می گویند قانون طبیعت این است که قدرتمندان ضعیفان را در حلقه قدرت خود نکه دارند . آمریکا ، ژاپن ، فرانسه و ... زورمند و قدرتمند هستند و از این رو می توانند بر جوامع ضعیف سلطه یابند .

این صاحبینظران ، یا توجهگران امورالنیم هستند که می گویند واپسگان و زیر سلطه بودن جوامع آسما ، آفریقا و آمریکای لاتین را جوامع توانیان انکار نایابیز طبیعت و انتزاع کنند و دویاقع بگویند همین انتزاع است که هست . یا آن که غایل بوداداران هستند که می آنکه خود بدانند در دام نظیرهای امپریالیستی افتاده اند . اینها به خود رحمت نمی دهدند که جویا خوند آنان که امروز به زعم ایشان قوی هستند . هرا قوی هستند و آنان که امروز ضعیف هستند . هرا ضعیفند ؟ اینها نمی خواهند بهذینند که واپسگان جوامع زیر سلطه نتیجه وشد و تکامل سرمایه داری در مرکز امپریالیستی کشون انتزاع که جوهر و طاقت آن استشار کارگران و ستم بر حمله کشان و علقوه های

استشار ، سرمایه دار سرمایه خود را به کسار می اندازد تا سود ببرد . نا به سرمایه اش بپردازد ، بنا باز هم سود بپشت ببرد . بنابراین حرکت سرمایه حرکتی است مدام که انسانیت و تراکم آن را به همراه دارد . سرمایه پیوسته بزرگتر می شود . چرا که ایجاد شده تو سطه نیروی کار را تصاحب می کند و به آن (به سرمایه) می افزاید . چرا که اگر چندین تکند در اثر فشار و بیهیان از بین می بروند . همانچنان که سرمایه ای از سرمایه های در این راه از بین می بروند . حرکت سرمایه حرکتی است تغیر باشند . بدین معنی که سرمایه های بزرگتر پیوسته در مرکز مددود تری و در دست سرمایه داران قدرتمندتری تجمع می باشند . از این روزت که سرمایه های در للاش بروای کسب سود بپشت در تقابل با پکدیگر ، در رقابت با هم .

قرار می گیرند . هر یکی از سرمایه های می گویند بخش بینشی از ارزش اضافی ایجاد شده در جامه را به چیز آورد . سرمایه دارانی که زیرگذار می رهمند و بزرگتر هستند ، سرمایه های کوچکتر و ناگوایی تر را از میدان پدر می کنند و خود در موقعیت انصاری قرار می گیرند . این بروزگذر است که سرمایه ای از جوامع سرمایه دارانی طی می کند . این حرکت سرمایه بروای کسب سود است و دیدید آمدن انحصارات نتیجه . گریزانناید آن است .

گسترش رابطه با امپریالیستها ، گسترش واپسگانی و گسترش رابطه با کشورهای سوسیالیستی به مشهوم حرکت درجهت از میان پسروران واپسگانی است .

جهان است . اینها نمی خواهند بهذینند که رابطه و پیوست سرمایه های داخلی ، انحصارات امپریالیستی ، به هرگونه که باشد ، جزو مادام و شدید واپسگانی شرعاً می شود .

انحصارات امپریالیستی که در آغاز برای غارت متابع طبیعت و باقی بازار در جوامع زیر سلطه به آفریقا و آسما و آمریکای لاتین راهی شدند ، در حق آن بودند که با پیوست آذون مزاد اولیه از رازی به ترخ سود سرمایه بپذیرند و با فروش محصولات خود در این جوامع ، محدودیت هایی را که برای وشد آنها در اقصاد داخلی به وجود آمده بود ، برآور ساختند . این انحصارات سرمایه های تعرک پاشنی را که در اختیار داشتند بعدها نزد سود بالاتر به صورت وام و برای ایجاد تأسیسات زیربنایی اقتصادی ، طائفی راه آهن ، بنادر ، ملکگاف و ... به جوامع ذرعاً سلطه راهی گردند . این سرمایه های کارواری خود امکنات انتقال مواد اولیه به جوامع سرمایه داری

پیش از رشد در موطن خود و رسیدن به مرحله انحصاری . چون آنی که طرف را لبریز می کند ، به سراسر گسترش از این روزی شدند . و جوامع زیر سلطه را به بد واپسگانی کشانندند و زنجیر روابط و پیوسته امپریالیستی را بر آن قرار دادند . سرمایه های انحصاری که اقتداء می کنند خود پاکند ، نخست بروای غارت و چاچاول متابع طبیعت و حتی بروای از آفریقا به آمریکای شالی (بردن) و سپس بروای استناده از بازارها و بهزیشی از نیروی کار کارگران و تصاحب شره کار زحمه کشان به جوامع زیر سلطه روی آوردند . روابط اقتصادی آنها را در جهت نامین نیازهای سرمایه های انحصاری و تحت تأثیر خود تنظیم کردند و نا به هنگام که روابط واپسگانی مسلط است ، نه تنها فقر و عقبه اندگی برقار خواهد باند ، که بروشه فرازنه شدید واپسگانی اذمه خواهد یافت و فقر اکثریت عظیم مردم و عقبه اندگی و توسعه نیازگی افزون خواهد شد . بدین ترتیب ، واپسگانی نتیجه پیوست واقعی روابط اقتصادی در جوامع زیر سلطه با انحصارات امپریالیستی و در آمدن اقتداء جوامع زیر سلطه تحت تأثیر این انحصارات است .

برخی می گوشند بروشه وامسته شدن اقتصادی های وامسته و اما مذهبی نادرست چون " قدرت " و " قدرت " و با " انگیزه های طبیعتی "

حاشیه‌نشینان حلبی آبادها، حصیر آبادها،
زور آبادها، و دیگر نا آناده ها از بر حسنه‌ترین
و اغذیه‌گران وابسته به امپراتوریسم هستند. و فقط
این نیست که تصور شود نهنا در تهران، اهواز،
اصفهان و... چنین حاشیه‌نشینی را هستند که
به خیال آفای رئیس جمهور برای خردی کوت
از رسان "بچوزه" به شهرها روی آوردند. در
کوچیکی، آستانه، بانکوک، سانچولو،
سانشیکو و... نیز میلیون‌ها انسان و سخنده
در میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زنند.
بانکهای وابسته که با سرمایه‌های اتحادیات
مالی امپراتوریسمی در این جوامع بریا شدند، از
یک سری وسیله‌ای بودند برای انتقال ارزش
از اقتصادهای وابسته به مرکز امپراتوریسمی
تسهیل جوایز سرمایه مالی به اقتصادهای وابسته
و از سوی دیگر، شرایط مناسب برای گشرش
روابط پولی و مجمعنگ کردن سرمایه‌های کوچک
بیوس و به سوی سرمایه‌های وابسته و انحصاری
امپراتوریسمی.

پس از جنگ جهانی دوم، امپرالیسم جهانی که در اثر رشد فرازاینده آردوگاه سوسیالیسم و انقلاب‌های آزادبیخیج جهانی بازارهای خود را سیاری باز نگذاشتند. از دست می‌دادند، در مقابل تنشی شدیدهای روزگار فرون رسمایه‌دانی انحصاری و بروای بعدست آورده سود هرجو پیشتر، پیش از پیش به صدور سرمایه تولیدی به کشورهای زیر سلطه دست می‌زندند. اگر پیش از آن سرمایه‌های امپرالیستی پیشتر به صورت وام یا بروای استخراج معدن و بروای بعدست آورده موارد اولیه کشاورزی به جوامع وابسته سازیزی می‌شوند، پس از جنگ جهانی دوم، انحصارات امپرالیستی سیاست گستردگی‌های را بروای ساختن کارخانه‌های وابسته در این جوامع در پیش گرفتندند. بدین سرتیپ در کشورهای وابسته سیاستی و را بروای گردند که جزء شبکه انحصارات امپرالیستی بود. این صنایع که با سرمایه‌انحصارات امپرالیستی و با شرکت سرمایه‌داران وابسته داشتند ایجاد می‌شدند، صنایعی هستند که در ایام بروای برواردن شیوه‌های انحصارات امپرالیستی پدید می‌آیند. این صنایع که اصطلاحاً به آنها صنایع «وتناز» نیز می‌گویند، تحلیل و استگن اقتصادی به امپرالیسم و تنجه خالیت آنها و تندید و استگنی به امپرالیسم است. ها در شماره دیگر به بروسی خصوصیات این صنایع، به تفصیل می‌بردازیم.

و نیز زمینه وشد سرمایه‌داری در این خواسته فراهم می‌ساخت. قسم کاری که میان جامعه امپریالیستی و خواسته بزرگ شفاهه بود که کشورهای «بیشتره» (لطفی بدنی) سریب بود که کشورهای امپریالیستی برای اشاره به کشورهای امپریالیستی به کار می‌گیرند) کالاهای صفتی را تولید و صادر کنند و کشورهای «عقاب‌مانده» (لطفی که آنان برای اشاره به جوامع زیر سلطه بیکار می‌برند) مواد اولیه کشاورزی و معدنی را تولید و صادر کنند. اتفاقاً جوامع زیر سلطه که پیش از آن در رهبرت نامی نیازهای جامعه طبقاتی خود فعالیت داشت، به سوی تامین نیازهای انحصاری امپریالیستی جهت‌گیری یافت. در معنی سال‌ها بود که جوامع زیر سلطه کشت محصولات صادراتی مانند قوه، موز، نریاک و کانوچ جانشین محصولاتی شد که به مصرف داخلی می‌رسید (مانند غلات، بیوپلات، سیب‌زمینی و ...) و در همین سال‌ها بود که استخراج مواد معدنی مانند نفت، مس، مرب، روی، ... و بوسیله شرکت‌های انحصاری امپریالیستی گشروع یافت.

سرمایه‌های بومی نوچکی که در این جوامع خالیت داشت، در پیوند با انحصارات امپریالیستی قرار گرفت. جراً که روابط با این انحصارات برای سرمایه‌های بومی نتا ممکن بود و تجارت با آنها عشقمند بود و بسیار. در پیروزه ملکیون ها بنشور و ستمکر کوچک در این جوامع، که در مقابل سیل کلاهای ساخته شده و نیز ساخت شدند و خیل کارگران مزدیگیری را بوجود آوردند که بخش از آن ابتدا در مکانی و در کشش‌های بزرگ سرمایه‌داری و سپس در صنایع وسایعی که این انحصارات برویاگردند بورد استثمار سرمایه‌ای امپریالیستی و سرمایه‌های واسطه فوار گرفتند. گفتم «بخش از آن» از آن روی که از ویژگی‌های وشد اتفاقاً واسطه این است که سرعی بخش از آن جهی می‌باشد نیزروی کار را به کار گیرد و سایر معاش رزحستان را از آنان سلب می‌کند. یعنی این که همواره عدد پیشوران، مستکاران و دهقانان رزحستانی که تحت شفاهه ای اتفاقاً واسطه از سایر علائی خود (از دکان، کارگاه و نعمت سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های واسطه موافی چذب آن را ادارند. و این بدان هنانت که همواره بخش عظیمی از نیزروی کار به صورت ارتضی نشخواره بیکاران در حاضر شهرهای بزرگ جوامع و استبدار اعمال فقر و مکوییتی، روزگاری می‌گذرانند

و وسیع بر می‌گرد. اینها صنایع هستند که هر کدام بنا به مقتضیات و الزامات انحصارات جهانی در اقتصادهای وابسته برای منشود و هر روز زمینه گستردگی را در اقتصاد وابسته در حیطه فلکه خود قرار می‌دهد و بدین ترتیب به وابستگی اقتصادی این جوامع می‌افزایند. اگر

تا پیش از جنگ جهانی دوم تقسیم کارجهانی تحصیلی موسسه اتحاد اتحادات امیریالیستی به کشورهای زیر سلطه بدن مورت بود که این کشورها تولید کننده موادغام معدنی و کشاورزی بودند و خریدار کالاهای ساخته شده انحصارات امیریالیستی، اکنون این کشورها بدن گونه به تولید صفتی وابسته، همراه با تولید مواد غام معدنی و کشاورزی پرداخته‌اند. اگر در اوائل قرن پیش تولید صفتی خود نشانه‌ای از پیشرفت اقتصادی جامعیتی بود، اکنون برباشی صنایع وابسته در اقتصادهای وابسته چشم نیست. تولد صفتی وابسته خود نکن از جمهوریان بسیار مهم تقسیم کار جهانی تعیین از جانب اتحادات امیریالیستی به کشورهای زیر سلطه است.

صنایعی که بدن ترتیب پیدید می‌آیند از لحاظ سرمایه وابسته‌اند بعضی اینکه فرماندهی سرمایه بر نیروی کار توسط شیوه امیریالیستی انحصارات جهانی آنچشم می‌شود. و وزنی‌های اعمال فرماندهی سرمایه امیریالیستی بر نیروی کار صنایع وابسته و نیز پهنه‌های میان این صنایع و انحصارات امیریالیستی تابع خصوصیات رشتگیانه تولیدی مختلف بعضی موقعیت انحصاری سرمایه احصاری، وضع بازار داخلی و وزنی‌های فنی تولید در هر رشته و همچنین حدود آزادی‌هایی است که دولتیان وابسته همین می‌دارند.

نتیجای کوشش سرمایه‌های امیریالیستی به دست آوردن کنترل هرچه بیشتر بر بروزه تولید و بر صفت وابسته در اقتصاد زیر سلطه است. هر چه کنترل سرمایه امیریالیستی بیشتر، حدود آزادی‌های آن برای در اختیار گرفتن سازار گستردگی و حباب دولت وابسته از آن شدیدتر باشد. اماکن کسب سود و انتقال سود بیشتر برای سرمایه اتحادات امیریالیستی بیشتر است. در وله نخست، شرکت در سرمایه‌گذاری و در دست داشتن سهم بیشتر در مجموعه سهام ترکی که عهددار صفت وابسته است، کمال مطلوب سرمایه امیریالیستی است. هرچه کنترل اتحادات امیریالیستی در شرکت وابسته بیشتر باشد، اختلال بروز اختلاف میان سرمایه

در ساره پیش گفته می‌پس از جنگ جهانی دوم امیریالیستی جهانی که در اثر رشد سرمایه‌ایده اردوگاه سوالیسم و انقلاب‌های آزادی‌بخش جهان بازارهای خود را در بسیاری از نقاط جهان از دست داده است، در مقابل تفاوتاتی روز - افزون و تشدید شونده سرمایه‌داری اسحماری و برای بدست آوردن سود هرچه بیشتر پیش از پیش به صور سرمایه‌تولیدی به کشورهای زیر سلطه روی اورد هاست. انحصارات امیریالیستی با هدفی سرمایه‌های وابسته داخلی و در بینهای سوین اقتصادی که امکان استقرار انحصارات تولیدی پیش از همه فراهم نبوده به فعالیت پرداخته است. در ایران صفت اتوپلیل، دارویی و نیمه‌انسانی، لوازم الکتریکی و الکترونیکی و لاستیک و حتی کفنهای ماسنی و جواب‌بافی، به صور انحصارات وابسته با شرکت سرمایه‌های امیریالیستی شروع به فعالیت کردند. در این سالها بود که دولتیان وابسته کشورهای زیر سلطه تحت لوازی حفاظت از منابع داخلی سازمانی برای تضمین سودهای کلان برای سرمایه‌های امیریالیستی وابسته دستال کردند. کارگران و زحمکشان سینم ما پیویزه از دهه ۱۳۴۰ به بعد شاهد اجرای جنین سیاست از جانب دولت وابسته شاه بوده‌اند.

صنایعی که بدن ترتیب در جوام زیر سلطه چون ایران بوجود آمدند، صنایع وابسته هستند. بدن‌ها که نه پیدا شن آنها تشنج اینهاست سرمایه‌های داخلی و رشد نیروهای تولید نلی است و نه تولید وابسته آنها درجهت تامین نیازهای اقتصاد ملی پیدا شن، رشد و گسترش این صنایع درجهت تامین منابع سرمایه‌های انحصاری کشورهای امیریالیستی و در چهارچوب شیوه جهانی گشته‌ده انحصارات امیریالیستی است. این صنایع سهایه به تولید در بعضی از بروزه تولید کالا در اقتصادهای وابسته امیریالیستی که سیاستهای شیوه جهانی انحصارات امیریالیستی (شرکت‌های چندملیتی) ضروری می‌سازد و سود مجموعه فعالیت‌های انحصاری امیریالیستی را در این شیوه جهانی به حد اکثر می‌رساند.

بدین ترتیب رشد و گسترش این صنایع در اقتصادهای وابسته اختلالات و اسرافات عمیقی را در این زمینه بدید می‌آورد. رشد این صنایع بجای آنکه بسود میان آنها و سر بیوند میان صفت و دیگر بعض های اقتصادی به ویژه اسماه ملی رشد و گسترش دهد، بسود میان آنها و شیوه اتحادات جهانی را هر روز عصی تر

هم کرده و به بازار عرضه می‌کنند.
این ویژگی صفت وابسته تاثیر عمیقی بر رشد
بنیووهای مولود جامعه می‌گذارد. بخش عظمی از
سیروی کار رها شده از کشاورزی و از تولید خرد
ستی که وسائل معاش خود را از دست داده‌اند به
صورت کارگران بیکار در حاشیه شهرهای سرگز
در فقر و سرگداشی روزگار می‌گذرانند، نه
مبارزی کسب می‌کنند، نه به عنوان کارگر به
روابط اقتصادی جامعه پیوند می‌خورند و هر از کاه
که رونق بازار باعث کمبیاسی سیروی کار می‌شود
برای مدتی شغلی کمک‌آمیز و مردمی می‌گیرند.
آنچه این انتشار می‌نماید، قدر تعلیم داده

عدم تناسب تکنولوژی و روش فنی تولید در
صنایع واپسی با مرحله تکاملی نیروهای مادی
تولید داخلی و تابعیت این صنایع از انحرافات
امپریالیستی، نیازها و الزامات رشد آنها باعث
گشتر ساخت منتفعی ای من شود که فاقد
بیروندهای ارگانیک و متناظر بیان اجزای آن و
همان آن و بگیرشها اقتصادی است و
گمیختگی اقتصادی و تشدید و تعمیق واپسی به
شکه جهانی روایط امپریالیستی را دربوردارد.

رشد و گسترش صنایع وابسته توسط شرکت‌های انجمنی امیری بالینی تعبین می‌شود. از آنجه در باره تعبین عوابط فنی تولید فکیم، این نیز به موضوع حلوم است که گسترش خالصیت به برگ می‌رسد. باز این اینچه را با توجه به سازه‌ها و وزنی‌های صنایع وابسته نه با توجه به سازه‌ها و وزنی‌های بازار داخلی ملک اساساً با درنظر داشتن الزامات و شرایط خاص شرکت‌های انجمنی انجام می‌شود. از نیازهای شیک جهانی آن تعبین می‌شود. از اینروز است که نزد صنایع وابسته نایاب للاحتفاظات ابیاث در شیک جهانی انجمنی این انجمنی است و همواره سخنوار مطیعی از ارزش اضافی که توسط سرمایه‌های امیری بالینی کسب می‌شود به شیک جهانی خالصیت‌های این انجمنیات جریان می‌یابد. این انسان است که نقل و انتقال سودهای کسب شده به خارج از اقتصاد ملی و ابیاث آن در داخل، به وسیله انجمنیات جهانی تعبین می‌شود.

امیریالبستی و سرمایه داغلی بر سر چونکی اداره امور شرکت وابسته از نقطه نظر سرمایه‌امیریالبستی کمتر خواهد بود. قدر تندترین انحصارات امیریالبستی اغلب حاضر به پذیرش مشارکت هاشی نیستند که نتوانند سهم کنترل کننده را در مجموعه سهام شرکت به دست آورند. اما در مواردی که سرمایه‌های امیریالبستی نتوانند بخش عده سهام را به دست گیرند برای اعمال کنترل بر پرسه تولید، نیووهای دیگر به کاربرد گیرند. ساده‌ترین آنها این است که در اساسنامه شرکت برای خود حق "تو" فاصله نمود. اما علاوه بر این و مهم‌تر از آن خصوصیات صفت وابسته و جهان‌گستردنگ انجصارات جهانی برای این انحصارات امکاناتی فراهم آورده است که می‌توانند با داشتن اقلیت سهام در شرکت وابسته و یا حتی با داشتن سهم سپار اندک (در موادی بدوں داشتن سهم در شرکت) صفت وابسته را از طریق اعمال کنترل بر تکنولوژی، مواد اولیه، تقطیعات منقطعه و ماشین‌آلات تحت تابعیت خود نگهدازند.

انتخاب رئیس‌جمهوری تولید در صنایع وابسته در اختیار و تحت کنترل شرکت‌های انجصاری امیریالبستی است. روشهای فنی که برای تولید در صنایع وابسته در کشورهای زیر مسلطه انتخاب می‌شود، با توجه به الزامات، توانایی‌ها و انتظارات انجصارات امیریالبستی است و نه با درنظر داشتن رشد نیووهای مادی تولید در اقتصاد زیر سلطه. تنها از این طریق است که شرکت‌های انجصاری امیریالبستی با اینکا به امکانات فنی که در اختیار داردند و الزاماتی که شکه جهان - گسترده آنها فراهم می‌سازد، می‌توانند با گشترش تعالیت خود در اقتصاد زیر سلطه سود شکه جهانی خود را به حد اکثر برسانند. بدین ترتیب است که می‌بینیم کارخانه‌هایی که در اقتصادهای زیر مسلطه و نیز در ایران توسط انجصارات امیریالبستی برپا شده‌اند، جزیی جز کارخانه‌های ممتاز نیستند که با تکنولوژی پیشرفته تقطیعی را که در نقاط مختلف شکه انجصارات امیریالبستی شهیه شدست، سر

نقل و انتقال سودهای کسب شده به خارج از اقتصاد ملی و ایاشت آن در داخل مولتی انحصارات جهانی گذشت از آنکه مانع شد در مقابل رشد اقتصادی و جریان سرمایه ایاشت شده به دیگر بخش‌های اقتصاد می‌شود، اقتصاد و است را ناگفته می‌سازد تا هرچه سبکتر برای نامن از لازم برای انتقال سود انحصارات به خارج به صدور مواد معدنی و کشاورزی روی آورد. (در سورد ایران صدور بفت‌خام بوده است.) و سپر بر این اساس است که اتحاد ساره امیریالیستی گسترش تولید در این با آن زمینه در این با آن کشور را برناوریزی می‌کنند و به اخراج در این اورد اگر اموروزد کشورهای امیریالیستی امکان گسترش صنایعی که محیط زیست را به شدت الوده می‌کنند، بربرا کردن این صنایع در کشورهای زیر سلطه را برناوریزی می‌کند. حال این صنایع مورد ساز کشور زیر سلطه هست یا نیمه، بحقیقت است که در محاسبات انحصارات جهانی نمی‌گنجد و از این نوشهایها بسیار است. انحصارات امیریالیستی همانطور که در بالا گفته از طرق مختلف و با استفاده از پیوندهای کترولهای صنایع و استهانی با شیوه جهانی آنها، کترول سرتاسر امیریالیستی را بر صنایع و استهانی اعمال می‌کند. این پیوندها کالاهایی برای انتقال ارزش ملی این صنایع به انحصارات امیریالیستی را سر فراهم می‌سازند. بدین ترتیب سود انحصارات امیریالیستی در فعالیت صنایع و استهانی به آنچه رسماً و متعارفاً به عنوان سود خوانده می‌شود محدود نیست. سود سهام تنها بخفی از کل ارزشی است که از این صنایع به انحصارات امیریالیستی انتقال می‌باشد و در نواردی حتی سود سهام نیست به سودهای کسب شده از طرق دیگر بخش کوچک را تشکیل می‌دهد از این روش که سیاستهای ملی کردن سهام انحصارات امیریالیستی در صنایع و استهانی نمی‌تواند به منای از مبنی وقت قدرت کترول سرمایه امیریالیستی برآیند صنایع باید و بزیر این سیاست به شهابی نمی‌تواند. مانع انتقال ارزش از این صنایع به انحصارات امیریالیستی شود، انحصارات امیریالیستی ملاوه بر آنچه در ابتدای کار باست نام تجاری و تکنولوژی انحصاری خود دریافت می‌کنند، برداشتی های سینمی را طی سالهایی که شرکت و استهانه در حال فعالیت است، بابت گرایه (رات) تکنولوژی ظلمی می‌کنند. به عبارت دیگر انحصار ملاوه بر آنچه به عنوان سود کسب می‌کند بابت اجزای مختلف تکنولوژی که عرضه می‌کند مالکی به صورت مقطوع و جاری (بر

حسب تقدیر تویید با فروش شرکت و استهانه) به دست می‌آورد. این برداختیاری می‌گزیند مهمن انتقال ارزش از اقتصاد و استهانه به شیوه انحصارات امیریالیستی است. از سویی دیگر توارددادهای استفاده از تکنولوژی انحصارات امیریالیستی که از اسارت‌بازار ترس جبهه‌های و استهانی اقتصادی است، برای شرکت‌های انحصاری امیریالیستی این حق را قائل می‌شود که بر چگونگی بروزه تولید، عرضه کالا، رشد و کسرش واحد تولیدی نظارت داشته باشند. این خود حربه‌ای است که این انحصارات برای مقابله با میارهای ضد امیریالیستی - دیگر اتفاقی اقتصادهای زیر سلطه و شدت بخشیدن به بحران اقتصادی این جوامع به کار می‌گردند تا دولتهای مستقل را که در نتیجه این میارهای قدرت می‌رسند، تعمیف کنند.

بخش عظیم موارد، قطعات و ماشین‌الات مورد نیاز منع و استهانه انحصارات توسط شیوه جهانی انحصارات تمامی می‌شود و این نکته (همچون نکات دیگر) صریحاً در قرارداد میان انحصارات جهانی و منع و استهانه داخلی قید می‌شود که مور دنیا را از انحصار شرکت خود یا از منابعی که به وسیله آن تعیین می‌شود و به قیمت‌هایی که انحصار تعیین می‌کند، خریداری کند. این خود می‌گزیند از منابع مهم انتقال ارزش به شیوه انحصارات و بعیی دیگر از میراهای اعمال کترول و استهانه این صنایع و استهانه است. نیاز صنایع انحصارات بر موارد، قطعات و ماشین‌الاتی که در شرکت‌های اقتصاد ارزش را به واردات و سایر تولید از این انحصارات بخواهد، بخشنده این صنایع و استهانه استهانه به موارد، قطعات و ماشین‌الاتی که در شرکت‌های اقتصاد ارزش را به واردات و سایر تولید از این دهه‌های نخست قرن بیستم کشورهای و استهانه خریدار و واردکننده کالاهای معرفی شده شده انحصارات امیریالیستی تولید می‌شود، اکنون این کشورها خریداری و واردکنندگان موارد اولیه منعی، قطعات منفصله و ماشین‌الات بروای به راه اندماختن، صنایع و استهانه هستند که این انحصارات در این کشورها بروای گردانند.

همانطور که در مطالعات بعدی نشان خواهیم داد، بیش از ۷۰٪ واردات ایران در سال‌های گذشته کالاهای "واسطه" و "سرمایه‌ای" (وسایل تولید) بوده است که بخش عظم آن در این صنایع به کار برده می‌شده است. حجم نظریم این واردات بخود می‌گزیند از بازار ترکیب عوامل و رشد اقتصادی و استهانه در کشورهای زیر سلطه است و از نبود و تدبی همراه میان بخش‌های مختلف اقتصادی و بروزه تشدید و استهانی این کشورها

حکایت می‌گذد. بدینهین است ازد مورد نیاز این واردات من باشی از راه فروش مواد اولیه کشاورزی و حدیثی که انحصارات امیریالبستی خردباران آنها هستند، تامین گردد. در ایران در سالهای گذشته دیدهایم که مادرات روزانه نفت خام برآمداری برای واردات این کالاهای بوده است. واسطه این صنایع به واردات مواد، غلظات و ماضی‌الاتی که در شکه جهانی انحصارات امیریالبستی تولید می‌شود خوبی دیگری است که انحصارات امیریالبستی برای نظایره با جنبش‌های ضدامیریالبستی - دمکراتیک.

خلفیهای جهان و تضییف دولتهاشی که در تجیه این موارد به قدرت می‌پرسند، به کار می‌گردند. این نکی از مسم ترین منبعهای ساست تحریرم اقتصادی واسطه است که امیریالبستی است. این حیاتی است که امیریالبستی برای شکست دادن جنبش‌انقلابی مردم شملی به کار گرفت و بکی از ضربات سنگینی بود که زمینه سقوط دولت می‌ساخت. این اتفاق را فراموش کرد و این سیاستی بود که امیریالبستی برای شکست دادن انقلاب کوپا به کار بست و مقتله شاه شکست خورد.

بدین ترتیب می‌بینم که صنایع واسطه با پیوندهایی کثیره ده و عینی به انحصارات امیریالبستی انتقال دارند و موجودیت، رشد و فعالیت آنها در تابعیت به این انحصارات و شکه جهانی آنها است. از این روست که نه تن توان انتظار داشت حتی با طلب گردان تعافی سهام انحصارات امیریالبستی در شرکت‌های واسطه این صنایع را از واشتگی و هائید باید تعاملی پیوندهای صنایع واسطه با انحصارات امیریالبستی (قراردادهای خوبید کلا) استفاده از تکولوزی و... قطع گردد. از طریق همین پیوندها است که انحصارات امیریالبستی اقتصاد کشورهای زیر سلطه را به واشتگی هرچه شدیدتر و متفق نشانه‌اند. از طریق همین پیوندها است که انحصارات امیریالبستی بخش عظیمی از شبه کار کارگران و زحمتکشان جوانع زیر سلطه را تهاجم می‌کند و از طریق همین پیوندها است که امیریالبستی می‌تواند با تشید بحران زیر سلطه را جنبش‌های انقلابی خلقیهای جوانع زیر سلطه را به شکست گشاند و بوقتی نشانه این توافق را در این جوانع شنید و تحکیم کند. نه تن توان بدون قطع کامل پیوندهای میان این صنایع با انحصارات امیریالبستی پایه‌ای برای رشد اقتصاد ملی و زمینه‌ای برای فعالیت ملاق درجهت قطع واشتگی اقتصادی به امیریالبستی برمی‌آمد. مبارزه در راه قطع واشتگی، در زمینه صنایع، باید با دگرگویی اساسی در ترکیب صنایع واسطه همراه باشد. صنایع واسطه فائد پیوندهای ارگانیک و مقابل با دیگر صنایع و با دیگر بخش‌های اقتصادی کشور است. برنامه اقتصادی در

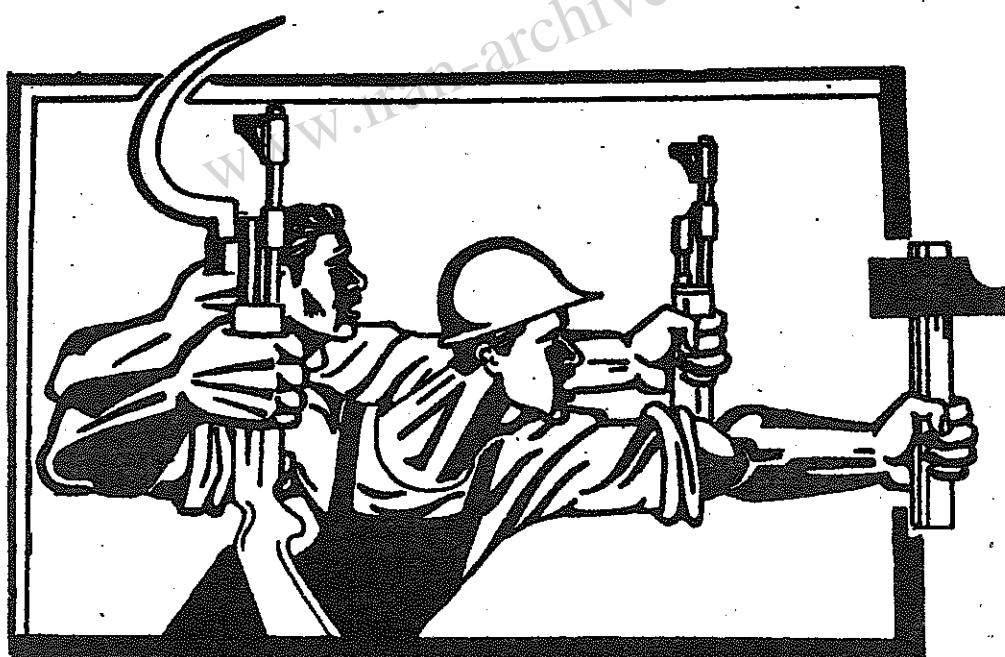
رشد مستقل اقتصادی در زمینه تامین تولیدات اساسی و رشد صنایع پادر و ایجاد بیوندهای ارگانیک با صنایع خود و دیگر بخش‌های اقتصادی بخوبیه کشاورزی تدوین گردد. علاوه بر این صنایع واسطه که بخش عمده‌ای از آنها صنایع معرفی است، برای پاسخگویی به نیازهای رشد واسطه بر پا شده و نیتیها درجهت رشد تولید ملی شدت بله که تامین گشته نیازهای انسانی توده و سعی مردم زحمتکش نیز نیست. توانایی اقتصادی درجهت فعل واسطه باید با توجه به اولویت تامین نیازهای انسانی کارگران و زحمتکشان تدوین گردد و مایه‌ی که از اولویت برخوردار نشسته به صنایع ضروری تدبیرسل گردد.

همانطور که در این مقاله و نزد در قاله پیش نشان دادیم، واشتگی شنجه را بسط سلطه انسانی است که از جانب انحصارات امیریالبستی سر اقتصادهای واسطه تحمیل می‌شود و این کشورها را به پیشریش نقشی در تقسیم کار جهانی می‌گشاند که رشد سرمایه‌های انحصاری کشورهای امیریالبستی و تشدید واشتگی اقتصادهای زیر سلطه را به همه کارهای انسانی کند. آنان که می‌گوشند واشتگی را از شفوم امیریالبستی جدا کنند، علیرغم هرگونه ادامه‌ی که داشته باشند، توجه - کشند کان امیریالبستی هستند. اینها که واشتگی را مرتبا در وجود رابطه با "خارج" ظمدادان می‌گشند اینکه که نیازهای امیریالبستی بر پشت اقتصاد واسطه کشور گشته باشند. آنها که بحران اقتصادی اقتصاد واسطه در شنجه خرابکاریها و اختلالاتی‌ها را می‌دانند و نیازهای انسانی و نیازهای اقتصادی اینها را تهدید نمودند، راهی جز تحکیم مجدد روابط سلطه امن اقتصادی با انحصارات امیریالبستی امریکاشی، آروپاشی و زاپاشی در پیش می‌گیرند.

راه مبارزه درجهت قطع واشتگی صنایع قطب تعاونی بیوندهای اتمال و تابعیت میان این صنایع و انحصارات امیریالبستی و ایجاد دگرگویی اساسی در ساخت و ترکیب صنایع واسطه است به ترتیبی که بتوان نیازهای را در درجهت برقی انسانی اقتصادی مستقل و نامن نیازهای روزانه‌یون کارگران و زحمتکشان بینن رشد داد. در این راه باید از کمکهای کشورهای سوسالیستی و مترقبی جهان و امکانات عظیم تکولوزیکی و اقتصادی آنها سره جست تا با عنصیری کردن نیازهای اقتصادی امیریالبستی امکانات دگرگویی صنایع واسطه اقتصاد زیر سلطه امیریالبستی را فراهم ساخت. آنان که گسترش روابط انسانی کشورهای سوسالیستی و مترقبی جهان را نه حاصل می‌نمایند، دادهای امیریالبستی - دمکراتیک خلقیهای جهان هستند، به معنای واشتگی تشدید می‌گردند، چه سخواهند و چه سخواهند ملا راه به سمت کشاد، مازده می‌شوند

امیرالاسی خلقهای ربروستم جهان انجام می‌دهند
دو شماره آینده رای دری روسیه و دفتر تو
اداد و اسکی شام وابس ایران، صن
بررسی احوالی رسد آن شام در ایران به
سویهای سمعی از راهله آن صالح با انتشارات
امیرالاسی اشاره می‌کنم و پسنه به بحث
درباره دیگر حیله‌های واسطی ادامه می‌دهم.

امیرالاسی - دمکراتیک خلقهای زیر سنم جهان
را سان می‌دهد جزا که رسمیه سوطگری و اعمال
فشار امیرالاسیم حیله‌ی و سرمایه‌داران وابس را
بارگذارند. امیرالاسیم که اینها را ماحصلان،
و "حدود طلب" می‌خواهد، سک می‌داده چه
خدمنو، رای نه شکت کنادر، مازهه ضدد



میلیون ریال رسیده بود . در سال ۱۳۴۸ به ۲۶۶ میلیون ریال رسیده بود . افزایش درآمد بعده سال ۱۳۵۳ که روسی برسان و سرخهای بود کلای را در اقتصاد ایران سه بیست ساعت تشدید حربان سرمایه‌های امپریالیستی به ایران نهاد نا بدانها که در سال ۱۳۵۶ به ۲۶۶ حربان سرمایه‌های خارجی به ایران ۲۴۸ میلیون رسید (۴۰) برای رقم سال ۱۳۴۹ از مجموع سرمایه‌های خارجی در ایران در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۶ برد آن در سن حوالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ به ایران حربان بافت . برگرس رقم سرمایه‌گذاری خارجی در این سال‌ها متغیر به شرکت‌های امپریالیستی بوده است (۴۱) درصد . دیگر سرمایه‌های امپریالیستی که به ایران حربان پاخته بود عدنا انگلیسی ، آلمانی ، زبانی و فرانسوی بوده است . حائز بوده است که سخن قائل توجیه از این سرمایه‌ها نیز در ایام سرمایه امپریالیستی است که از طریق شرکت‌های اروپایی یا ژاپنی تابع شرکت‌های اولتکی به ایران حربان بافته است .

سرمایه‌گذاری احصارات امپریالیستی تمام در وسیله‌های است که تولید احصاری در آنها می‌بیر است . این احصارات صالم لاستک داروسری و شیمیایی ، الکترونیکی و الکتروسیکی فلزی ، وسایط نظریه و رشته‌های خاص از صنعت پوشاک و ساختاری و غذایی و مواد ساختمانی را اند درست گرفته اند .

در اینجا پاید به چند نکت نوچه کیم . این اشتغالات اگر نفوذ سرمایه امپریالیستی را سفر به مزار سرمایه‌های امپریالیستی که در انتقاد ایران به کار انداده شده است محدود نداش . همانطور که در بحث‌های پیش گفته احصارهای واسطه با بیوندهای گسترده و عصی تحف تابعیت احصارات امپریالیستی و سارفا از این احصارهای رشد سرمایه‌داری احصاری مرکز امپریالیستی قرار می‌گیرد . یکی از حلولهای مهم ، تائید و واسطه این احصارهای میان متابعه و متابعه واسطه در این کشورها است .

سرمایه‌گذاری که در این صناعت می‌شود فراموش آورده زمینه رشد واسطگی است . مانع حسنه‌های دیگر این بیوندهای نیز خواهیم برد احت . در انتقاد ایران بطور منحصر به مطالعه بعده تجارت ، کشاورزی و ساختگاری سوچ خواهیم کرد . تا سنتیم این بیوندها چگونه رشد اقتصاد و چگونه می‌توان رای قطع واسطگی اقتصادی به امپریالیست در این صناعت ایجاد شودها کام ساره . حربان سرمایه‌های امپریالیستی به ایران که از طریق مرکز جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی به ایران وارد شد در سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۴۹ میلیون ریال بود و در سال ۱۳۴۱ به ۴۵۹ میلیون ریال نیز شد .

در جوامع زیر سلطه بزرگ شده و شان داده که چنونه امپریالیسم بر اقتصادهای زیر سلطه نعمت کار حیاتی را تحمل کرده است که در هب تا من سیارهای سرمایه‌های امپریالیستی احصارهای جهانی است . همچنین به وزیری‌های عظیم امپریالیسم نظر اقتصادهای زیر سلطه در دفعه‌های پیش از جنگ جهانی دو برابر اخسوس و دیدم که چنونه امپریالیسم جهانی سرکردگی سرمایه‌گذاری آمریکا بیش از پیش به صدور سرمایه‌تولیدی به این کشورها روی آورد است و گفتم که این ویژگی امپریالیسم در دفعه‌های پیش از جنگ جهانی دوم باعث رشد صفت واسطه سلت مالکت و سالیل عاش از ده قطان فقر . بهشوران و سمعکواران . همچویرت سبل آسای روسستانیان به شیرهای بیرگی که مرکز فعالیت سرمایه‌های امپریالیستی و ایسته هستند . ویرانی کشاورزی و تشدید روزافرور فقر سوده‌های محروم و زحمتشک می‌شود . ملاوه بر آن گفتم از آنها که بربایی صایع واسطه (وسطور کلی) رشد سرمایه‌داری واسطه) نه در هب تا من سیارهای اقتصاد ملی . که سامن گشده بیازهای رشد احصارات امپریالیستی است . این بروزه باعث تشدید فرامشه واسطگی و عميق و مختلف اقتصادهای واسطه می‌شود . با این مقدمه به سری صفت واسطه در اینجا می‌برداریم :

صفت وابسته در ایران

بن از کودنای سکن ۲۸ مرداد حربان سرمایه‌های خارجی به ایران به سرعت از سر گرفته شد و رو به افزایش شد . بانکهایی با سرمایه‌های مخلوط ایرانی - خارجی برای تسهیل رشد سرمایه‌داری واسطه ایران بربا شد . قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در ۷ آذر ۱۳۴۴ شوریب رسید .

اطلاعات اوصی و دیگر اقداماتی که در سال ۱۳۴۱ آغاز شد سیاست‌هایی بود برای استقرار سرمایه‌داری واسطه ایران که زمانه آن از سال ۱۳۴۲ آغاز شده بود . تولید و صادرات بعده خام که بکسره رو به افزایش بود ، از یک سوی سازهای اقتصادی امپریالیستی قوی سامم شرکت‌های احصاری بعنی را نامن می‌گرد و از سوی دیگر . درآمد لازم برای اعمال سیاست‌ها و نامن اعتمادات رای واسطه این احصارهای خارجی را در اختصار دولت واسطه شاه قرار می‌داد .

صنعت اتوموبیل سازی:

نحوه‌ای از صفت وابسته

در سال ۱۳۴۸ سرک مهندسی حب ایران با کسب احرازه ساخت (لساخ) از شرک کاپز آمریکا (الکون واسن و شرک امریکن موتورز) شروع به موتور واحد موتور اتوموبیل در ایران گرد. این در ابتدا این سرک روزی که دستگاه حب که ۹۰ درصد عطای ساخت آن در خارج اتحاد شده بود نولید می‌گرد. این شرک که سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران واسن و شرک برای شده بود مدرسان تولیدات خود را مسوع ساخت و فرآوری‌دادی سیر آغاز کرد امریکن موتورس برای نولید آریا و شاهین "مقدون" کرد.

در سال ۱۳۴۹ شرک "مرت" با کسب اجازه ساخت از شرک "رووو" آنکلیسی موتورز حب لد درور را شروع گرد. اولین اتوموبیل موتور ایران فیک ۱۱۰۰ بود که ساخته از حباب گفرگی دولت واسعه سازار اتوموبیل ایران را فرقه‌گاه اختصاصی خود ناف. اما این سازار بررسودی بود که احصار امریکالیستی رقابت‌های انتالیا سری‌دان حتم طعم داشتند نسبت آریا و شاهین و سیم در سال ۱۳۴۶ پیکانه و سله کارخانه ایران ماسونیل به سازار ایران عرضه شد. ایران ماسونیل که با بود سرمایه‌داران واسن و شرک جون "چیانی ها" و دیگر سرمایه‌داران واسن و شرک که دریار با شرک هلسن آنکلیسی که خود شرک تابع شرک کراسلر آمریکا است در سال ۱۳۵۷ متحاظر از هشتماهه‌وار دستگاه اتوموبیل به سازار ایران روانه گرد.

علاوه بر این ساده‌سین یکه سوجه کنم که هفاظت‌گر نه در شماره بیش از هر سه، مقدار سرمایه‌های امریکالیستی که در احصارهای واسن کنترل سرمایه امریکالیستی بر صاحب واسن و سر مقدار ارزش اتفاقی که از این طرقی به شکه احصار امریکالیستی حربیان می‌باشد مست سرمایه امریکالیستی نا-گه بر واسن‌گی روزانه‌رون تکنولوژیکی صاحب واسن و ساز آنها به غلطات، لوارم و جهرم به سهای کنترل خود را خود را صاحب اعمال می‌گد. بلکه از این راه بحق قابل بوجه (و در مواردی سیار به مرتب بیش از اینچه رسمی و معارفه به میان بود همین - دست می‌آورد) به شکه احصاری خود سازار می‌گند سازار هم یکه دیگر و آن این که سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌های امریکالیستی در صاحب احصارهای واسن سما در بخت‌های احصاری و حساس اس. بدین ترتیب این سرمایه‌ها از طرقی اعمال کنترل احصاری بر سازار فدری سه سریاب سی از اینچه سازار سرمایه آنها سی این دهد در دست دارد. نوچه هم یکه فوق به بررسی صفت اتوموبیل ساری ایران به میان سویاگی از صفت واسن در ایران می‌برداریم. هرچند هم علت ویزگی‌های صاحب تخلف آنچه در بورد صفت اتوموبیل ساری در ایران در زیر جواہم دید، الاما سی کم و کاست در بورد سعی صاحب واسن مادی سی اما می‌توان گفت که اساس رابطه سعی صاحب واسن با احصار امریکالیستی همان اس که در این بورد شان داده شده است.

ایران ناسیونال (بیکان سواری و واس) ،
 هیلمن - کراسلر انگلستان ، ایران ناسیونال
 (آنبوس وینی بوس) با دیملو بنز آلمان ،
 جنرال موتورز ایران (شوروت پوک ، کادیلاک
 و جیپ) با جنرال موتورز آمریکا
 سایه (رنو) ماریز - ناسیونال فرانسه ترکیب
 رتب (جیپ لندن) با دوقار انگلستان ، زامباد
 (وانت) با نیسان ژاپن . زامباد (کامیون)
 با ولسوون ، ازدا (وانت) ژاپن ایران کاوه
 (کامیون) با ماک آمریکا ، بنز خاور (کامیون)
 با دیملو بنز آلمان ، بللاند موتورز (کامیون و
 آنبوس) با بللاند موتورز انگلستان ، پرس
 لوکن (آنبوس) با دیپنی بوس) با دیپنی آلمان .
 در مجموع در سال ۱۳۵۶ تولید اتوموبیل
 سواری در ایران به ۱۰۷ هزار دستگاه ، و است
 ۲۸ هزار دستگاه . جیپ ۴ هزار دستگاه کامیون
 و کامیونت ۱۵ هزار دستگاه ، آنبوس ۱۷۰۰
 دستگاه ، بینی بوس ۴ هزار دستگاه رسیده بود .
 علاوه بر ترکت های اتوموبیل سازی متحارف از
 ۹۰ واحد تولیدی بزر در پردازش صفت و ایست
 اتوموبیل سازی وجود آمده است که آنها بر به
 نوبه خود پیوندهای عمیقی با اتحادات
 امیریالیستی داشته اند . از آن جمله است
 لاستکاری کان نایر با سی . اف . کودریج .
 لاسک جرال ، بریجستون بیتلی ، و کارخانه
 شمع اتوموبیل بوش و ...
 ویرگی سام واحدات اتوموبیل سازی در ایران
 و ایستگی آنها با اتحادات امیریالیستی است .
 این منابع که عملاً با عقد قرارداد اخراجی ساخت
 (الساس) برای شدمان انتیار استفاده از
 تکنولوژی تولید محصول مبتنی را از اتحادات
 جهانی کسب کردند و در مقابل به ازای استفاده
 از علامت تجاری (نام اتوموبیل) اسعاده
 از تکنولوژی و طرح تولید ، مبالغی به مورث یکجا
 و خاری (بر حسب میران فروش تولید) به
 اتحادات امیریالیستی پرداخت کیست .
 اتحادات امیریالیستی در این قراردادها برای
 خود این حق را فائل شده اند که بر بروشه تولید
 طارط گشته . میران تولید و گفای و سوچ
 محصول را تعیین گشت . بازار صادراتی را مین
 گشت . علاوه بر این ، ترکت و استهانی تلو
 خرد مانشی الات و تجهیزات و همچنین مطاب
 اصله برای مونتاژ اتوموبیل از شرکه همانی
 اتحادات امیریالیستی است . بدینه ایست .
 قیمتگذاری این مانشی الات و مطاب به وسیله
 ترکت چند ملیتی است . دیگر اینکه هرگونه
 تغییر و سبدیل در محصول و در بروشه تولید آن
 و در اجزای مورد استفاده از تولید محصول باید
 به وسیله شرک اتحادات امیریالیستی تایید و تصویب شود .

۶ در سال ۱۳۵۲ مرك جنرال موسور امریکا
 برگزیرین اتحادات تولید آنبوس در جهان و نیکی
 از سرگزیرین شرکت " جند ملیتی " جهان .
 جانشین شرکت " امریکن موسور " (که
 اتوموبیل های آریا و تاهمی را موساز می کرد) سد
 به هنگام قطع تولید آریا و تاهمی در حد از
 کار ساخت این اتوموبیل ها در ایران انجام می شد
 اما شرکت " جنرال موسور " که اتحادات فدرال نیز
 از " امریکن موسور " است با میسر کار ساخت اس
 سرمایه داران و ایست داخلي راهی به بازار ایران
 بیاند . شرکت " جنرال موسور " ایران اتوموبیل
 به نام شوروت ایران به بازار عرضه کرد که همان
 مخصوص است که شرکت " اس ویس " در
 آن بازار معرفه کرد . تولید شوروت ایران
 سالانه ۴ هزار دستگاه بود .

اتحادات فرانسوی سر از بازار اتوموبیل
 ایران پی نصب ننمودند . در سال ۱۳۴۶ شرکت
 سیتروئن در ایران آغاز کار کرد و به
 مونتاژ اتوموبیل های زاین پرداخت . مخصوص
 این شرکت در سال ۱۳۵۳ به ۱۲ هزار دستگاه
 در سال رسید . اما ژان زان هم از دور خارج شد و
 رنو " جای آن را گرفت "

به همین روای شرکت " جنرال موسور " ایران
 نیز تولید اولیل (شوروبلس ایران) را متوقف کرد
 و به جای آن به موساز شوروت توا ، بیوک و
 کادیلاک پرداخت که ۱۰۰ درصد اجرای آن از
 شرکه همانی ترکت جنرال موسور نامن می شد .
 هر یک از ترکت های اتحادات امیریالیستی
 در رشته اتوموبیل سازی سایه متفضیات باردار ،
 داخلی و سیازهای رشد سرمایه اتحادات خود
 کوشیدند صایع و ایستادی را در رشته
 اتوموبیل سازی بربا کرد . بدینه استدر این
 میان و قابت میان آنها برای بدست اوردن جای
 پای بیشتر در اقتصاد و ایست ایران رفاقتی
 سرخانه و شدید بود . شرکت های که موقی
 شدند با هدستی سرمایه داران و ایست هنگاری
 دولت و ایست شاه بر دیگران پیشی خویید
 توانستند بنا بر الایات سودآور خود موساز این
 با آن اتوموبیل را در ایران آغاز کرد . نفع
 تولید این با آن با ایست اتوموبیل و مونتاژ کردن
 اتوموبیلی دیگر به جای آن نیزه رفاقت میان
 اتحادات امیریالیستی و سر الایات رشد آنها
 بود .

هم اکون ده واحد صفتی و ایست ، ساریه
 اتوموبیل سواری و ایست آنبوس مینی بوس و
 کامون در ایران وجود دارد که همکی در
 پیوندهای عمیق با اتحادات امیریالیستی فرار
 دارند . این واحدها به فرار ربر هستند ;

یافته .. و در حبیت سدید و استنگی آد ، ادی
و برای اسغال هرچه سپر ارش تولید سده در
اقتصاد واسطه ایران به شیوه انحرافات
امبریالیستی بوده است

در مواردی محدود که علیرغم سیاست‌های
صلح واسطه و سیاست‌های دولت شاه برای
تحمیلت از صنایع وابسته تولید برخی از اجزای
اکتوپسیل به وسیله صنایع غیر واسطه داخلی
مسر شده است سیاست‌های بعضی محصول که
سازر الزامات سودآور سرمایه‌های امپریالیستی
بوده است ، و یا لخالت مستقیم شرکت‌های
امپریالیستی و وابسته مانع از آن شده است که
این صنایع رشد پاید . اما ، رای امثال هنگامی که
پس از چند سال تولید آغاز شاهین ، رطاحان
ارشانی توافق نتند برخی از اجزای بدنه و عدادی
از الات و ادوات آن را طرح کرده و تولید کرد ،
بنگاههای تولید این اکتوپسیل‌ها متوقف شد و تولید
"سورولت ایران " حای آن را گرفت . به همین
رووال بود فیض قلم تولید زبان .

شرکت‌های امپریالیستی اکتوپسیل سازی قطعات
منفصله را به صورت ستمبندی‌های پکدت
غیر منفصل با " کاملاً منفصل " (یوسوم به
بسهنهای اس ، کی ، دی و سی ، کی ، دی) به
شرکت‌های واسطه می‌فرستند برای آنکه قطعه‌ای
در کشور موتاپذیده اکتوپسیل تولید شود ،
شرکت انحرافی امپریالیستی باید آن را تصویب
کند و آن قطعه را از لیست ستمبندی خارج کند
اما شرکت‌های امپریالیستی که جاشنی شد
اجزای ساخت داخلی راهی حای اجزای ساخته
شده در شیوه انحرافی راهی حای اجزای ساخته
تحت عنوان " حفظ مرغوبیت " و استاندارد
محصول با این کار موافقت نمی‌کند . مثالی در
این مورد آن می‌باشد :

پس از اختلاف یکی از کارخانه‌های کامون
سازی ، نمونه‌ای از گکنفری را که در ایران
ساخته شده بود برای تصویب به مرکز شرکت در
اللان ارسال داشت . شرکت آلمانی به سیاه
پاشی بودن مرغوبیت . استفاده از آن را در
تولید کامپیون در ایران تصویب نکرد . شرکت
داخلی پس از انجام اخلاصات تکلیف نمونه‌ای
دیگر را برای تصویب به آلان فرستاد . آن نزد
نه بهانه گذشت تکوین شد . پارسون کارگران
شرکت داخلی مارک یکی از گکنفری‌های ساخت
همان شرکت آلمانی را از روی آن چاک کرد و پس
از رونگ زدن آن را جمیت تصویب به شرکت آلمانی
فرستادند . این پارسون شرکت آلمانی گکنفری
پا گه سود ساخته بود به ملت ندانی
مرغوبیت " ورد گرد .

پس از اینکه شرکت حیوال مسوور بولید
تولید را نعیم می‌داد و به حای آن سورولت و
سوک و کادیلاک تولید می‌شود .

در مواردی که انحرافات جهانی در
سرمایه‌گذاری در شرکت واسطه سرشارک دارد
(در مورد جرمال مسوور و روچس بوده
است) قدرت اعمال کنزل سرمایه امپریالیستی
حتی فروتنی شود . اما ، بیوندهای انحرافات
امپریالیستی آجیان گسترده و عمیق است و
فراردادهای احرازه ساخت و استفاده از تکنولوژی
به حد محدود کشته است که در هر صورت
شرکت واسطه تحت تأثیر انحراف امپریالیستی
قرار می‌گیرد .

پیوتدهای شرکت‌های اموال سازی داخلی سا
انحرافات امپریالیستی را که از یک سو وسیله
اعمال کنزل ، و از سو دیگر وسیله انتقال
ارش سه انحراف امپریالیستی است ، می‌توان
به صورت زیر خلاصه کرد :

۱- شرکت در سرمایه‌گذاری (سودسهام)
۲- تکنولوژی و طرح (نمیعنی طرح و تکنولوژی
مورد استفاده ، فروش طرحها ، نقدتها ، فرمولها
و دریافت حق الامتنای اویله حق الامتنای جاری
حقوق و پرداخت به کارشناسان ، مدیران و هزینه
اجرای طرحها)

۳- فروش ماشین‌الات سازنده تجهیزات خط
تولید ، قطعات منفصله برای موتناز ، مواد
اویله قطعات بدکی ماشین‌الات سازنده قطعات
بدکی محصول ساخته شده .

بدین ترتیب این صنایع با بیوتد ارگانیک
که با زیبیر امپریالیستی بارز است . در حفظ
تصویرت حربی از شکه انحرافات امپریالیستی
دری آید . این صنایع به خود در حبیت نامن
سازهای اقتصاد طی و رشد دادن به سروهای
تولید طی رشد و گفتش می‌پاسد و نه وسیله‌ای
هستند برای رشد دادن به صنایع و بود و
اوردین بیوندی ارگانیک سا دیگر بخش‌های
اقتصادی حواوح زیر سلطه . علاوه بر این ،
این صنایع در مواردی که سا صنایع داخلی در
رفاقت فرار می‌گیرند آن را به واسطگی کشند
یا از میدان بدر می‌کنند (نمی‌صنعت واسطه
کش ، بیوتد و ...) صنایع جنمی صنعت واسطه
امپوسل سازی در ایران میز مسابعی واسطه
بوده‌اند که بعده سود رحیم واسطگی اقتصاد
ایران را به شکه روابط امپریالیستی تحکم
می‌گردانند و می‌نامند اقتصاد ایران به الزامات
رخد سامانداری انحرافی مرکز امپریالیستی
می‌افزوده‌اند . بدین گونه بوده ایک کدر ایران
در دوران حکومت واسطه شاه صنایع واسطه رشد .

استشاره و ستم امیریالیستی رینگری می‌گذراند، بخش کوچکی از جمعت که ریزه خوار سفره چهارگانگی انحصارات امیریالیستی هستند از شرایط ممتازی برخوردارند اینان از یک سوی چوبست انحصارات امیریالیستی را برپا می‌کنند و از سوی دیگر، وجود آورده تقاضا برای بخش قابل توجهی از محصولات صنایع وابسته است که کارگران انحصارات امیریالیستی هستند، اینان صنایع، بوروکرات‌های دولتی، متخصصان بالابرته فنی اداری، مالی و حقوقی، دلالان، زمین‌بازان و بازارهای فروش‌ها و... حقوق‌های کلان و مسافع سرشماری بدست ای اوروند، اینان خردیاران مهدی محصولات صنایع وابسته هستند. رشد صفت اتوموبیل بعیزه در ابتدای کاران، بر تقاضای این افشار مرغه منکر بود.

اما این یک سوی قصه است. سوی دیگر سیاست‌های آگاهانهای بوده است که دولت وابسته شاه برای بوجود آوردن بازار برای محصولات صفت اتوموبیل سازی دنیا می‌کرد. اینجاد شکه عمل و نقل عمومی سنتلزن سرمایه‌گذاری قابل توجهی است که انجام آن بر عهده دولت است و شرط آن رفاه بیشتر برای پرده مردم و امکان رشد صفت برای صنایع و کشاورزی کشور است. اما دولت وابسته بوجوهای را که در اهتمام رانش (که حامل فروخت خام و مالیات بر کارگران و زحمتکشان بود) نه در اقتصاد داخلی، بلکه در جهت تسهیل رشد و انبساط سرمایه‌های وابسته امیریالیستی، بکار می‌گرفت. این این رو گزنش شکه حمل و نقل عمومی نه تنها باید بخشی از بودجه دولت را به خود اختصاص می‌داد که دولت وابسته حاضر به چین کاری نمود، بلکه صرفه جویی مقرط در این نوع سرمایه‌گذاری‌های دولتی خود و سیلیمای بود برای رشد این بازار محصولات صفت وابسته اتوموبیل ساری ایران.

بدین گونه است که شکه راماهن ایران به از پنجاه سال حکومت‌سکنی‌نموده در حدود و غیرکارآمدی، باقی‌مانده کما سپس ان در اوائل قرن بیسم بوده است. دولت وابسته شاه نه تنها سیاست گزنش شکه راماهن را (که می‌تواند تنایی مراکز اقتصادی کشور را به مصلح کند و حتی روسانهای میهن را در ارتباط با این برداز فرار دهد) دسال شکرده، بلکه دیگر وسائل حمل و نقل عمومی را نیز در سطحی بسیار

در شاره پیشین صفت اتوموبیل سازی را به میان نوعی از صنایع وابسته مورد بررسی قرار دادیم. دیدیم این صفت در بیوندهای گسترده و عمیقی با انحصارات امیریالیستی هستند. همین، دیدیم این انحصارات از طبق این بیوندها شرکه کارگران و زحمتکشان میهن را چهارم کرده و برداشتگر اقتصادی جامعه ما افزوده‌اند. راه مقابله با این انحصارات چیزی چنون می‌توان در جهت برخاست صفتی مستقل که رشد آن در جهت رشد بخشد بنیوهای تولید طی باشد و شارهای مردم میهن و به سود انحصارات امیریالیستی را نامن کند، پیش رفت. نسبت این موضوع را در مورد صفت اتوموبیل سازی (تولید اتوموبیل سواری، اتوبوس و کامیون) که به میان نوعی برگزیدهای دنیا می‌کنم و می‌بینم در جهت درباره سیاستی که می‌تواند صنایع کشور را در جهت استقلال پیش برد، می‌برداریم.

سیاست قطعه وابستگی صفت اتوموبیل سازی

در بررسی سیاست قطعه وابستگی صفت اتوموبیل سازی باید به سنتکشاپس توجه داشته باشیم (۱) ترکیب صفت اتوموبیل سازی (۲)، پیوند آن با دیگر بخش‌های اقتصادی و (۳) روابط این صفت با صنایع جنی آن و

۱ - ترکیب صفت اتوموبیل سازی ایران ترکیبی است که تجلی باز وابستگی اقتصاد کشور می‌است.

در سال ۱۲۵۶ بالغ بر ۱۵۷ هزار دستگاه اتوموبیل سواری در ایران تولید شده است. و در مکالم، عدد اتوبوس‌های تولید شده تنها ۱۲۰۰ دستگاه بوده است. هر آنچه باید در اقتصادی که جمع عظیم مردم آن از ابتدای ترین امکانات رفاهی رینگری، بسدهاشت، آموزش، تدبیر و... محروم هستند چنین عدالتی اتوموبیل سواری به بازار عرضه شود (و این بیدون در نظر گرفتن تعداد اتوبوس‌های سواری (وادائی است)؟ در این چنین قلیل بوده است؟ در اقتصادی کارگران و زحمتکشان در فقر و تندگی ناچی از

ناجیز نگه داشت . حمل بار و سافر در شهرهای شرق میان شهرها و میان شهرها و روستاهای با امکانات حمل و نقل عمومی غیر کارآمد و غیر مناسب انتقام می شد . اما تمرکز روز افزون حاصل از رشد سرمایه داری و انسنه که با سمع فرازیده جمعیت در مراکز شهری به همراه ایست رفت و آمد در مسافت های دور شهری را ضروری ساخت . در موادری در شهر تهران برای رسیدن از محل سکونت به محل کارباید ۱۰ کلومتر و حتی پیشتر راه طی شود . این وضع همراه با افزایش رفت و آمد میان شهرها و نیز با محدودیت امکانات حمل و نقل عمومی، باعث شد که افتخار نیمه هر فوج و حتی در موادری رختکنان شهری ناگزیر به تهیه اتوموبیل سواری شوند و با غربید قسطی اتوموبیل سواری بخش قابل توجهی از درآمد خود را به حب اتحادهای تولید کننده اتوموبیل سازی کردند توانهای افزای آغاز نیست اگر کوسم در موادری هم میهان ما باید مادل ۲ سال را دارد خود را برای خرید اتوموبیل که معن آن عیا ۷ سال است بروزدخت است که بعده ای افتخاری دیگر باید بزرگی به نسبی از درآمد خود را مرف هزینه حمل و نقل می کردند . این همان سیاستی بود که هوسدای بعدم در مجلس فرمایشی با عنوان یک پیکان در هر کاراز اعلام کرد و نشاندگان سرمایه داران وابسته برای او کف زدن و هورا کشیدند ! و این چنین بود که کارخانه های اتوموبیل سازی ایران در سال ۱۳۵۶ بخش از یکصد هزار اتوموبیل سواری به مردم ایران فروختند .

آیا امروز باید بسان گذشته به تولید اتوموبیل سواری ادامه شاد ؟ مسلطا خیر سایت بیاره در راه قطع وابستگی در صنعت اتوموبیل سازی باید در وله نفت با ایجاد تهییر اساسی در ترکیب این صنعت همراه باشد . باید تولید اتوموبیل منیوس ، واس و واگن قطار حاشیین تولید اتوموبیل سواری شود . این کار مستلزم تهییر اساسی در امکانات فی این کارخانه و قطع پیوندهای وابستگی آنها به اتحادهای اپرالیستی است که در زیر بدان خواهیم بروزدخت .

در دولال گذشته دولت جمهوری اسلامی گامی اساسی در این جهت برداشته است هرجند از برخی جهات امکانات آن فراهم سوده ای تغییر در ترکیب صنعت اتوموبیل سازی و کاهش تولید اتوموبیل سواری باید با برناهای اساسی برای گسترش شکه حمل و نقل عمومی همراه باشد . دولت در این مدت سنتها به سرمایه کداری در توسعه شکه راه آهن سراسری دست بزده (که می تواند بطور قابل ملاحظه ای ایجاد اشتغال ساید و سواری از صنایع جنی را به کار آورد)

بلکه حتی برنامه ریزی آن را سر آغاز نگرده است هرجند حکم تحملی زنم ضد مردمی صدام و محدودیت بولند سرس سب شد که اعلان ناگذ بر وسائل حمل و نقل عمومی مشتر شود ، اما در این راه سر بر اقدامات موضعی و موقتی جمهوری اسلامی به طرحی نهیه کرد و نه دست به کار اقدامی اساسی شد . حتی در این میان شهردار ساق تهران توسلی " که در زمرة شهریال هاست این را که شکه اتوبوسانی برای دولت خود بروم ، دارد منع بر سر حضنکنان تهران داشت و افزایش قیمت بلیط اتوبوس را که هم آنون بیش از حد بالاست مطرح کرد . از سوی دیگر ، کارخانه اتوموبیل سازی رنو به جای آنکه در عی ایجاد تهییری در محصول کارخانه خود باشد اعلام داشت که سفارش خرد اتوموبیل می پرورد و اینها که گفته شده چند هزار نفر تقاضای خرید را کردند . و هریک ۵ هزار تومان و دینه داده اند (این که این رقم به حدود بیک میلیارد تومان رسیده است و کارخانه رنو با جنس رقم سرما آزموده بود که خارج از ساخت کوتی می باشد) . اما این که دولت در کارخانه دولتی شده رنو به جای اندامات اساسی در بی جمع گردید شتری برای محصول این کارخانه واپسی انت سوال بروانگیز است که مسئولان جمهوری اسلامی باید بدان پاسخ گویند .

برنای اصولی خود چیزی قطع وابستگی در صنعت اتوموبیل سازی باید با تدبیل کارخانه ها که محصول آن برای حمل و نقل عمومی بار و سافر مورد نیاز است ، همراه باشد این سایت یعنی از الزامات رشد اقتصادی کشور تو زمینه صنعت و کشاورزی است و نیز فراهم آوردن رفاه بیشتر برای کارگران و حضنکنان شهری و روستایی است . همانطور که گفته شد مطالعه این سایت ، از یک سوی مستلزم قطع پیوندهای وابستگی صنایع اتوموبیل سازی است لکه در زیر بدان خواهیم بود داشت) . و از سوی دیگر باید با برآمدهای گستره و جامع برای ایجاد شکه حمل و نقل عمومی و بعیزه برای گشتن شکه راه آهن و انتقال شهرها و روستاهای این شکه ، همراه باشد .

۲- همانطور که در شماره پیشین دیدیم وابستگی صنعت وابست اتوموبیل سازی این است که صنایع جنی آن (مانند لامینکسازی) صنایع اساسی وابسته بوده که زنجیر سلطه سرمایه های اتوموبیلستور را اقتصاد ایران را شکنم خنده است . خصوصیت وابستگی این صنعت مانع از آن بوده است که صنایع غیر وابسته جنی داخلی پیویزه صنایع کوچک . بتاوید در کارآن بوجود آید و رشد کنند در موادری که صنعتگران و کارخانه های کوچک عمرو استه کوشیده اند ملکیت سیاست های این اتحادهای و دولت

وامسته شاه ، از شار صفت اتوموبیل سازی
بوجودداشته و برخی از آلات و ادوات اتوموبیل را
تبهه کند ، دیری تهایده است که در نتیجه
عملکرد این صنایع ووشکت شده و از میدان به
در رفتهاند .

در شماره پیشنهادی که شرکت‌های
امیریالیستی که بر تابعی بروزه تولید صفت
وامسته اتوموبیل نظارت می‌کند قطعات منفصل
اتوموبیل را در مستندی‌های یکدست "غیر
منفصل و "کاملاً منفصل " (موضوع به مستندی‌های
"اسن. گی. دی. ۵۹") می‌برند . برای این که

شرکت‌های وامسته فروشنده را برای این که
قطعه‌ای در داخل گشود تولید شود شرکت
انحصاری چند ملتی "باید آن را از مستندی
خارج کند از آنجا که این کار موجب کاهش سود
انحصار امیریالیستی می‌شود ، انحصار حاضر به
فیبول آن می‌ست . در شماره پیشنهادی جانشین
گردن گذشت ساخت داخلی به جای کاهش
تولید شده در شبکه انحصار چند ملتی "را
در مکانی از کارخانه‌های کامپون سازی ، هیچ از

انقلاب ، نقل کردیم و از این مواد بسیار است
تا زمانی که روابط صفت اتوموبیل سازی (دیگر
، صنایع وامسته) با انحصارات برقوار ماند ، از
این سوچنگاه بسیار خواهد بود .

علاوه بر این که صفت امیریالیستی
با بر الزامات رشد سرمایه خود ، در تولید
محصولات صنایع تغییر بوجود می‌آورند . در
صفت اتوموبیل سازی وضع معمول به عنوان ترتیب
است که هنگامی که بازار اتوموبیلی رو به انتقام
است (مانند بازار اتوموبیل زبان) ، با بازار
برای مرغه محصول برسودتری بوجود آمده است
(مانند بازار سیکوک او کاپلیک) انحصارات

امیریالیستی محصول کارخانه را تغییر می‌دهند .
اين کار علاوه بر هزینه‌های سکنی که در بردارد
و به خریدار اتوموبیل انتقال می‌باید ، باعث
زیان صنایع جنبی غیر وامسته و حتی سبب از

ین رفته اینها می‌شود . این وضع بدون تغییر در خط تولید و نوع
محصول نیز بوجود می‌آید . خواننده "کار

۵۹ می‌تواند به شکل ظاهری اتوموبیل پیکان سال
آنچه کند و جراغ‌های جلو و مقب آن را با
جراغ‌های پیکان ۵۷ و ۵۸ مقایسه کند . تعبیری
محسوس در شکل جراغ‌ها دیده می‌شود . علاوه بر
این ، خواننده می‌تواند از فروشگاه ، لوازم

به کی پیکان صفت جراغ‌های پیکان ۵۷ و ۵۸ را
پرسد و مقایسه کند . تفاوت بین این قابل ملاحظه
است ؟ چرا ؟ جراغ‌های پیکان که برای چند سال
تغییر شافته بود ، و در داخل تولید می‌شود و
قیمتی به نسبت ارزان داشت ، در سال ۵۱
کارخانه کوپلر انگلستان تصمیم گرفت نکل
جراغ‌ها را تغییر دهد و این کار را طور یکجانبه
اجرام نداند ، سنتهای "نمیه منفصل" و "کاملاً
منفصل" که این شرکت انحصاری امیریالیستی
برای کارخانه ایران ناسیونال می‌فرستاد ، از آغاز
سال جدید (۵۹) جراغ‌های چندید را در خود
داشت تبیجه این شد که جراغ‌هایی که با
قابل‌های قلی تولید می‌شد به کارخانه‌های
جديد نیاید . قیمت جراغ بدی افزایش یافت و
این کار در زمانی رخ داد که شرکت ایران
ناسیونال سازنده بود که پیکان ، دولتی نزد شده بود
بنابراین می‌بینم که ملت وجود پیوندهای عمیق
امیریالیستی ، که بهمین صفت اتوموبیل سازی ایران
می‌داند و اینها وامسته همراه مانع آن بوده است
که صنایع جنبی داخلی بتوانند بدون فشار گرفتند
بر پیوندهای وامستگی رشد پایند ، ملاوه بر
آن می‌بینم که به ملت وجود پیوندهای عمیق
امیریالیستی ، حتی ملی کردن آنها به خوبی
خود و بدون قطع کامل کلیه این پیوندها ، نیز
تواند اینجا ایجاد منتفعیت ساخت . ملت به این
صفت وامسته شود . همچنان که در سال اخیر ،
با آن که این صفت ملی شده و از برمی‌داران
وامسته آنها خلع ید شده (هرچند تکلیف
سهامیاران خارجی ، در تواریخ که سهامیاران
خارجی وجود داشته هنوز تعمین نشده اما در
هر صورت اداره صفت به دست دولت بسوده
است) هنوز بیوپدیهای وامستگی این صفت بر
چار مانده است . و این مانع اساسی در مقابل
رشد صفت مستقل اتوموبیل سازی و ایجاد
پیوندهای ارگانیک میان آن و صنایع جنبی آن
بوده است .

سیاست قطع وامستگی در صفت اتوموبیل
سازی باید مبتنی بر قطع کامل پیوندهای میان
این صفت و انحصارات امیریالیستی باشد . در
شماره آنچه به بحث درباره چونکی اجرای این
سیاست مهم خواهیم بود اخت .



سیاست قطع و استگشی

صنعت اتوموبیل

انحصارات امیرپالیستی از صنایع وابسته بیار آورد ، اما رابطه اساساً همان است که بوده : رابطه تابعیت صفت وابسته از انحصار امیرپالیستی و راهه شرارت در تقسیم کار جهانی امیرپالیستی . همان طور که در زیر نشان خواهیم داد نفع تابعیت از انحصارات امیرپالیستی و امیرپالیستی سی تواد بدون قطع این بیوندها باشد.

علاوه بر این در مورد صفت اتوموبیل سازی ایران و همچنین در مورد سیاری از صنایع وابسته ایران ، هموز تکلیف سهام سهامداران خارجی این شرکت‌ها (یعنی سهام انحصارات امیرپالیستی) معلوم شده است . هموز ، برای مثال معلوم بست آیا دولت از انحصار فراهمی بزی ناسیونال (سازنده اتوموبیل‌های رنو) سلب مالکیت کرده است یا خبر ، و این بس از گذشت مجاور از دو سال از قبایم بهمن ۵۷ جای سوال حدى باقی می‌گذارد.

اما ، همانطور که گفتم ، حتی در مواردی که سهام خارجی در صفت وابسته وجود نداشت باشد (مانند مورد شرکت ایران ناسیونال) ، با پس از سلب مالکیت از سهامداران خارجی ، ساله اساسی قطع بیوندهای صفت وابسته با انحصار امیرپالیستی است . برای مثال ، هم اکنون تولید اتوموبیل‌های سواری و وانت و بیکان در کارخانه ملی بدهد ایران ناسیونال صورت ممکن‌گردید که تعاضی سهام آن در اختیار دولت است اما هموز قراردادهای خرید قطعات نه تنفصل و کاملاً منفصل با شکه انحصاری هیامن - کراسلر انگلستان بر جای خود باقی است . تکلیفی تولید نیز در اختیار همین انحصار امیرپالیستی است . همانطور که در مثال ساده ، اما باز و برجسته جهانگردی هیامن ۵۹ شناخت دادیم ، هموز هم انحصار هیامن - کراسلر است که بر چگونگی تولید محصول کارخانه ایران ناسیونال سفارت می‌گند ، و هموز هم می‌مین انحصار است که از فروش قطعات منعمل به ایران ناسیونال سودرسشار می‌برد . و بازهم ، هموز ، همچ طرقی در عیب قطع این قراردادها به اجزا درساخته است .

در اینجا این سوال بیش می‌آید که چه باید کرد ؟ یا باید صفت اتوموبیل سازی هیامن - است تعطیل کرد ؟ یا باید تکلیفی بضرفه تولید را که اکنون به ملت سالها وابستگی اقتصادی سیاسی ، علمی و فرهنگی در میانها می‌باشد نیست گذاشت ؟ یا باید چند ده هزار کارگر را که در این صفت و در دیگر صنایع وابسته به کار تخلیص از کار بیکار کرد ؟ و یا باید اقتصاد میان را که بدغونه‌های مختلف به این صفت و دیگر صنایع وابسته ایکا داریم فلم کرد ؟ بدینی این است یا سایر ما به همه این سوال‌ها این است که مسلمان خواهیم شد این صنایع

۲ - همانطور که نشان دادیم سیاست قطع ترکیب این صفت با تأکید بر تولید و سایل حمل و نقل عمومی ، در جهت تسریع رشد بخش‌های دیگر اقتصادی و رشد همراهی و موزون صنایع جنسی اتوموبیل سازی همراه باشد . اما اینها همه درگروی قطع بیوندهای وابستگی صفت اتوموبیل سازی است . در بحث‌های گذشته دیدیم که بیوند صفت وابسته اتوموبیل سازی به انحصارات امیرپالیستی ، از بکسوی ، امکان انتقال بخش مظہعی از ارزش ایجادشده در آن صفت را به انحصارات چندملیتی " فراهم می‌آورد ، و از سوی دیگر امکان هرگونه رشد مستقل این صفت را از آن سب می‌گند و بدین ترتیب با تشدید وابستگی این صفت همچون دیگر صنایع وابسته در پروسه رشد وابسته آن وابستگی اقتصادی تشدید شده و امکان بیارگزی پیشتر برای امیرپالیستی فراهم می‌آید . این ، بنابراید بوسایی است که انحصارات امیرپالیستی سود هرچه بیشتر دنبال می‌گند .

نکته بسیار حساس و مهم در سیاست قطع وابستگی صفت اتوموبیل سازی ، و نیز دیگر صنایع وابسته ، قطع بیوندهای میان آن و انحصارات امیرپالیستی است . ممکن است گفته شود که صفت اتوموبیل سازی هم اکنون ملی شده از سرمایه‌داران خلع بد شده در اختیار دولت قرار گرفته است . این درست است . این بس از درست است ، اما این به خوبی خود به صنایع قطع بیوندهای وابستگی این صفت به انحصارات امیرپالیستی نیست . در شمارهای بیشین نشان دادیم که انحصارات امیرپالیستی نعمتها از طریق سیاسی که در برخی شرکت‌های وابسته در اختیار دارند . بلکه از طریق بیوندهای گسترده و عمیقی که با صفت وابسته دارند . آن را تحت تابعیت خود نگه دارند . اگر این بیوندها قطع شود ، خواه مالکیت این صنایع از آن دولت باشد ، خواهد بیاشد . صفت وابسته همچنان وابسته خواهد ماند . قراردادهای کوایه تکلیفی ، اجزاء ساخت (لیسانس) ، خرید قطعات منفصل ، خرید ماسن‌آلات و لوازم بدکی همه این امکان را در اختیار شرکت انحصاری امیرپالیستی قرار می‌دهد تا بر چگونگی تولید محصول ، ترکیب صفت و رشد آن اعمال نظارت و کنترل گند . قرار گرفتن دولتش ملی به جای سرمایه‌داران وابسته در این صنایع ، در حالی که بیوندهای وابستگی برجای مانده است می‌تواند ، حداقل ، تضییراتی اندک در نزد و میزان سرمکشی

این امری بدهیم است که قطع و اینستی بـ
امیرالیسم . قطع پیوندهای وابستگی به
انحرافات امیرالیستی به صنایع قلعه همکونه
و رابطه با اقتصاد جهانی نیست ، هرچند بورخی
من آشند ساله را چنین فلسفه داشتند که
میوهن ما در دویل اخیر به وضع دریافت ماند که
امیرالیسم جهانی ، سهولتگردی امیرالیسم آمریکا
و توانی دولت های مردمی و استهانی به امیرالیسم
با مبارزات ضد امیرالیستی سهولتگردی توده های
محروم و زعفرانه ایران داشتند و خصوصت
وزیریمانند و هرچه در توان داشتماند گردیدند تا
انقلاب مردم میوهن ما را به شکست کشند . هررا
که جو استهانها و منافع آنها در تحکیم مجدد
زنجیرهای انتظام و وابستگی بر کارگران و
زمختکنان میوهن است . این انتقاد و وابستگی
است که منافع انحرافات امیرالیستی را نامن
می کند . سود رسانی برای آسما سار می آورد و
سلطه ایهارا بر اقتصاد ها و استهانی تحدیم می کند
از سوی دیگر ، مردم میوهن ما در دویل اخیر
آشکارا دریافت ماند که کشورهای موسیالیستی و
مترقی حامی و پشتیبان مبارزات خونین بـ
و زحمتکنان میوهن ما بر علیه امیرالیسم جهانی
و سرمایه دارند و استهان ایران بودهند و همواره
آمادگی خود را برای گمک در جهت پیشبرد
مبارزه ضد امیرالیستی - دموکراتیک مردم ایران
اعلام داشته اند .

طبقه‌داران تنقیب و تحکم روایت امیرالبیتی
با امیرالبیس آمریکا؛ اروپا و زبان ایجاد هرگونه
روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و متوفی
را تحت عنوان دروغین "واسنی" به شرق
مورد حمله قرار می‌دهند. سوماچیاداران نیز
و میلان سرمایه‌داری واسنی ایران (مانند

ووزیرانه هم وزیران) به این آمید باطل دل بسته شد که سرانجام اقتصاد وابسته ایران، تحت فشار امپرالیسم و اخلاق‌گری سرمایه‌داران وابسته به جنан عرضی از بحران می‌رسد که مردم و حکومت گردیزی هرچه پذیرش روابط اقتصادی گستردۀ با کشورهای امپرالیستی نداشته باشد. این امید دل بسته شد که اگر امروز گشترش روابط اقتصادی با امپرالیسم آمریکا مقدور نیست، رابطه گستردۀ با امپرالیسم اروپا (فرانسه، انگلیس، آلمان و ...) و امپرالیسم زاپن برقرار گردد، چرا که ماهیتا تفاوتی میان رابطه با اتحادات امپرالیستی اروپایی و زاپن نیست. گذشته از این کسبه ایاری از این اتحادات در پوده‌های نزدیک با اتحادات امریکایی هستند. دولت تاکونون با تزلزل، تردید و دودولی با دستال کردن نوعی سیاست کجدار و مریز، کوشیده است از یک سویی با قمار لبرال‌ها برای گشترش روابط اقتصادی با امپرالیسم آمریکا، اروپا و زاپن مقابله کند و از سوی دیگر، در مقابل قبیل و قال لبرال‌ها و روزنامه انقلاب

تعطیل گردند ، نایاب تکنولوژی پوششته خودی که
مستوار در قرن ها نلاش انسانها است نایابه گرفته
شود ، نایاب کارگران بیکار شوند و نایاب اقتصاد
میهن را که به این صنایع اتکا نمایند باشد به حالت
فلج درآورود . در واقع به تعطیل کشاندن ما
ایجاد اختلال در صنایع وابسته ، تاکنیکی است
که امیریالیسم جهانی ، سرکردگی امیریالیسم
آمریکا ، با عهدتی سرمایه داران وابسته ، از
آنچه ایجاد آج گردید میتوان میتوان این صنایع را
نمکواریک در میتوان میتوان میتوان میتوان میتوان
شانه بروش گرفته است .

از آنجا که بند نات " این صنایع به
انحصارات امیریالیستی متصل است ، امیریالیسم
جهانی برای دامنه زدن به بحران اقتصادی میهن
ما ، برای افزودن به سکاری ، گرانی ، کمایی
کالاها ، با تحریم اقتصادی با خرابکاری و
اختلال ، سرمایه داران وابسته ، کوشیده است این
صنایع را متوقف سازد . این کوش امیریالیسم
با این هدف دنیال میشود که این طور و این ترتیب
کند که تنها با تجدید و تحکیم روابط سلطنتی از
امیریالیستی است که میتوان صنایع را بکار
انداخت ، انتیاد را از بحران بدرآورد . با
گرانی مقابله گرد و ... امیریالیسم جهانی ،
سرمایه داران وابسته و شایدکان و سلفان اینها
کوشت ، این طور تهدید کنند که مبارزه با
امیریالیسم یعنی گرانی یعنی سکاری ، یعنی
کمود کالاها ، یعنی فقه در تولید صنایع .

از این دوست که ما میگوییم قطع پوئندگان
اقتصادی با امیریالیسم ، قطع پوئندگان صنایع
وابسته با انحصارات امیریالیستی نه تنها برای
ایجاد اقتصاد و منعکس مستقل افری ضروری
است ، بلکه در موقعیت کوتاه امیری جهانی برای
مقابله با بحران اقتصادی و برای پیشبرد مبارزه
ضد امیریالیستی - دموکراتیک مردم میهن است .

قطع واسکنی اقتصادی سلتزم خارج شدن از
تقریم کار جهانی امیریالیستی است . قطع
واسکنی اقتصادی مستلزم نی تابعیت از
انحصارات امیریالیستی است . و این بنی
نمیتواند با وجود پوئندگانی وابستگی به
امیریالیسم و تابعیت از انحصارات امیریالیستی
تحقیق شود .

اما چگونه میتوان بدون به تعطیل کشاندن
صنایع وابسته ، بذون سکارکردن کارگرانی که
در این صنایع رحمت گشیده و جان گشمنداند و بد
و سلله انحصارات امیریالیستی استخمار شدماند .

بدون فلجه کردن اقتصاد میهن ، این صنایع را
متمول ساخته و در جهت قطع پوئندگانی
امیریالیستی و برای این منعکس مستقل نهیتی
رفت ؟ چگونه میتوان ملک غیر فشارهای همجانبه
امیریالیسم جهانی سرکردگی امیریالیسم
آمریکا و اخلاق لکریها و خرابکاریها سرمایه داران
وابسته برای مقابله با بحران اقتصادی کوتاهی
بکاری ، گرانی و کمود کالا اندام گرد ؟

الاصح روابط با کشورهای سوسالیستی را در
حدود سیار محدودی نگذارد . انگار دولت
کویی از برجسب القای ایدئولوژی که
ایران جزویانه به دولت جمیانه ماند سخت
نگران است ، و ملتفق ضرورت‌های پیشبرد
صاریخه خدماتیستی . در اینجاد روابط
گسترده با کشورهای سوسالیستی تردیدی
چنان‌ناید بر از خود نشان می‌دهد .
ادامه این سیاست به می‌تواند در جهت مقابله
با واسگی باشد و به آنکان مقابله با شرایط
بهرانی اقتصادی کنونی را فراهم می‌سازد .

رواج دهد که میاره خدا امیرالمیستی یعنی گرایی
یعنی سکاری . تا نتواند راه مقابله با گرایانی و
سکاری را تحکیم مجدد روایت آمارتبار با
امحصار امیرالمیستی در میان توده های نالگاه
بله کند .

نمایندگان سرمایه‌داری این نظر را رواج می‌دهند که کترورن روایت اقتصادی با کشورهای سوسالیستی بهمنای «وابستگی به شرق است. ایمان، دانسته با ندانسته با مبلغان توجهکار امیریالیسم هم آواز می‌شوند و کار را بداجا می‌رسانند که می‌گویند در جهان هیچ کشور مسئله نیست. آنای می‌گویند، همه واسطه‌اند، حال اگر نه به غرب، به شرق» و استعفاند. ما در آغاز بحث، وابستگی را فرار گرفتن اقتصاد. کشور در تابعیت اتحادات امیریالیستی تعریف کردیم و نشان دادیم که مفهوم وابستگی از مفهوم امیریالیسم جدا نیست. نشان دادیم که جهیان ماقنن سرمایه امیریالیستی به اقتصادهای زیر سلطه کوشی تسبیح گزینشاند بر رشد بر تضاد سرمایه‌داری از کشورهای امیریالیستی است و انگیزه اساس حرکت آن کس سود بیشتر از طریق تصرفه کار گارگاران و رحمکشان و قارت منابع طبیعی این حواضع است. این بروشهای است که همان طورک نشان دادیم در جهت تشدید وابستگی و فرار گرفتن اقتصاد وابسته تحت تابعیت فرازینده اتحادات امیریالیستی است.

در بحث‌هایی که گذشت شنان دادم که انحرافات امیریالیستی می‌کوشند رشد نیروهای تولید ملی را در جهت تشدید و ایستگی سنت و سوی دهدند و امکانات رشد مستقل و برپایان اقتصاد و صنعتی مستقل را نهی کنند. این نتیجه انتکار شاید بر ایستگی است و این حاصل از حرکت ذاتی رسمایه‌انحرافی برآی که بود سود هرچه بیشتر در شکه حیان اتحادی امیریالیستی است. مبلغان توجه‌کن امیریالیست می‌کوشند بر این واصطیات پرده انتکار و استثمار گسترش دهند و به این منظور وجود هرسوچ را طلب مقابله میان گذورها را واسطگی قللدادند. این نتیجت من دانند که بهره‌مندی اقتصادهای واسطه از امکانات گستردۀ اقتصادی، فنی و تکنولوژیکی گذورهای سوسالیستی کمکی است این ارزش ده در پیشمرد مبارزات ضدامیریالیستی خلق‌های جیان و از این‌دوست است که می‌کوشند قلب واقعیت کنند و آن را چنان‌چه هست جلوگیر سازند. چرا که کشورش روابط اقتصادی میان گذورهای سوسالیستی و اقتصادهای واسطه امکان کرید این اقتصادها را از تخلیم کار جهانی امیریالیستی هرچه بیشتر سهیما می‌سازد. و عاملی اساسی در جهت پیشمرد مبارزه ضدامیریالیستی خلق‌های تحت ستم جهان است.

بخت را در صفت اتوموبیل‌سازی ادایه می‌دهم. مثالی شخص در این مورد شفاقت

در جهان امروز سی·توان داشت هرگوشه را به
اصحادی ساخته باشد اینجا خارج را نمی‌کرد . سی·توان
صورت کرد اصحاب ایران به دور از اقتصاد جهانی
فرار گردید و هرگوشه رابطه اقتصادی با جهان
خارج مطلع شود مبارزه برای قطع و استنکی ،
صاروره سرای قطع روابط متقابل اقتصادی نیست .
بلکه مبارزه‌ای است برای قطع روابط سلطنتی
روابطی است که نایابیت از سرمایه‌های
امپریالیستی را دربر دارد . روابطی که اشتغال
و سرمایه‌الستی به همه‌را دارد . روابطی
که فر ... کرنگی ، خانه‌بندویشی ، بیکاری مزمن
نمی‌زدی و ... برای توده‌ها بیار می‌آورد .
روابطی که اقتصاد را در و استنکی زورگویی
عقیق مادکی فرازده نمک می‌آورد . روابطی
که سرای اصحاب امپریالیستی و سرمایه‌داران
واسه سودهای کلان از نهره کار کارگران و
رحمتکنان به ارمنیان می‌آورد . این است مقصون
و استنکی . هدف این مبارزه برچیدن و درهم
کوبیدن این روابط و جایگزین کردن روابط متقابل
اقتصادی ساجهان خارج است . آنان که و استنکی
اقتصادی را به معنای داشتن هر نوع رابطه
اقتصادی با جهان خارج می‌دانند ،
داسه‌ی داده‌ساز ، پای در کوچه بنستی
سهامدار . که بایان آن جز کوبیدن بر در
احصارات امپریالیستی سرانجامی می‌دارد . بنابر
این مقاله در داشتن یا دادسی رابطه اقتصادی
با جهان خارج سنت . مقاله در این است که
رابطه با اقتصاد جهانی به برآسان اشتغال و
ست امپریالیستی . نه بر پایه نایابی از
احصارات امپریالیستی و مشارک در تقسیم کار
جهانی تحیلی لر سوی امپریالیسم جهانی ؛
بلکه بر اساس روابط متقابل میان ملت‌ها فرار
گردید . بدینه است جنس رابطه‌های نمی‌تواند با
کشورهای امپریالیستی که سرمایه‌های اصحابی
آشنازی کسب سود هرچه بیشتر هستند برقرار
گردد . و نا این روابط و این پیوندهای با این
احصارات برقرار اس سی·توان استنثار داشت از
قید و استنکی که سمحه وجود این پیوندها است
های ساخت .

قطعه واسنگی اقتصادی مسلمان ایجاد روابط معابر اقتصادی با کشورهای سوسالیستی و صرمی همان است . با ایجاد روابط اقتصادی با کشورهای سوسالیستی است که می توان بدور فرار داشتن در سدهای نامعین به انحرافات اصیل سالیستی ، از دست اوردهای علی ، فسی و شکولوزیکی که دست اورد فرقه ها تلاش اساسی است . سهرو جست . تا صنایع و استان ایران در همین قطعه واسنگی به راه آمد آخوند . تولدید افرادی باید . سکاری کاهش گیرد . نشار گرایی بر کارگران و حسنکننان تعظیل باید . و بطور خلاصه با سرماشی تشدید گونده کوشی مقابله شود . تا دیگر مصالحان بشرفت و تصرف انقلاب تنواست . مواد غربیانه بگویند " ما براوی گرامی انقلاب نکردیم " تا تنواستند این عکس باطل را

جهان دو نوع رابطه اقتصادي با جهان خارج وا
براي ما يوقتن هي كند.

پس از پیروزی قیام بر شکوه سهمن ۵۷ کارگران و مهندسان متبد و انقلابی کوشش‌های

پردازشی جوای مهارزه با واسطهٔ صنایع تردد ماند
لز آن جمله است طرحی که کارگران و مهندسان
شکست خواهند یافت: اثبات: اثبات: که میانند:

هر انسان این طرح . . کارخانه جرال موتورز (سایق) که در مقالات تقدیم شده به چگونگی

بسداش و رشد آن اشاره کردیم ، طی هفت سال
خواهد توانست اتوموبلی عرضه کند که تنفسها

نطایج آن نوشتارهای و مهندسان ایرانی تولید شود. آن طرح را در وهله نخست مدیران کارخانه با انجمنهای اتوموبیل سازی از پیروزی و زیارات

در میان گذشتند. همچنین از این انجامات حاضر به پذیرش این طرح و اجرای آن شرودند.

امن امری مذکور بود . هدف انحصارات امیرالاستی برپاگردن صفتی مستقل در کشورهای جمله نموده و نسبت . هدف کسب بود

هرچه بیشتر است که تنهای در شرایط و اینستی
منکاری که صفت تحت تابعیت انحصار

امیر بالیستی است ، بدت می آید . به کلاسی خلاصه عیات آنها این است که انتقاد کشیده ، سلطنه و تقدیمه کل جمله

سوزنی رنگ سده سر سکم سر چهیں
امیر بالمشی شرکت داشته باشند.
کی از بولت های سوسائیتی آمادگی خود را

برای آجرای آمن طرح افلام داشت. شو آمن طرح
طبق منع غاز بیانی، اتوبوسمیل با غرایی محدود نظر

ایران، به طور کامل و بدون وجود پیوست
وابستگی در ایران تولید خواهد شد. در فاز اول
خط تولید نعلی، چنان‌الوقوع تضمین داده شده و

قطعات منفصل برای ۱۴ هزار دستگاه اتوموبیل در
ظرفیتکش از کشور مزبور وارد خواهد شد.

تولید هر سال دوم به ۲۷ هزار دستگاه خواهد رسید . از اوایل سال سوم ۱۰۰ درصد قدرت ساخته شده است .

در فاز دوم ، طرح و برنامه‌بری ساخت شاسی و توسعه پرس با افزایش پرس‌های جدید برای

تولید بیش از ۳۵ هزار دستگاه در سال ، انجام خواهد شد . در فاز سوم عملیات مونتاژ موتور آغاز خواهد شد .

و ساخت نشات موشور انجام خواهد شد . فر
فاز چهارم ، گیریگن و آکل در ایران ساخته
خواهد شد . و بالا خود در فاز پنجم نوآوری

و کمودهای صومی بر طرف خواهد شد . در این
غاز ظرفیت تولید کارخانه های بروای تولید

اتوموبیلی که تمامی آن در ایران ساخته خواهد شد و هزار دستگاه خواهد رسید .
به محض آن طرز ، به قطعه های کوچک داشت .

تولید شود باید ملا فاصله از لیست مستهندی های ارسالی از خارج (مستهندی های " آس دیگی ، دی "

و- سی، کی، دی) حذف شود . همانطور که در مطالب گذشته اشاره کردیم انحرافات انسانیت را از جمله این موارد می‌شوند:

اگر برای این مسیح هرگز حق و تراویم بخواهند به
وامستگی صفتی که در تابعیت خود دارند حاضر
به پذیرش آین نکته هم در قراردادهای خود

نحوه و نوشه

کشور سوسالیستی که حاضر به انجام است
طرح بوده مراقبت کرده که کلیه نشانها و
طرحها را بطور کامل در اختیار شرکت ایرانی
گذاشت و شرکت ایرانی حق تواند هر محصولی
را که لازم تدبیر می‌نماید در آنها بددد این
کمال اختیار با صفات انحصار ایرانیست
است که حق تکنولوژی بر طرح‌های تولید، بررسی
توالید، برآورده مفتوح نگه دارد.
برای خود مستعد استفاده از تکنولوژی تولید را
علاوه بر این، این شرکت قیمت نظارات را
بطور جدایگانه تعین و معاشه موافق کرد و به
محض آن که نظاراتی در شرکت ایرانی، یا در
واحدهای جنوبی آن تولید شود، آن نفعه از
لیست مستعنه‌ها خارج شده و به ارزی قیمت
آن از قیمت مستعنه‌ی کاسته شد.
شرکت‌های ایرانیستی برای تعیین
بطور یکجا قیمت تعیین می‌کنند و بدین ترتیب
حتی بر مواردی که نظاراتی از مستعنه‌ی خارج
شود، آنها پذیرخواه مبلغ ناچیزی را از
قیمت مستعنه‌ی کسر می‌کنند و با این کار حتی به
سود شرکت ایرانیستی می‌افزایند.
از جنبه‌های مهم دیگر این طرح آن است که
نظارات مختلف، علاوه بر تولید اتوموبیل سواری
برای ساخت چیزی همان مخصوص دیگر بعنی جمب
و است، استثنی و آموالاس می‌تواند، برای حب
تجاز، بود استفاده قرار گیرد. اما امکان غنی
نه تسبی در واحدهای تولیدی و استهاده وجود
ندارد، بلکه طبق قرارداد مقدار هر یکی از
محصولات کارخانه زیر نظر انحصار ایرانیستی
تعیین می‌شود.
اینها جنبه‌های مهم طرح باد شده است و جای
تحجب نیست که انحصار ایرانیستی حاضر به
پذیرش و اجرای این طرح نباشد، هرچنان که در
این طرح اساساً بوندهای وامستگی به انحصار
ایرانیستی قطع شده‌است و صفت اتوموبیل -
سازی می‌تواند به صورت صفتی مستقل درآید.
بدین ترتیب می‌توانیم بینینم تلاوت رابطه با
اقتصادهای ایرانیستی و با اقتصادهای
سویاًستی. از یکجا نا به کجا است . و بیز
می‌توانیم بینینم . هر یکی از اینها توجه‌گر
ایرانیستیم این‌همه سرستانتهای می‌گوشند نا در
مورد رابطه با اقتصادهای سوسالیستی قلب
و اقتصت کنند و رابطه‌ی را که می‌تواند کمک سی
فرزند در مزارع مردم می‌نماید بروای قدر و باستگی
به ایرانیستی می‌باشد جز آن‌جهه هست بنایاند.
مدت‌ها است که مذاکره برای مقدار فرادراد با
دولت سوسالیستی که حاضر به اجرای طرح فوق است
است ادامه دارد. لیبرال‌ها نوای توانستند
کارکرکی گردانند در این میان هیات‌ها برای
مذاکره به زاین وقته‌اند. لیبرال‌ها می‌گویند
قرارداد با انحصار ایرانیستی را جانشین
قرارداد با کشور سوسالیستی مشکور کند این
وشن است که انحصارات زاینی به همچویی
ناصر به انجام طرح فوق مستند. در این صور
ارکانه ایران ناسیوال و رنو که هنوز در

گرفته است . در آرماش اول انوموسل مددور به دور ایوان گردانده شد و اصحاب را نای موقعت گرداند . اما مدیران لیبرال این آرماش را کامی مسدیدند . آنان انوموسل هارا با باری اضافی و سوار شکن به سیر سله کاسن بوجال فرستادند و با . فشار عصر عادی که به انوموسل ها وارد آوردند هر دو دستگاه مورد آرماش آسیب دید . حوشحال از بهروزی خود . مدیران لیبرال به مراع و پیر صایع و عادی رفند و او را برای بارهای آنوموسل های آسیدیده به نهای تله کاسن بوجال بردند !

روابط واسنگی به اختصار امربالیسی فرار داردند به بولید انوموسل سواری ادامه می دهد و سختی بپراون تغییر در وضع این کارخانهها مطرح شده است .
اما درباره سروش طرح موی و پیشداد احرای آن سوی کشور سوسالیسی . در وزارت صنایع و معدن ذکر کنند زیر جالب توجه آسن آنچنان که در جلس مواردی مرسوم است ، دو سویه از انوموسلی که کشور سوسالیستی پیشداد بولید آن را در ایران داده است . سوی کارخانهای فی وزارت صنایع و معدن مورد آزمایش قرار

www.iran-archive.com

اقتصادی است . ساتوحجه این گهه است که به بررسی طا درباره سیاست مقابله با واسنگی در بخش صفت اداء می دهم .

آنچه سلام است این است که سیاست مقابله با واسنگی در بخش صفت ، حاستی نیست . که بتواتر دشنهای بیک ما در رشته صفتی ، یا حد کارخانه محدود گردد . اعداد این واسنگی به حدی گسترده و پیوشهای آن عقیق است که کار به این سادگی نیست که سوان انتظار داشت ما سلب مالکیت از چند هرمایدزد وابسته و چند شرک امیریالیستی ، واسنگی صفت ایران از بنین برود . اعداد این مبالغ و آنگاه می توانم دریابیم که سیمیم در این دو سال گذشته امیریالیسم جهانی ، سرگردانی امیریالیسم آمریکا تا چه اندازه توانته است با اعمال فشار اقتصادی بر بنین ما ، که بخش بیمه از این فشار اقتصادی از طریق همین پیوندهای واسنگی در صفت بوده است ، به بحران اقتصادی جامعه ما دامن زند و بر سر راه پیشرفت انقلاب ایران مانع ایجاد گشت . اگر امروز پور رختشویی ، صابون ، لامب . سیم برق . کاغذ . وات . کم است با گران است ، بخش قابل بوجهی از آن توجه اعمال فشارهای امیریالیسم جهانی توطئه های کنترلی است که در اختیار دارد . و اینها مانعا پیوندهای واسنگی است . نا رمانی کامی شرکهای کنترل را که نتیجه قرار داشتن اقتصاد ایران در تقسیم کار جهانی تحملی از سوی امیریالیسم و قرار داشتن در نایمیت احصارات امیریالیستی است از درست این غازگران جهانی خارج نکنم و صنایع خود را در جهت استقلال اقتصادی پیش سرویم ایران شنان را داده خدمتها کوشیده بود از پهنه گسترده واسنگی صفتی در اقتصاد وابسته ایران ما نمی نهاد صفت خود را ایران رسانده است . این مدت هزارین سکانیسم های اعمال سلطه اقتصادی احصارات امیریالیستی را بر اقتصاد می بینم آن می بردایم :

(۱) نیامی صنایع وابسته باید طی شود

ملی شدن صنایع وابسته بجز سلب مالکیت از سهامداران این صنایع و تلک آنها توطی دولت تخصیس گام در جهت مقابله با واسنگی در صفت گشوده است . اما اقدامات انجام شده در دو سال گذشته متضاد با ایجاد و معق واسنگی صفتی در اقتصاد وابسته ایران نشوده است .

سیاست ملی کومن صنایع در چهار جوب قانون " حفاظت و توسعه صنایع ایران " مانجام خده است که به نظر ما این قانون با ایجاد و معق واسنگی صفتی اقتصاد وابسته ایران تأسیس ندارد . این قانون در زمان دولت لمیزیال سارگان به توصیه تورای انقلاب رسید . گذشته از مذ " الـ این قانون ، که به موجب آن صنایع خادر ، یعنی

ساست مقابله با واسنگی صفتی

در اقتصاد وابسته ایران

آنچه در چند ساله اخیر درباره صنعت وابسته اتوسیل سازی در ایران گفته شد که این کلی ترین خطوط و عده ترین پیوندهای واسنگی در بیک از رشته های صفتی در سرمایه داری وابسته ایران بود . با نکاهی عقیق مه حزبیات علکرد این رشته صفتی ، پیش از اتفاق و سر در ترتیب گشته ، حتی پس از ملی شدن آن . شناختی عقیق تر از جسمهای واسنگی صفت اتومبیل سازی ایران بدست می آید . ما در شارعهای پیشین شنان دادیم که صرف ملی گردید کارخانه های اتوسیل سازی ایران ، در حالی که هنوز پیوندهای واسنگی آنها برقرار است ، نمی تواند بخودی خود بمحضای قطع واسنگی صفت اتومبیل سازی به امیریالیسم آمریکا ، اروپا و زاین باشد . ملی شدن صنایع آن گاه گامی انسانی در جهت مقابله با واسنگی به شمار می آید که اتفاقع واسنگی صنایع به اندکار از امیریالیستی ، در جهت بربانی صفت سبقت با استفاده از پیشنهادهای روش های مناسب با امکانات و شرایط اقتصادی جامعه همراه باشد . این ملتلزم مشارکت گشده کارگران صنایع و کارگران و مهندسان منهد و انقلابی آنها در کار بازاری صنایع و پیشنهادهای امکانات اقتصادی ، فنی و تکنولوژی کشورهای اقتصادیستی است .

آنچه در بررسی صفت وابسته اتوسیل سازی ایران شنان را داده خدمتها کوشیده بود از پهنه گسترده واسنگی صفتی در اقتصاد وابسته ایران ما نمی نهاد اتوسیل سازی را بررسی کردیم تا مدت هزارین سکانیسم های اعمال سلطه اقتصادی احصارات امیریالیستی را بر اقتصاد می بینیم شرح کیم .

ساله بسیار میم که اکون در بیماری اتوسیل سازی داده اندک از ملی شدن این امور می بینیم با قرارداد مقابله با واسنگی در تعامی زیمهای جامعه است . از آنجا که ما در این مجموعه مقالات دریس آن هشتم که کلی ترین خطوط مقابله با سلطه اقتصادی امیریالیسم بر اقتصاد میم راضی کیم بحث خود را در این رساندها ، بیک به بیک و طور خاص ، دنیال خواهیم گرد . بدهیم اینست که این نهادن می توان اینگه می توان امروز مقابله با واسنگی اقتصادی به امیریالیسم را تهی در این میان بخش اقتصادی دنیال گرد . همانطور که دیده ایم ، و پیشتر شنان خواهیم داد ، رابطه ای شناختگ میان بخشهای مختلف اقتصادی وجود دارد . مقابله با واسنگی اقتصادی ملتزم پیشرفت همراهی و همه جانبی در نیامی این زمینه های جامعه

صایع فولاد ، من آلمومس ، اس - اس و موسار
کسی ، هونیک و سوپریل به سلک دولت دیر
آمده است . مهرمن میست آن سد ب
فابون است که سا بر آن سهیم سخاچی که از
طرف غیر فابونی نا رسم گشته . استفاده
با شروع از امکانات . و صیغ حقوق عمومی به
پروتکل های کلان دست راهنمایی به سلک دولت
درین آید . بو اسماز این سد بر فابون است که
می باشی عده تبریز حق صایع و اسنه بزرگ
طبق شود و به سلک دولت درآید . این سد از
فابون همانطور که به هیگام صورت آن در
کار "شماره ۱۹ (۲۱ تیر ۱۳۵۸) گفتگو
دارای کمودهای ریاضی است .

به همین مرتب مفهوم "اسعاده" معرفه شروع
ار امکانات و تضییع حقوق عمومی سر مفهومی
ساز است. تمامی رسمایه‌های واسطه از
امکانات اقتصادی حاصله "اسعاده" نامخروع
گردیده‌اند و حقوق عمومی را تضییع کرده‌اند.
اما دولت بریتانیا را برگان کی خواست بر این
مفهوم صحة کذارد کسانی عرضی از سرمایه‌ها
در اقتصاد ایران به آنها رسالیم و ابانت است. لطف
واسنگی به امیریالیم فقط و مفهومی است که
امیرالها هرگز بر آن صحة نگذارده و نخواهد
کذارد. آنان امیریالیم را به گزینی درسته و
واسنگی بآن را درجهت حقیق و گشترش
نقر و مقفلاندگی اقتصادی می‌دانند، که آن
با هم "سایاونل" مهربان و گشاده‌روی و
دست و دلاری می‌سایانند که تا لباس
نصر و برآق از دودکشی‌های سواری به درون خانه
کیمی آید و در کیسه کشاد خود بدینهای برای همه
کذارد. پس به این است که هرگز به امیریالیم
واسنگی است این ابت "حقوق عمومی را تضییع کرده".
حدست گزینی بوده اقتصاد میهن را به واسنگی

کنانده و فقر توده‌هارا افزون کرده، که شنا
آنان که از حقوق خود تجاوز کرده و دست در
کیسه هدایات "پاسوچل" سردنهاد منحاوره
حقوق عمومی هستند، آنچه گرفته‌اند "امشروع"
است. این اسطوره‌ای است که لبرال‌ها
می‌خواهد به عنوان واصلت به توده‌های سارز
سینه ما قالب کند، و از این رو است که در
قانون "حافظت و توسعه صنایع ایران". نه
کلکسی از امپریالیسم است و نعمتی برای سلب
مالکیت از سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم.

(ب) - این قانون به جای آنکه ملی کردن واحدهای اقتصادی وابسته به امپریالیسم را تجویز کرد، تنها سلک سهام شهادارانی را توسط دولت مجاز می شاراد که دارای روابط غیر قانونی بوده و با " تضمیح حقوق عمومی شرکت های نامشروع " بدست آورده بودند . نتیجه این است که تنها سهام اشخاص است که به موجب این قانون ملی شده است و نه عرکت های تولیدی وابسته به امپریالیسم . این یکی از مهمترین کاسته های این قانون بوده که عمل پیشبرد سیاست ملی کردن صنایع وابسته را با مانع مطبخ روبرو ساخته است . پس از آنکه بدان بر عماره های فوق سهام ۵۳٪ از واحدترین شرکت های داران ایران (و نیز سهام زن و فرزندان آنها) ، چون خمامی ها ، رضامی ها ، حاجی ها ، برخوردار هاره اند ... ملی اعلام شد ، بسیاری از شهاداران که بعثتگیری شورای انقلاب دارای روابط غیرقانونی " سوده و حقوق عمومی را تضمیح نمکده بودند بر سر کار خود بیافای ماندند . نتیجه آن شد که در این موارد عمل دولت در کنار شرکت های داران و استعاری که سهام آنها ملی شنده بود ، اداره صنعتی را بر مسیده گرفت که تا سیخ وس وابسته بود .

از این روی در جمیں مواردی که مدیران نعیین شده از جانب دولت به همت کارگران و کارکنان منتهی و اتفاقی خواسته اند گامی در جهت قطع و استگشای این منابع بردارید با مشکلات عظیم خلال و کارنگی های دیگر شاهداران مواجه شده اند.

(ج) - این قانونی تها ملی گرد و واحدهای تولیدی صنعتی و مدرس را مجاز شمرده است
همانطور که در مقالاتی که بسیار از درس زمینه در "کار" درج شده است آمده است.
سازاری واحدهای سرمایه داران وابسته ایران،
تحصیلات عظیم و گسترده ای هستند که
واحدهای تجاری و خدماتی محدودی را در شکه
تحالیت های خود جا داده اند . این واحدهای
گاه در پژوهشی مستعمم ساخته ای احصار بولیدی
فرار دارند . و گاه به صورت مجرما و ظاهرا بدون
محض پیویسی سا احصار تولید هستند . ملب
بالکت از سرخی از سهامداران در صفت و استه
رها گرد و واحدهای خدماتی و تجاری جنس
سها به طور کامل بسب شده است که بسیاری
و سرمایه داران وابسته (حتی آنان که از آنها

دو واحدهای مستقیم سلب مالکیت شده است)
پتوانند به فعالیت کارخانگاه و غازنگران خود
ادامه دهند. در اینجا در دریچه که درباره
تجارت داخلی و تجارت خارجی از پیش داریم
مغلل صحت خواهیم گردید. و در اینجا همین
را گفته که ملی کردن سرمایه‌های وابسته
مالکیت شدیم تاها در صنعت و معدن که در تمامی
بخش‌های اقتصادی صورت گیرد. سرمایه چون
آب روان است که هرگاه در این گوش مانعی بر
سر راه خود بیاید به گوشای دیگر سر زیر می‌خورد
تمامی راههای رشد و حرکت سرمایه وابسته باید
به قدر کمتر شود .

(د) - در این قانون تنکیف سرمایه‌ای
امیریالیستی (سهام سهامداران خارجی) معلوم
نموده است . بنابراین "الف" قانون دولت
مالکیت شدیم تامی سهام واحد منتفی را به تنکیف خود
درآورد . با این حال دولت بمحرک اعلام
نکرده است چه انداماتی بروای ملی کردن سهام
خارجی این صنایع به عمل آورده است . آیا سهام

قادر به حل هیچ یک از مسائل وابستگی نیست

(ه) این قانون دارای بندی دیگر است. بنا بر بند (ج) این قانون، کارخانههایی که "وام‌های قابل توجه از بانکها دربرآورده اند و اکنون بدین آنها از کل دارائی خالص آنها کمتر است، تحقیق مدیریت دولت قرار گیرد. این کارخانهها خود بخش و سیعی از منابع وابستگی ایران را شامل می‌شود. متأسفانه حتی همین معابر نز تاکنون بورد اجرای معمولی قرار نگرفته است. ماحصل کلام این که تعامی واکنهای صفتی، تجاری و خدماتی وابسته باشد به تملک دولت در آینده و سهام سرمایه‌داران وابسته آنها معاشر شود. سهام تمامی سرمایه‌داران خارجی در واحدهای اقتصادی می‌باشد ملی اعلام گردد و همچنین سرمایه‌گذاری انحصارات خارجی برای همیشه ممنوع شود.

-۲- تأمیل پیوندهای اسارتیار صنایع کشور با انحصارات امیریالیستی قطع گردد. همانطور که در بروزی صفت اتوسیل نشان دادم، ملی گردان صنایع وابسته بمنودی خود به منابع قطع وابستگی صفتی کشور نیست. ملی گردان صنایع وابسته از آن جهت حافظ اهمیت است که به حیای خلیع ید از سرمایه‌داران وابسته، این همدستان غارنگری‌های امیریالیستی است. اما خلیع ید از سرمایه‌داران وابسته و نیز سهامداران خارجی تنها در صورتی می‌تواند به منزله کامن مهم فرجهت مقابله با وابستگی صفتی کشور باشد که دولت، که در نظام گفتول گذشته صنایع ملی شده در می‌آید، گام‌های اساسی درجهت قطع پیوندهای وابستگی این صنایع به انحصارات امیریالیستی بودارد. همانگونه که در بروزی صفت اتوسیل‌سازی نشان دادم، انحصارات امیریالیستی در روزگار ما دارای چنان شکن‌گشته‌های بودند که این صنایع ملی گشتدهای بودند و باستگی صنایع اقتصادیهای وابسته به این شکن‌گشته ایجاد شدند. محقق است که این انحصارات تنها از راه در دست داشتن سهام ایران از منابع اتمال گشتول نیز گشته و سودهای آنها از صنایع وابسته تنها به ملی گردان محدود نیز شود. همانطور که در مورد کارخانه ایران ناسوپنال نشان دادم، در این واحد تولیدی پیش از ملی شدن نیز انحصار امیریالیستی هیلن - کراسلر دارای سهمی نبود. آنچه هیلن - کراسلر از تولید وابسته ایران ناسوپنال به غارت بوده است توجه پیوندهای اسارتیاری است که ایران ناسوپنال را قدر تضمیم کار جهانی تعبییر امیریالیست قرار داده است و از طریق همین پیوندها بوده که این صفت در وابستگی مالی تأثیردهاست. قراردادهای اسارتیار که این تکلیفی انجام رساند گرانه ساخت (الیسان)، خرید طغات، مواد اولیه و تجهیزات با این انحصارات باید لغو شود.

بازارسازی صنایع وابسته ایران درجهت قطع کشورهای دوست انقلاب ایران، به ویژه کشورهای سوسالیستی است که می‌توانند به شهرت‌ترین دستاوردهای علمی، فنی و تکنولوژیک جهان را در خدمت مهاره‌های صادربرای ایستگی - دمکراتیک مردم می‌بینند ما قرار دهند. آنان که با علم کردن تر اجتماعی "دوا بر قدرت" با ایجاد روابط متقابل اقتصادی با کشورهای سوسالیستی منساد می‌ورزند. همانطور که در این مقالات نشان دادم، داشته باشد نداشته راه تحکیم وابستگی اقتصادی به امیریالیستی را هموار می‌کنند. از این پو ایست که لیبرالها این جنس سرخطانه و پیکرانه با سایر کشورهای خود روابط متقابل اقتصادی با کشورهای سوسالیستی مخالفت می‌ورزند چرا که اینان جون دیو سفید می‌دانند که مقایسه همه مردان در همین پیوندهای وابستگی به انحصارات امیریالیستی است و هم از این رو است که لیبرالها اکنون می‌کوشند امیریالیستی اروپا و زاین را، امیریالیستی فرانسه، آلمان، ایتالیا و... را هم پیمانان "صادق" "هزاره" و "هدل" مردم می‌بارز می‌جنی. ما جلوه‌گر باشند.

گه ترکیب صنایع کشور باید دیگرگون شود. در ابتدای سخن، در محبت درباره مشیوم وابستگی گفته‌یم رشد سرمایه‌داری وابسته در اقتصادهای ریز سلطه با گیمختگی سیار شدید همراه است. در بروزی صفت اتوسیل سازی نیز دیدیم که این صفت بدون پیوندی ارگانیک با بخش‌های دیگر اقتصادی، تحت تأثیرت اینحصارات امیریالیستی اتوسیل‌سازی جهان و در جهت تامین صنایع هرچه بیشتر آنها تعامل داشته باشند.

مجهزین در بروزی صفت اتوسیل‌سازی دیدیم که انحصارات امیریالیستی به هیچ روی حاضر به پذیرش حماسی درجهت ایجاد شکن‌گاهی از صنایع بعدهم مرتبه، بدور از وابستگی و منطقه با نیازهای اقتصادی جامعه ما نیستند، هرها کاملاً انحصارات دریبی حفظ منافع خود می‌شوند که با وابستگی اقتصادی جامعه ما و قرار داشتن این صنایع نو تأثیرت آنها و در تقسیم کار جهانی تحمیل امیریالیست تعلق نمی‌باید. از این‌رو است آنان که می‌کوشند این نظر را القاء کنند که برعی از این انحصارات خواه فرانسوی با زاین، ایتالیسی ما آنایی... ممکن است بر سر مقل آید، یا بروز مقل آمداند، در واقع چه بدانند و چه بدانند، مثلاً کوشیده‌اند که درینه امیریالیست را به لباس مش درآورند اما در بروزی صفت اتوسیل‌سازی دیدیم - و این نمونه‌ها سیار است - که ملکه ملکه ریاکاری لیبرالها بینه این گرگستاخان است...

صنایع وابسته ایران که جمجمه‌ها و هم‌گیخته‌های را تشکیل می‌دهد، هر یک، حلقوی از زنجیر روابط استشارگران امیریالیست است نه در جهت تامین نیازهای توده‌های محروم و رحمتکش می‌باشند بلکه درجهت تامین صنایع انحصارات امیریالیستی

بوده است. وکن اساسی تیاست مقابله با واسطگی اقتصادی در زمینه صنعت مستقره برخانهای همه -
جانبه است که ترکیب صنایع کثیر را در محیط برپاشی صنعتی مستقل دیگرگون سازد. این مستلزم ایجاد بیوندهای ارگانیک میان صنایع مختلف و میان صنعت و دیگر بخش‌های اقتصادی جامعه می‌است. تا صنعت کثیر را واسطه است، اکنامات رشد کشاورزی محدود و مقابله با فقر اقتصادی میلیون‌ها نفر جمعیت روستایی میهن ما به فراموش خواهد بود (دریاره، مسافت کشاورزی صحبت خواهیم کرد).

در مردم صنعت اتوسیل‌سازی دیدم، در سایر رشته‌های کمتشی نیز وضع کم و بیش به میهن صورت است که رعد صنعت وایسته نگذشت است و شناور گذاشت که صنایع خرد و شدید غرقهای پاید. سایستهای موضعی، دادن و ام در آینهای ما آنجا به این با آن دست از صنایع کرد، دوای درد صنایع کوهک اقتصاد میهن ط نیست. میان کوهک، خود پاید با صنایع بزرگ بیوند پایند و این در صورتی میسر خواهد بود که این صنایع از حلقه اسارتیار روابط امیریالیستی و تابعیت از اتحادات امیریالیستی رهایی پایند.

بکی از مهمترین و دقیق‌تر بتوکیم مهم ترین بخش اقتصادی جامعه ما، بخش نفت است. اتحادات امیریالیستی در طی سالهای گذشت این بخش عظیم اقتصادی میهن را تحت تابعیت خود فراورده‌اند بضریبی که اقتصاد میهن ما بکی از مهمترین تاسیس‌کنندگان نفت خام صنایع و اتحادات امیریالیستی جهان دیده است.

ایجاد بیوندی ارگانیک میان این بخش‌های میهن اقتصادی و دیگر بخش‌ها و مهم تر از همه بخش صنعتی از مهم‌ترین و نیز از ارگانیک سایسته مقابله با واسطگی اقتصادی جامعه ما است. حلقه اتصال این بخش اقتصادی با صنایع کثیر، صنعت پتروشیی است. هرچند میهن اکنون چند واحد توپلی معلم در پندر ایام خصیص مر دست ساختن است، اما ظرفانی که این صنعت در انتظار آن را داشت که این قرار دارد، نمی‌توان انتظار آن را داشت که این حلقه اتصال انجان که ضرورت‌های جامعه ما ایجاد می‌کند، بوجود آید. مشارکت پس از اتحادات امیریالیستی و ایشی برای ایجاد واحد عظیم چون واحد پتروشیی بقدر ایام خصیص بیش از آن که تاسیس‌کننده شرکه‌های صنعتی کثیر باشد، برآورده نهاده نیازها و تاسیس‌کننده بود اتحادات امیریالیستی و تابعیت از اتحادات امیریالیستی و ایشی است. صنعت پتروشیی که بکی از بخش‌های ترین صنایع و از این‌بنده نشخنا میانهای ارگانیک میان اکنامات ایجاده داشته باشد، باید هرچه، زوافتر او.

دسترس اتحادات امیریالیستی خارج گردد. میانکرات افسر پوشی نظامات دولت جمهوری اسلامی ایران با تعاونگان دولت را بنویم تا میان دولتیه مقتدراند. باکثری‌های موسیوالیستی در این زمانه‌ی تواند سیاست پرخاطره باشندکه به این‌گاه آمدن آن انجرافی اقتصادی اینست که بامض خشودی امیریالیست در جهان و خلیج‌النیا این داخل کثیر خواهد بود.

تکیه هرچه، بیشتر در رشد بخشیدن به صنایع مستقل در رشته تولیدات انسان پایند، صنایع اهن و فولاد، ماسنی‌سازی، پتروشیمی، غیرهای و نظر آنها باید از اولویتی سیار بالا برخودار باشند. تا اقتصاد میهن را بتوان در جهت مقابله با واسطگی اقتصادی مستقل را که بتواند زندگی خود را و رفاهی متناسب با امکانات اقتصادی جامعه میهن گرد.

صنایع صرفی کثیر باید با توجه به نیازهای مردم کارگران و رحمکفهان سامان راهه شود. اتحادات امیریالیستی تکیه خود را بیش از همه بر این‌گاه داشتماند که تاسیس‌کننده خواسته‌های تشریفاتی رفته تولیدات انسان، با گذشتی مطلوب برای تاسیع نیازهای رفاهی کارگران و رحمکفهان شهری و نوستانی میهن ما شغول شده بود.

تکیی را که بر شریدم مقدمه ترین ملائی است که در تدوین برنامه‌ای همچنانه برای مقابله با واسطگی اقتصادی در بخش صنعتی کثیر باید مورد نظر قرار گردد. بدو تدوین تدوین چشمی برآنمایی، با دنبال کردن سایسته‌های تاپیکر و مومنی، با تعلق در برخورد انسانی با مردمیه داران واسطه و صنایع وایسته، با پتروشیمی شرکنند بخش از سرمایه‌های وایسته، با دنبال کردن سیاست کیهان و بین تخت لوازی خوار نه شرکتی، نهفربنی، با ایجاد مانع در مهابل شارکت کارگران صنایع کثوز و کارگان و

سندمان تمهی و انتقامی آنها در تدوین برآنمایی انسانی اینها در تدوین اتحادات اقتصادی، نه تنها نیز توان درجهت مقابله با واسطگی اقتصادی میهن که این‌گاه بسیار این‌گاه حتی نیز توان بحران کوئی اقتصادی را تخفیف داد. امیریالیست جهانی برگردی امیریالیست ایرانی و اسرا مایه‌داران وایسته تمامی نیوی خود را به کار گرفتند تا به این بحران دامن زند، آنان اداء بحران اقتصادی میهن کامی انسان برداشتند، بکی برآورده نهاده نیازها و تاسیس‌کننده بود اتحادات امیریالیستی و تابعیت ایشی و پتروشیمی که بکی از بخش‌های ترین صنایع و از این‌بنده نشخنا میانهای ارگانیک میان اکنامات ایجاده داشته باشد، باید هرچه، زوافتر او.

از احصارات امیریالیستی، اریک سوی، سودهای کلان برای احصارات امیریالیستی و تجارت واسطه مراهم می‌آورد، و از سوی دیگر، غرب‌تلاطم سرای ادامه و شنیده روزگارون و استگی اقتصادی سین را بهای می‌سازد، معنی نه من مالی واردات، همانطور که گفته مادرات نفت خام ایران به احصارات امیریالیستی بوده است.

مکاسب علیکرد این راست‌گذاریست بنا بهم، در آمد ارزی ایران در سال ۱۳۵۶ در حدود ۲۶ میلیارد دلار بوده است که ۲۱ میلیارد دلار آن از فروش نفت خام به احصارات امیریالیستی بدست آده است. در همین سال مادرات کالاهای غیرمنفعتی ایران رفته که از ارعه میلیارد دلار بوده است (کثر از ۷ درصد کل مادرات کشور).

در همین سال ۱۸ میلیارد دلار بایت حرید کالا ای سازار جیاپی ۹/۵ میلیارد دلار بایت خدمات، بایه‌رداخت سپهه واحد و اماها و سودهایم به احصارات امیریالیستی بوده است.

باگاهی به درآمد حاصل از فروش محتمل به احصارات امیریالیستی و واردات کالا از احصارات امیریالیستی می‌توانیم به رابطه مزدیک میان این دو رقم و مکاسبی که در اقتصاد واسطه ایران برای بازگرداندن درآمد ارزی حاصل از فروش نفت به اقتصادهای امیریالیستی پنهان سودهای کلان برای احصارات نفتی عمل می‌کند، می‌بینیم.

درآمد حاصل از فروش نفت خام در سال ۱۳۵۱ ۱۳۵۱ برابر با ۲/۴ میلیارد دلار، در سال ۱۳۵۲ ۱۳۵۲ برابر با ۱۸/۵ میلیارد دلار و در سال

۱۳۵۳ تقریباً تیامی این بوده است. احصارات امیریالیستی بوده است. در سال ۱۳۵۶، امیریالیستی آلمان، زان، آلمانیکا به ترتیب صد هزار تن فروشندگان کالا به اقتصاد واسطه ایران بوده‌اند. این سه کشور، در مجموع ۵۰/۷ درصد واردات ایران را درست داشته‌اند. پس از این سه کشور، امیریالیستی انگلیس، ایتالیا، فرانسه و هلند به ترتیب قرار داشته‌اند. احصارات امیریالیستی این ۷ کشور در مجموع ۷۱ درصد بوده است از ای اقتصاد ایران بایت حرید کالا از بازار جهانی را بدست می‌ورده‌اند. بقیه واردات عمدتاً از احصارات امیریالیستی سوئیس، سوئیسی، و ایکنورهائی چون اسرائیل و آفریقای جنوبی بوده است. سه کشورهای سویالیستی از واردات ایران که از این ۷ درصد بوده است.

بدین ترتیب، می‌بینیم شکه احصارات امیریالیستی جهان چه مجموعه‌ای ارجاع دارد. دنده‌هایی را در اقتصاد ایران برای داشته که از یک سوی نفت خام ایران را برای به راه اندادن منابع اقتصادهای امیریالیستی و واسطه جهان به غارت می‌برد و از سوی دیگر، با فروش محصولات احصارات امیریالیستی این

نتیجه حارجی می‌گیرد از مهترین حلقوهای انتقال اقتصاد واسطه ایران به امیریالیستی جهانی، به سرکردگی امیریالیست آمریکا است.

درست کنی که در آغاز این مقالات داشتم نشان دادم که واسطه اقتصادی بعنی قرارداد کثیر تحت تابعیت احصارات امیریالیستی و التزامات رشد پرتابعیت سرمایه احصاری. و این راست میان داشتم که واسطه اقتصادی بعنی قرارداد کثیر در تقسیم کار جهانی تحملی از سوی امیریالیست.

آن بدان معنا است که اقتصاد واسطه در مجموعه‌ای از بودهای با شکه احصارات امیریالیستی قرارداد کرد که از طرف این بودهای احصارات امیریالیستی، سازماندهی تولید، ساخت و سوی و شد فعالیت‌های اقتصادی و روشنایی فنی مورد استفاده در تولید و ترکیب تولیدات اجتماعی را طبق میازهای رشد سرمایه احصاری در اقتصاد واسطه تعیین می‌کند. از این راه است که این احصارات می‌گویند هرچه بیشتر شرعاً کارکارگان و زحمکشان میهن را به غارت بزنند.

چرخهای اقتصاد واسطه ایران بر روی محور صادرات نفت خام به احصارات امیریالیستی نفتی و واردات محصولات احصارات امیریالیستی در چرخش بوده است. در سراسر صنایع امیریالیستی درآمد کثیر نشان دادم که احصارات امیریالیستی با بریگزیدن صنایع واسطه، از طریق دریافت تکلیف‌زی، فروش تجهیزات، قطعات منفصله، مواد اولیه و لوازم پذکی بخش عظیم از تعرفه کارکارگان و زحمکشان میهن را به غارت می‌برده‌اند.

انتقال سودهای حاصل از سهام احصارات امیریالیستی در صنایع واسطه (حق لیسان)، فروش و کرایه تکلیف‌زی و حقوقی‌های هنگفت به مخصوصان خارجی از عمل درآمد ارزی بوده است که از طریق فروش نفت خام به احصارات امیریالیستی حاصل می‌آمده است.

امیریالیستی توسط سرمایه کالاهای محصول احصارات امیریالیستی، تیامی از فارادات، مصادره مرمایه‌های واسطه در صنایع بوده است. مصادره مرمایه‌های واسطه در صنایع کثور و اندک سایه‌های اساسی درجه بسته بخودهای واسطه (مانند لغو قراردادهای میان صفت و لبسته) تولیم سازی پایان احصارات امیریالیستی رون، هیلن، کرایسلر، تالبوت، لیلاند موتورز، مک، مرسدس بنز، بیو، نیسان و ... اقداماتی است که بخش از این تجارتی بخودهای واسطه (مانند لغو قراردادهای میان صفت و لبسته) تولیم سازی پایان احصارات امیریالیستی را داشت.

بخش سیار سهی از واردات کثیر از احصارات امیریالیستی توسط تجاری واسطه ایجاد شد. احصارات تجاري واسطه ایجاد شد. احصارات امیریالیستی را قطع می‌کند که بدون آن خیزش انتظار مغایله با واسطه اقتصادی به امیریالیستی جهانی را داشت.

احصارات تجاري واسطه در میان احصارات امیریالیستی قراردارند و محصولات آثارهای واسطه ایجاد ایران سازه‌های می‌کند، واردات کالا

درآمد ارزی را بازرس می گرفته و سودهای کلان می برد همچنانست آنچه از طریق صادرات محصولات انحصارات امیریالیستی بدست نی آمد از طریق سود سهام ، بهره وامها و بودجه انتخابات امیریالیستی سازمان گردیده است .

۱۱ درصد واردات ایران در سال ۱۳۵۶ ماد اولیه ، کالاهای واسطه ، ماشین آلات و ادوات متولیدی و ۱۹ درصد آن کالاهای صرفی بوده است .

امیریالیسم جهانی با صدور کالاهای صرفی به اقتصاد ایران ، ترکیب صرفی را هرچه بینتر در جمیع واسطگی سوق می داده است . یکی از مهمترین لطفات واردات کالاهای صرفی انحصارات امیریالیستی به کشاورزی میهن نا بوده است . ۱۰/۵ درصد از واردات ایران در سال ۱۳۵۶ محصولات غذایی مانند لیفتهای ونم خرخ ، غلات ، شتر و گوشت بوده است .

صایع کوچک گتور که از پک سو تحت فشار شدید انحصارات واسطه داخلی قرار داشتند . در مقابل محل کالاهای صرفی وارداتی نه تنها امکان رشد و ایجاد صنایع مستقل را ازدست داده بودند بلکه بیوسته در خط روشگردی و نابودی قرار داشتند ویساری از آنها از پیش فتند . اما حتی مهتر از اینکه واردات کالاهای صرفی در تشدید واسطگی اقتصاد ایران ، نقص واردات مواد اولیه صفتی ، کالاهای واسطه ، واردات ماشین آلات تولید بوده است . همانطور که داشتند دادیم ۱۴ درصد واردات ایران در سال ۱۳۵۶ را انحصارات امیریالیستی اروپائی ، آمریکایی زبانی بوده اند این واردات ایزار امثال کترل و انحصارات امیریالیستی بر صنایع واقتفایدا و است . میهن مابوده است . از پک سو ، رند صنایع واسطه کشور مستلزم مرند واردات وسائل تولید از انحصارات امیریالیستی بودکه خود را کشته این صنایع بوده از سوی دیگر ایامه .

انحصارات امیریالیستی مستلزم رشد صنایع واسطه و تشدید واسطگی اقتصاد میهن بوده است . با توجه به واقعیتیای بالا مشاهده می شود که :

- (۱) تجارت خارجی و وعدناً خارجات نفت خام و واردات محصولات انحصارات امیریالیستی یکی از مهمترین مکالمهای دوام و تشدید واسطگی اقتصاد میهن بوده است (درباره "نفت و سیاست مناسب سقی رای مقابله با واسطگی در شماره های آینده سخن حواهیم گفت) .
- (۲) صادرکنندگان اصلی کالا به اقتصاد واسطه ایران اقتصادهای امیریالیستی اروپا ، آمریکا و ژاپن بوده اند . این نکته که انتقامی و انتقامی بودن نظریات کمالی را که در پیروی از طریق سه جهان درسی گرسن رو طبق اقتصادی بالا مخصوص اروپائی و راسی میگردند . سان من دهد .

امیریالیسم آلان و زایسن . مرگرس مادرکنندگان کلا به امساد و ایران بودند و همچویی کشش امساد ایران و عارضه روسیهای طی و ساخت سرمه کارگران و در حسکار میهن نا داشتند . کمالی که راس کشش ای بیماری داشت که ساخت امساد اروپا و زبان خود را از واسطگی به آمریکا بروزه اند می ساخت . بروزه اند این بیان نا داشتند با داده درستی نیزه ازدست که لیبرالیا - مذهب اعلی مم جوره شد کام به گام - سیوسی سارش سا امیریالیسم ، کام سیوسی دارند . گفته از آن که ساری از انحصارات اروپائی و راسی باشترک سرمه های انحصاری آمریکائی بر ساخته اند انحصارات اروپائی و راسی . هر طی که امیریالیست اند و امیریالیست . داده باند و سه هر رسانی که حق گوید . دشمن اقلات ما و دشمن علمای هیئتی . آنان که اهتمار ایندوواری می کنند ملا ملا ناخر سوچی با غلبه کارهادار زانی نا فراسوی سر سر عقل آید و بالغلاخ مردم میهن نا از در دوستی درآید . هر خدرو هم که در جان نظر گوید صادق ناشد . ساده اند شناختی سیش نیستند که رام را برای تجدید و تحکیم روابط سلطه کران امیریالیسم جهانی . به مرکزی دگی امیریالیسم آمریکا ، همراه می بازند .

(۲) سیستم بقیه که از داده اند تکمیل امیریالیستی دو شدید و استگی اقتصاد میهن نا داشته است . از طریق ناچیز کالاهای صورت نیاز صنایع و کشاورزی . کشور بوده است . مواد اولیه صفتی . کالاهای واسطه و ماشین آلات بروگردن بخش کالاهای وارداتی کشور بوده است .

سدیں تن ترتیب ، مقابله با واسطگی در صنایع کشور و در تجارت خارجی . لارم و ملزوم بکدیگرد . نه می توان بدون تغیری اساسی در روابط اقتصادی خارجی به مقابله سا واسطگی صفتی کشور امدادت . نه می توان بدون مقابله انسانی با واسطگی صفتی کشور ، تجارت خارجی را ازشکه . روابط امیریالیستی جدا کرد .

سدیں ترتیب می نیمیم که جرا طی کردن محارت خارجی و تغیر درست و سوی روابط اقتصادی خارجی جزو جدایی سایر دیگر سایر مقابله با واسطگی اقتصادی است . باید محارب خارجی ملی خود و سیاست سایری در حیثیت قطعی بیوندهای تجاری بالانحصار آن امیریالیستی اتحاد گردد .

بوده است این رقم در نه ماه اول سال ۵۶ که اختلافات تندیدی در روابط تجار و صنایع و است داخلی با احتمارات امیریالیست می بود آمده ایران در نه ماه نخست ۵۹ به ۱۱/۳ میلیارد رسید اما آنچه بیشتر از این کویا پی و پیغ تجارت واردات کند ماست ارقام دلار در نه ماه اول سال ۵۶ که از ۵/۵ میلیارد دلار در نه ماه اول در سال ۴/۷ به ۲/۲ میلیارد دلار در نه ماه اول سال ۱۳۵۸ و ۸ میلیارد دلار در نه ماه اول سال ۱۳۵۹ رسید . بدین ترتیب در نه ماه نخست ۵۹ میزان واردات بخش خصوصی نسبت به مدت شاهد در سال ۱۳۵۵ بر ایران با ۲۵ درصد و پیش به ۱۳۵۸ بر ایران با ۹ درصد افزایش پافته است . با حسابهای ناده هی توانیم بینم که در شرایط بحرانی اقتصاد و استه میهن ، تجارت بزرگ و پافته به په میزان به سودهای خود افزوده ماند در حالی که با کنترل بیش از ۲۱ درصد از واردات میهن (در نه ماه نخست سال ۵۹) به بیش از زیادی بجهان اقتصادی میهن زدن از قیمتها را گران کردند و با این راه بروز کارگران و حملکنان میهن فرار دادند .

از این روست که ما معتقدیم می گردد تجارت خارجی و خلیج بد از تجارت که در کار تجارت خارجی مستند از الزایات اساسی متابله با واشنگن اقتصادی و ظایله با بحران اقتصادی میهن است . ما از نخستین روزهای سرتکنونی دولت واشینه و استقرار دولت جمهوری اسلامی بر می گردد تجارت خارجی بای شرکت کام و هر اجرای ساخت روش و منجم در چیز متابله با واشنگن اقتصادی در زمینه تجارت خارجی تاکید ورزیده میم . اکنون که لایحه می گردد تجارت خارجی در دستور کار مجلس شورای اسلامی تزار دارد بردم میهن ما دقت کامل ناظر همچنین گیریهای تابعه کان مجلس مستند . می تردید نایندگان سرمایه داران ایصال در مجلس مانته بازگان پداله سهامی ، صاغران بیدی و ... و دیگر مدآفغان منافع تجارت بزرگ و پافته خواهان متصوب و از این نمونه ، دنیا به تجارت خارجی مستند که ملا کارتجارت . را در دست تجارت بزرگ باقی گذاشت . اینان عناصری که صاغران بعثتگام طرح تعمین مدت برای دولت چهت تدوین لایحه می گردد تجارت خارجی گفت . معتقدند که هم اکنون به موجب قانونی که وفا صدر مدفع قسم خود راه نافع سرمایه داران ایصال و میان خوش شدید . در زمان تصدی بر وزارت بارگاس به تصویب عوای انتلاق رسانید تجارت خارجی می خدمات . اینان معتقدند که نایاری متصوب گذشت دیگر نیست اینان در واقع مخالف می شون واقعی تجارت خارجی هستند .

در دو سال گذشته به وجزه پس از تحریم اقتصادی ایران به وسیله امیریالیست تحریمی دولت خدمردی مدام . مردم میهن شاهد کمودهای شدیدگاههای مصری و مواد و تجهیزات صنعتی . گرایی روز افزون و احتکار کالاهای وارداتی توسط تجار بودند . در حالی که بسایری از کالاهادر بازارها پافت می شد . در نیمار کالاهای را در اشاره احتکار می گردند . احتکار می گردد تا در بازار قیمتها بالا رود تا بدین ترتیب سود آنها آفرین شود . از این راه بخش فرازینهای از درآمد محدود و اندک گارگان و حملکنان میهن مصورت سود به جنب تجارت بزرگ و واشینی رود . صنعتگران و مهندسان کنور با کمودهای افزایش و گروای فرازینه مواد اولیه و ماتنی آلات و تجهیزات وارداتی مواجه می شود و به مر و شکنی نزدیکتر می شود . کسی در مقابل نتم تجارت بزرگ و پافته و عده همراهان اتحادی امری صوری است . بلکه برای خالقه سا اینحصاری هردوخ پیشتری از درآمد خود را از دست می دهد . در آن دی که مصورت سودهای کلان و بادآورده نصب تجارت بزرگ و پافته و معده های فرشان اتحادی می شود . می گردد تجارت خارجی نه تنها برای متابله با واشنگن اقتصادی امری صوری است . بلکه برای خالقه سا بحران اقتصادی کوئی میهن امری حساتی است . تجارت خارجی با مامندهای کامل از دست تجارت بذرآید . کار تجارت خارجی باشد کل ای به دست دولت انجام شود . تجارت خارجی باید با توجه به نیازهای اقتصادی میهن . در چارچوب برنامه ای معنوی در جنب متابله با واشنگن اقتصادی . و درجهت حل بحران اقتصادی کوئی . به دست دولت و نه توط سرمایه داران نمتنها در می کسب سود هرچه بشتر هستند . انجام بذیره . تجارت خارجی باید در جنب قطع بیوشهای واشنگن اتحادی اقتصارهای امیریالیست و تامین میزانهای گارگان و حملکنان میهن . نیازهای صنعتگران و دهقانان رحمتش میهن . مست و سوی باید . و این می تواند در طالی انجام بذیره که سرمایه داران و باشند بر گلوگاه اقتصاد ایران نشانه داد و شام سپری خود را بگارم که در نظر ناشرهای امیریالیست جهان انقلاب ایران را به انتراف کشانند و آن را به راه گشت آغازند .

در دو سال گذشته تجارت سودهای کلان می - داشده به دست آوردند . بیش از واردات بخش خصوصی و بخش دولتی طی ۹ ماه نخست سالیان ۵۵، ۵۶ و ۵۹ نظری می اندازیم (ارقام سه ماه را با این نظری می کنم از آن روی که در سال ۱۳۵۹ ارثام مربوط به تامیل سال در دست نیست) فروش ایز برای واردات کلاه در نه ماه اول سال ۵۶ متجاوز از ۱۱/۸ میلیارد دلار

هوا که دولتش شدن واقعی تجارت خارجی را
تجارت به حريم سرطایه می داشت . اینان با هم -
آواری نایندگانی که با توجه به منافع و دیدگاه
قشری خود از آجرای ساستهای بنیانی بنم و
هران دارند . در مقابل نایندگان رادیکال
مجلس خورای اسلامی به مخالفت خواهند
برخاست . تجار بزرگ و وابسته که بخش مهی
از کنان در بازار تهران و شهرهای بزرگ دیگر
مانند اصفهان و تبریز مستند ، امن روزها تامی
هم خود را به کار خواهند گرفت تا از تصور
قاجاری که دولتی کردن کامل تجارت خارجی را
برداشته باشد جلوگیرند .

مادر فشاره آینده بیش از آن که به بررسی
لایحه قاجاری پوشش دادی دولت پس از این ، قانون
مزکور تهیه و توزیع کالا را که رضامدراحت
منوان قانون ملی کردن تجارت خارجی از
تصویب خورای انقلاب کدرانید مورد اذیاتی قرار
خواهم داد تا سینم چگونه نایندگان
سرپاداران لیتوال ، تحت لوای ملی کردن
تجارت خارجی شیر سیال و دم و انکن را
تدارک دیدند .

ملی گردن تجارت خارجی

گاهی ضروری درجهت پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی

قانون تشکیل مرآکر تهیه و توزیع کالا چیست؟

مشون اصلی قانون تشکیل مرآکر تهیه و توزیع کالا مشارکت تجار واردکننده با وزارت بازرگانی در اعمال اداره اداره اقتصادی برای تجارت خارجی و آدames مطالعات تجارت در کار تجارت خارجی است. به موجب این قانون که از مادرات سخنی به میان تباورده است، واردات از طریق مرآکر تخصصی که برای هر یک از گروه کالاهای تشکیل می تغیر، صورت می گیرد. (مانند مرکر تهیه و توزیع تکرات، کاغذ، پارچه و... که هم اکنون وجود داردند).

محروم عمل پیشنهادی شده در قانون موق اس است که تجارت واردکننده هرگدام در بین این مرآکر شرکتمن می گرد و غصه مرکر تخصصی تهیه و توزیع کالای مورد نظر می شود. آنگاه تاجر مزبور برای اطلاع اطلاعات کالای این را که می خواهد وارد گرد و برای اطلاع اطلاعات کالای این را که می خواهد وارد گرد از سندی که فروختن کالا به این مرکر رعوی گرد و قیمت کالا، مقدار آن، خصوصیات آن و ترابط حمل آن را در خود دارد و اصطلاحاً "بروفرا" نامیده می شود.

مرکر با توجه به ترابط معاشه مورد سلط تاجر سفارش دهنده، می تواند آن را تائید یار دهد. مشارکت اصلی این مرکر برای رده ای میول پیشنهاد هر تاجر سفارش دهنده، مبنای این قانون صوب و اساسنامه مرآکر، یا شنبه بودن فیصل کالا در غایبی با قیمتی های بازار بین المللی و عدم تخلف از مقررات مربوط به سرداشت کمیسون به واسطه های بین المللی و توزیع میان واردات مورد دیوار سان تجارت سفارش دهنده کالا است. چنانچه با توجه به مکات بوق مرآکر تهیه و توزیع سفارش تاجر را مناسب تشخیص دهد. تاجر سفارش دهنده می تواند مراحل دیگر سفارش کالا را همچون گذشته گرد و کالا را سفارش دهد. واردکننده کالا بنابراین قانون تشکیل مرآکر تهیه و توزیع، موظف است کالا را به فیضی که مرکر می توجه به سود "عادله" تاجر تعیین می گرد، در بازار بعروس رساند و در عرابی که مرکر ضروری تشخیص دهد (مصولا به هنگامی که کالای در بازار کماب ایست) می تواند تا ۵٪ از محصوله وارد شده را از تاجر واردکننده به — قیمتی که در بردارنده سود "عادله" تاجر یافتد،

لیبرالیسم خالف ملی سدن واقعی تجارت خارجی هستند

پس از آنکه سایدگان سرمایه داران لیبرال در تبدیلی های اگاه و اقلایی برای دولتی کردن تجارت خارجی را دادند، کوشیدند که بر تجارت خارجی و سلطه سرمایه های بزرگ و وابسته، بر آن میانی بدوزد که مظاهر ملی گردن تجارت خارجی و دیوارهای پارگاداشن دست سرمایه داران بزرگ و وابسته در کار تجارت بود. این میانی دادنی همان قانون تشکیل مرآکر تهیه و توزیع کالا بود که در زمان و صادر، و پیر بازرگانی دولت لیبرال بارگان که پس از کنار گذاشتن سدن بازگرداند، در اورده بیشتر ۱۳۵۹ به مسوب رسید.

بررسی محضری فرار دهم. اما پس از آن به سوأی طرح و تدوین این قانون می برداشتم. طراح اصلی این قانون رضاخان، کمپسون و سایدگانی خسروشاهی سرمایه داران وابسته بحروف در امیریکا، بود. او که همچون دیگر مدعاون سرمایه داری موج این نظراست که "دولت تاجر خوبی نیست" (یعنی سرمایه داران تاجران خوبی هستند) از مخالفان سرخست ملی عذر تجارت خارجی است. صدر پس از تعویض قانون اساسی و اصل ۴۴ آن درباره ملی گردن تجارت خارجی گفت:

"اینکه هرجاگاکن وارد می شود، سو سط دولت وارد شود، غیر عرضی است... اما به احصار در آزادی از بازرگانی خارجی، ورود کالاهای اساسی و کنترل کالا باطل قبول خواهد بود."

همه آنچه را رصاصد و پیر بازرگانی دولت بارگان "قابل قبول" می داند، در قانون تجارت خارجی مسوب ۱۳۵۹ متعارف شده بود این قانون تجارت خارجی را در احصار دولت فرار داده، و به دولت اچاره داده است این حق را به ازای دریافت سود بازرگانی به تجارت اکذاب کرد. در عنان حال دولت وابسته شاء می تعویض از طریق ایجاد حدودیت ها و مسومیت های گیرنگی و حقوق گیرنگی بر جریان واردات کالا میظارست گرد. همین سود مقرر ایجاد ای مادرات نیز وجود داشت. سین تن ترمیم طی ۵ سال حکومت رژیم وابسته بهلوی، تجارت برسود واردات و مادرات در دست تجارت بزرگ فرار داشت.

عامل اصلی که سب می شود تجارت واردکنند
پتواسد نسبت به چنین کارهایی، زند و جود
انحصاری واردکنند ایست که هرگذام بخت
عدهای از وار. ای را در رسانید از تجارت در
دست دارند و علاوه بر تواسد ناشکار کالا و
خدمه آن برزار، فصها را افزایش دهند
اما مادهای عرضه آن برزار شبهه و توزیع کالا مدعی است در
توزیع شمیه واردات اصل مقابله با انحصارات
تجاری مدنظر است! این سر ادعای سی پایه ای
است، حضوری، شجاعت خارجی حیا است که
مثلاً بخش مطبوع از واردات در دست انحصارات
پایلوی ماند. این بدان معنا است که تجارت
کوچک با نرمابعادی اندکی بینی توائبند در کار
تجارت خارجی وارد شود.

آیا می توان تصور کرد که آهن وارداتی را
هزاران کارگاه آهنگری و ساختنی هرگذام بطور
جداکانه سفارش دهد؟ نه هرگونه که واردات
آن میان تجارت مختلف تقسیم شود، سازهای
تجاری که واردکنند آهن هستند، در حدی بزرگ
خواهد بود که توان اعمال تدریج انحصاری بر
بازار خواهد داشت.

اما مطله شهبا این است: تجارت در این
شرایط می گوشد به سام حود. هرگذان وستگان
خود، شمیه وارداتی به دست آورده و بدین
ترتیب علاوه بر تواسد همچنان که در بکال
گذشته در سیاری موارد توافت داشت، سرمهایی
که خواسته اند، کالا وارد کند. از این راست
که اندکی مادهای تواسد قانون تشكیل مراکز شبهه و
توزیع درباره تنظیم واردات و قیمت کالاهای
وارداتی از طریق ساخت عیسی صفت و مقابله با
انحصارات، در حالیکه تجارت خارجی در دست
تجارت پایه است، بی فایه و اساس است.

شتر فروش ۲۰٪ محسوله وارداتی از طبق
مراکز شبهه و توزیع نیز در سازار داخلی شمار بزرگ و
اندک و ناجیز است. در حالتکه تجارت خارجی وارد
و استهلهای وارداتی را بازار وارد می کند،
حتی در موادی که مراکز شبهه و توزیع ۲۰٪ از
محصولهایها و خود در بازار توزیع کند، تجارت وارد
گذشته علاوه بر تواسد ناشکار افزایش فسخها
سود از دسترفته را [که سیار بالاتر از سود
غایل انداعی است که از مرکز دریافت می کند] به دست آورده. پایی می بادد شهبا حبشهانون
که می خواهد در جهان کالا و تصنیف قیمت این
موشتر افتد و آن اینکه هرگذام بود و ای اقدام به
واردات کالا کند که این همان وضعی است که در
صورت ملی شدن تجارت خارجی به صورت عمومی
موجود خواهد آمد.

اما واقعیت قانون تشكیل مراکز شبهه و توزیع،
این دستاورد بیش لبرالهای بولی به انتخاف
کشاند اصل ۴۴ قانون اساسی، بعثت از اینها
است. دم خروس آنها می شود که به ترتیب
هیئت مدیره آنها که قانون پیش یافته گردد،
است نگاه کیم. و صادر در این قانون ترتیب
هیئت مدیره مراکز و چنین تعیین گرده است:

از وی بخشد و راسا یا از طریق تعاوین های توزیع
به بازار عرضه گرد، علاوه بر آن، هرگذام از مرکز
می توانند راسا به واردات کالاهای که در محدوده
فالیت مرکز است، اقدام گند.
رسا صدر و دیگر مدافعان قانون مراکز شبهه
و توزیع کالا، مدعی هستند که دولت با احراری
سیاست تعیین قیمت، با توزیع شمیه واردات
محلهای وارداتی واردات مستقیم مرکز ۳۹٪ از
مورت لزوم می تواند قیمت و جریان واردات به
کشور را کنترل گند. آری، این درست است که
چنین کنترل هایی مورد نظر قانون بوده است، اما
این نه به معنای ملی کردن تجارت خارجی است و
نه هدف هاشی را که ملی کردن تجارت خارجی نیل
به آن را میسر می سازد به دست می آورد.

دفعه از قانون تشكیل مراکز شبهه و توزیع بدان
می ماند که بگویند اول تجارت را در دست تجارت
بگذارید، بعد بگویند که آن را کنترل کنید!
تجربه شناسن داده است که چنین کنترلی، بعویه
در مورد تجارت خارجی عملی نیست.
از اینست تعبیین قیمت غریغ کیم، مدافعان
مراکز شبهه و توزیع ادعا می کنند که با تعیین
قیمت از جانب مراکز شبهه و توزیع قیمت کالاهای
وارداتی در بازار کاکش خواهد بیافت. مردم میهن
داری از اینهند که در بکال گذشته که مراکز شبهه و
توزیع کالا فالیت داشته اند، چنین شده است.
واردات آهن زیر نظر مرکز شبهه و توزیع فلتات
انجام می شود. اما در بکال گذشته قیمت آهن

روز به روز رو به افزایش بوده است و علاوه بر
معده آن در بار ارساء به مر eos می بوده. این
حقیقتی است مسلم و آشکار که سرمایهداران درین
bedest آوردهند مراکز شبهه و توزیع می گویند
قیمتها را با بدانجا بالا برید که این سود
حداکثر را به دست آورند. حال اگر مراکز شبهه و
توزیع قیمت مردم کالاهای وارداتی را که هر رسته
از واردات در دست محدودی ناخواسته است
گند و حتی آنان را طرم به ازای ماکتور رسی
کند، تجارت چه می کند؟ آنان کالاهای را در اسار
احتکار می کنند. کالا در بازار کماب می سودو
خریداران ساکربری به بردگاه فضی سیش از بسته
رسی می سوند تا تواسد کالا را بدست آورند.
موضوع ماکتور چه می شود؟ تاجر مردو شده میریحا
به خریدار می گوید: فاکتوری می دهم اما حتی
نایخدا فروشنده، می گوید: نه قیمت که مسار سالار
از قیمت رسی است، می فروشم اما ماکتور را به
قیمت رسی می دهم این کاری است که هر یور
در بازار هزاران می انجام می شود.

اما سوار واردکنده راههای دیگری سر برای
این کار درجهش می گیرند. برای مثال کالا را حتی
با فاکتور و سه قیمت رسی از طریق سکه دلاری
که در اختیار دارند، دست به دست می گند.
(حتی بدون این که محل کالا بعیر کند) اول
این راه عملی به قیمتها می افراد و سود همکت
به جنگ می آورند.

حالب توجه است که این آقایان لیبرال در
حالکه هرگز از سکاری چند میلیون تاکر و
زخمکش هم میین نگران نبودند، از سکاری
تجار محترم ابراز نگرانی می‌کنند و راه جاره
آن را نیز فوراً پیدا می‌کنند.

در ماهای اخیر لیبرالها تبلیغات گسترشی
را درجهت تشییع مراکز تهیه و توزیع آغاز
کردند. لیبرالها همچنان که صاغیان در
آذمه به هنگام بحث بر سر اصل ۴۴ قانون
اساسی گفت، خواهند گفت؛ «این همه بحث
بررس چیست؟ تجارت خارجی هم اکنون طبق
شده است.»

فشار لیبرالها و مدافعان تجارت سرمایه‌دار در
مجلس و در کمیسون بازرگانی آن سبب شد که
برای تعیین دو ماه مهلت برای تهیه لایحه ضربط
به می‌گردند. تجارت خارجی توسط وزارت
بازرگانی، شش ماه وقت ثلف شود. اگرکن لائحة
صوبیه هیئت وزیران برای تصویب به مجلس
ارائه شده است. در روزهایی که دریش است،
بحث‌هایی را در این پاره در مجلس شاهد خواهیم
بود. لیبرالها و مدافعان تجارت سرمایه‌دار خواهند
کوشید تصویب آن لایحه را به صورت اندارند و
آن را تهییبا از سقوط تپی کنند. بجزم همین
ما با دقت و آگاهی بر جوانان تصویب آن قانون
در مجلس شورای اسلامی ناظر خواهند بودم.

یک سایه از طرف وزارت بازرگانی، یک سایه
از وزارت‌خانای کمالی مربوطه در جوزه مالیت
آن است، سایه کمیته امور صنعتی و چهار نفر
افراد "صیر آگاه" و خوشنام به انتخاب وزیر
بازرگانی!

بدین ترتیب مرح تصمیم گیرنده درباره
سیاست تنظیم واردات در هر یک از مراکز
هیئتی است که تنها دو نفر از آنان نایابه
دولت هستند. همتر آنکه چهار نفر از آنان
کنایی هستند که تنها هیمار در انتخاب آنان
"صیر" و "خوشنام" و آگاهی "آنان در
زمینه فضایل مرکز است. این را در کار گهه
صدر در ترجیح از قانون مراکز تهیه و توزیع فوار
دهیم که گفته است:

«دستادرکاران بیکار بخواهد نشست و
شخصی و آگاهی تجارت خورد استفاده فرار خواهد

گرفت.»

چگونه می‌خواهیم نیو اینک و وزیری
همچون پوشاقدار، تجارت محترم، "صیر"
آگاهی را به منظور استفاده از "تصیر"
آنان در هیئت مدیره این مراکز فرار ندهد؟
که همانا سریدن رهه به دستگرد است اچگونه
می‌توان نگران نبود که فلان تاجر بزرگ آن
پا بردار وی در مرکزی که قرار است واردات
آن را تنظیم کند، قرار نگیرد؟!



با توجه معاين مسائل است که ما خطوط کلی آن را که باید طرح اتفاقی ملی کردن سعادت خارجی در برداشته باشد در اینجا مرسی می کنم تا شواشم لاسمه امیر دولت را درباره ملی کردن تجارت خارجی مورد ارزاسی فرار دهم :

ا- مفهون اصلی طرح ملی کردن تجارت خارجی

پیشتر جنبه طرح ملی کردن تجارت خارجی می باشد نفاذی با واسطگی اقتصادی و راهبینان اقتصاد می باشند از قید تائید اتحادیات امیرالبیستی است در شمارهای پیشین نشان دادیم که واسطگی اقتصادی یعنی قوارگفت در تقسیم کار جهانی تحملی امیرالبیسم و نزد نشان دادیم که تجارت خارجی اتحادهای وابسته - چون ایران - نه تنها نشانه ای از قوارگفت در پیشین تقسیم کار و تبعیض است بلکه خود از عوامل مهم بوجود آورده و تشدید گشته و استگی است بناپوشان - این واضح و مسلم است که تو چارچوب اهداف مجازات صدامیل البیستی - دموکراتیک مردم پیشین ، ملی کردن تجارت خارجی پیش فرادران تجارت در جهت دولت ، اساسا برای قطع پیوندهای واسطگی به اتحادیات امیرالبیستی است . این مجموعی است که بی تردید باید در طرح ملی کردن سعادت خارجی حای داشته باشد و شرایط تحقق یافتن آن نزد فراهم شده باشد . اساسی ترین شروط برای تحقق این مجموع در طرح ملی کردن تجارت خارجی (الف) تبعیض است و سوی اصلی تجارت خارجی دولتی و (ب) خلخ بد کامل از سرمایه های بزرگ و وابسته است .

(الف) تبعیض سوت و سوی اصلی تجارت خارجی دولتی . بروای آن که طرف ملی . کردن تجارت خارجی بتواند بمعنویان ابزاری مو جذب قطع و استگی به کار آید باید در آن بد این مکملی بحث نمایم که تجارت خارجی باید اساسا با کشورهای دوست و حامی انقلاب فناههای البیستی - دموکراتیک ایران باشد . این بدینی است که نزد نویان تجارت خارجی را اساسا در همان پیوندهای پیش نمک داشت و انتظار داشتگی با واسطگی اقتصادی میباشد که ملی کردد . این نزد مسلم است که در این این اینکه گفته شد (وحتی هم اکنون) نزد آرزو درصد واردات ایران از کشورهای امیرالبیستی جهان و نزدیک به دو سوم آن تنها از آنکه امیرالبیستی نا من می شدست . با توجه به گروپهای خطرناکی که به ویژه در هفتادی

ملی کردن تجارت خارجی یک شعار می محتوا نیست که امیرالبیستی بتواند آنرا به مقدمه خود گرفند و به ابزاری برای تقویت و تحکم سرمایه های بزرگ بدل کنند . ملی کردن تجارت خارجی ضروری است در راه تعطیل واسطگی و گرانی . درگاه این اهداف در چهارچوب انقلاب ضد امیرالبیستی - دموکراتیک میهن مالت که مصون دقیق سیاست ملی کردن تجارت خارجی و چگونگی انجام آن را روشن می کند .

ملی کردن تجارت خارجی یکی از اجرای برنامه همه جانبه اقتصادی است که جدا از دیگر اجراء آن نه معنای درست خود را مواجه یافت و نه در صورت انجرا با موقوفت کامل قریب خواهد بود . نیز نوان از صایغ مادر غفلت کرد متعایع و استه را به حال خود رها کرد . در اجرای پندتیج و دال اصلاحات ارضی و دیگر سیاستهای عاجل و اساسی توجه کنار زدی عتل کرد و با دولتشی کردن تجارت خارجی به انتظار تعطیل واسطگی اقتصادی و برهنگی تمن پیرابط ناسامان اقتصادی کوئنی نشست . نیز نوان از گزرش روابط اقتصادی با کشورهای متفرق و سوسیالیستی ایا ورزید . با اقتصادهای امیرالبیستی تجارت کرد و ایند مقابله با واسطگی فرامدده داشت .

اهمیت این هندرارها در این است که نه تنها باید شرایط اتفاقی درستی چون ملی کردن تجارت خارجی تحقق بدهد ، بلکه باید شرایط توفیق آسما را نیز بدها مانع کشیده ای همراه کوشیده اند از طرف خودن تجارت خارجی حل خواهند . آنکه که نتواستاند در مقابل فشار توده ها برای تحقق این خارج اتفاقی مقاومت کنند کوشیده اند آن را از محتوا اتفاقی تبعی کند . اگر که لایحه ملی کردن تجارت خارجی در برایر مجلس قرار داده شاید گان سرمایه داران امیرال خواهند کوشید آن را به شری سی پال و دم و اشکن مبدل سازد که نتوانند مانع اساسی در مقابل فعالیت سرمایه های بزرگ و وابسته باشد . این این تا می تogenic خود را نزد به کار خواهند کرمت نا شرایط توفیق آن را نزد محدود سازند نا بالغلال های بعدی سرمایه داران بزرگ و وابسته بتوانند یکوئند ما گفته که دولت تا خبر خوبی نیست کار را به کار دان باید سیرز که کار دان به زم آثار همان تجار بزرگ و واسطگی هستند که از غارت شراث کار کارگران و زحمتکنان وار شدید و تحکم واسطگی اقتصاد میهن به امیرالبیسم سودهای کلان می بردند و همچه می بردند .

تجارت خارجی را دردست دارد. طرح ملی کردن تجارت خارجی باید مقصود خلخ بدانز سرمایه‌های بزرگ و وابسته باشد.

مخالفان طی کردن تجارت خارجی اغلب این نکته را پیش می‌کنند که دولت‌ها نوایند بکاره تعامی تجارت خارجی را در دست گیرد. و از آن بنظر نشجعه‌ی گفته شده است که هم اکنون بخشی از تجارت خارجی را در دست دارد بهتر است تباش بمنظارت برپخت دیگری که در دست سرمایه‌های تجارتی است کفایت کند. ما بر این عقیده‌ایم که تجارت خارجی را نیز توان بکشند ملی کرد اما می‌توان با سیاستی روش در چارچوب برنامه‌ای حین تعامی تجارت خارجی را در مدتی تا هنوز طولانی در اختیار دولت قرار داد. به ترتیبی که از سرمایه‌های بزرگ و وابسته در تجارت خارجی خلخ بدانز و همچ سرمایه‌ای سنتیم "در تجارت خارجی نقشی نداشته باشد". در زیر در مورد این کردن صادرات و واردات در چارچوب برنامه‌ای معین سخن خواهیم گفت.

۲- تین خط‌شی سیاست تجارت خارجی
گذشته از تین مضمون خواهیم ابرازی طرح ملی کردن تجارت خارجی که در بالا مذکور آثاره عد، پوشیده سیاست ظاهله با وابستگی اقتصادی مسطزم آن است که تجارت خارجی در فقرست بیرونی اقتصادی همچنانهای در جهت جزیائی اقتصادی مستظل او سلطنه امیریالیسم به کار گرفته شود.

برای پوشیده چنین سیاستی نیاز های اقتصادی کثیروز ما توجه به اولویت‌های رشد اقتصادی و پایداری من نیازهای رو به درآید. توده‌های مردم می‌بین، باید مورد توجه اساسی قرار گیرند. تباش ذکر این که باید کلا. های اساسی اقتصادی را باشد ما این که کلاهای لوکس باید وارفه خودند. هر چند به خودی خود نکاشی درست هستند، برای تینین خط مشی سیاست تجارت خارجی کافی نیست. خط مشی سیاست تجارت خارجی باید در تصوراتی مستقبل از سیولان اقتصادی کشور، از جمله وزیر بازرگانی و وزیر نفت، وزیر صنایع و معداد، وزیر نیرو سیولان‌سازمان، برپانمود بودجه، وزیر نکاروزی، وزیر کار و امور لاجتماعی و رفیض باید تهیه شود.

آخر، در سختان و بیرونی اندیشه مقامات جمهوری اسلامی در بازار گسترش روابط اقتصادی با اتحادات امیریالیستی زاپنی و اروپا شهود شده است. این امری غروری است که نهی روابط گسترده تجارتی با اتحادات امیریالیستی جهان (چه آمریکانی، چه اروپا شی، زاپنی) در طرح ملی کردن تجارت خارجی دکر گردد. این را همه می‌دانیم که تجارت نفت (صدورنفت خام) در زیم گذشته در دست دولت بود. اما این را نیز می‌دانیم که طرف تجارتی رژیم پیش از در صورت نفت خام اساساً اتحادات امیریالیستی بودند: بنا بر این آنچه در طی کردن تجارت خارجی دارای اهمیت قاطع است مضمون اصلی آن که همانا خصوصیت و سمت و سوی روابط تجارتی ایران با اقتصادهای اتحادی با کشورهای سوسیالیستی و متقدی جهان است. این نکته‌ای است اساسی که باید در طرح ملی کردن تجارت خارجی مورد توجه اساسی خواهد بود.

(ب) خلخ بدانز کامل از سرمایه‌های بزرگ و وابسته: و اقسام مملکتی سرمایه‌داری شان داده است که سرمایه همراه در حقیقت حد اکثر سود است. در اقتصادهای وابسته سرمایه‌هایی که در تجارت خارجی فعالیت می‌کنند حد اکثر سود خود را در تراجم تقاضاهاشان می‌بایند که بر ورزیدهای و خصوصیات شناختی اقتصادی پایه‌دار و برای تأثیر این این تدوین می‌شوند مود را در برقراری بیوندهای توسعه‌یک با اتحادات امیریالیستی می‌بایند.

علاوه بر آن، همانطور که در شاهه پیشین شان داده‌ایم تباش سرمایه‌های بزرگ و اتحادهایی می‌توانند مستقیماً در این رابطه قرار گیرند و چون حلقاتی اقتصاد وابسته را به اتحادات امیریالیستی اتصال مهندند، که تاکنون سرمایه‌هایی وابسته به اتحادات امیریالیستی هستند و اگر هم در آغاز وابسته شانند، دوام آنها متروک به وابستگی نهایت.

پس ترتیب شرط مقاله با وابستگی اقتصادی در تجارت از های درآوردن نیروی انتظامی طبیعت آن حفظ و شتمید و اینکه اقتصاد می‌بین به اتحادات امیریالیستی است. این نیروی مغرب همان وابستگی اقتصادی است که هم اکنون

مخالفان ملی کردن تجارت خارجی اغلب موضوع را چنین قلمداد می‌کنند که دولت از عهده انجام تجارت خارجی نمی‌تواند برآید. اینان مددی هستند که هزاران قلم کالا هر روز به مرزهای کشور وارد می‌شود و دولت نمی‌تواند واردات چنین معمومای از کالاهای متوجه را با توجه به بیازهای "بازار" برپمده گیرد. به زعم مدافعان تجارت بزرگ و استهان تجارت هستند که می‌توانند تقاضای بازار برای هر یک از هزاران قلم کالا را برآورد کنند. آن کالاهای را سفارش دهند و سه بازار عرضه کنند.

در زیر نشان خواهیم داد که این جز سیاهای نیست که کوشش برای حفظ منافع سرمایه‌داران تاجر در پس آن نهفت است. در حال حاضر مادرات نفت و گاز که متعاقباً از ۹۵٪ مادرات ایران را تشکیل می‌دهد، در اختیار دولت است.

همچنین بخش معدوهای از واردات کشور نیز به وسیله دولت انجام می‌شود. واردات محصولات غذائی اساسی، مانند گوشت، برنج، گندم و شکر واردات مواد و تجهیزات صنایع دولتی و نیز واردات شیخاخات و تجهیزات نظامی از دست دولت است. دخواری‌ها در زمینه واردات

کالاهای که در دست دولت بوده است، ملیغ تم شرایط جنگ و سیاست‌گذاری دولت، به عرب‌گز کفار از واردات کالاهای توسط تجارت بوده است. تحریمه تجارت دولتی در کشور همسایه سوسالیست و مترقب نشان داده است که جنابه دولت در چهارچوب برنامه‌های، همچنانه و سنجیده اقتصادی عمل کند به خوبی می‌تواند از فدهه این کار برآید و از صدماتی که تجار وابسته و مزدی بر اقتصاد میهن وارد می‌آورند جلوگیری کند.

آنچه در وهله نخست می‌تواند برای دولت مشکلی در راه برپمده‌گیری تجارت خارجی باشد واردات کالاهای متوجه و معدوه ای است که به صورت متفرق به وسیله تجارت انجام می‌شده است. مدافعان تجارت بزرگ و وابسته اغلب سوالاتی از این نوع را پیش می‌کنند که دولت از کجا می‌داند در سال چند دانه سیاست‌گذاری تراش باید وارد کند و داد و قال بر می‌آورند که دولت هرگز تاجز خوبی نیست.!

برنامه‌های میهن و سنجیده‌های پیش برد واردات و صادرات را در مرآک دولتی تنرک ساخت. نخست در باره واردات بگوییم که سیلماً اساسی نیست. در وهله نخست دولت می‌تواند واردات کالاهای اساسی تولیدی و خارجی را بر قیده گیرد. مانش ایلات، قطعات و مواد اولیه

مدده بورد نیاز صنایع و کشاورزی کشور را می‌توان هم‌اکنون برپمده دوست گذاشت. بختی از این کالاهای هم‌اکنون توسط دولت وارد می‌شود

برای قراردادن دیگر بخش این واردات به دست دولت باید مرآک‌های شخصی در هر یک از رشته‌های وارداتی بسیار مخصوص آید و کارکنان دولت که هم‌اکنون در صنایع ما دیگر ارگان‌های دولتی به انجام کارهای مشابه مشغولند در آنها به کار کارده شوند. برای شال کارکنان سفارخات خارجی به صنایع اتومبیل‌سازی را می‌توان در مرکز مربوطه به کار گرفت. این مرکز با توجه به نیازهای صنعت اتومبیل‌سازی به مانش ایلات، تجهیزات و مواد و نیز تیاز بازار به لوازم بدکی و ایزار اتومبیل، نر چهارچوب برنامه اقتصادی دولت و اولویت‌های تعیین شده برای تجارت خارجی، واردات این بخش را انجام خواهدداد.

در باره محصولات الکتریکی و الکترونیکی، محصولات شبیه‌سازی و داروشنی و فولاد، کاغذ، پارچه و الاف و... نیز می‌توان به همین ترتیب عمل کرد.

در زمینه کالاهای صرفی اساسی، کار دولتی کردن واردات با مشکلات حتی کتری مواجه است واردات مواد غذائی اساسی مانند جویبات، لشکر استفاده از امکانات و تحریمات کارکنان وزارت کشاورزی و سازمان‌های دولتی مشابه با دشواری اندکی همراه است.

واردات کالاهای که در طوله کالاهای اساسی صنعتی و کشاورزی و کالاهای اساسی صرفی قرار می‌گیرند، عدمهای میان بخش واردات را تشکیل می‌دهد. واردات این کالاهای را می‌توان بلاقاله با لائق در مدتی سیار گوشه، کمتر از شش ماه در اختیار گرفت.

آنچه ساقی می‌داند کالاهای متعدد و مستوفی است که با حجم بختیت کمی به بازار ایران وارد می‌شوند. بخش از این کالاهای محصولات صنعتی سیار تعیضی با محصولات صنعتی که تقاضای بخش دیگر کالاهای صرفی هستند که به مقابله جزوی وارد می‌شود مانند همان مثال مدادترنش و پستانک، شاخص و چنگال و...

دولت می‌تواند واردات محدود ترین اقلام این کالاهای را تیز در شی مذکور نهندان طولانی با ایجاد مرآکی برای محصولاتی از کالاهای مشابه برپمده گیرد. واردات دیگر اقلام که بدین ترتیب اقلالی جزوی از کل واردات کشور هستند، می‌تواند در دست تعاونی طر فار گرد.

در باره تعاونی‌ها باید هشداری داشم. یکی از مهم‌ترین راههای کویز از تجارت خارجی طی شده برای تجارت بزرگ و وابسته می‌تواند مو استفاده از بخش تعاونی‌ها در کار تجارت باشد. چنانچه دولت در برپمده‌گیری تجارت خارجی تزلزل از خود نشان دهد و جز واردات چند قلم کالا را خود بر مدده نگیرد بخش عده واردات برای تعاونی‌ها گذشته می‌شود. قراردادن تجارت

اين زمينه نيز با دستواري هاي عمده اي هر راه
نخواهد بود.

ایجاد وابطه مناسب میان تجارت خارجی و تجارت داخلی

اين نکته اي روش است که می کردن تجارت
خارجی بايد هر راه با اتخاذ ساستها و ایجاد
مکanism های مناسب باشد. چنانچه دولت تجارت داخلی
میشه گيرد و کالاها را تا مرز هزاره و آنکه
آسما را به خریداران بروش، بدینه است که
تجارت بزرگ و انصماری، خریداران اصلی کالاها
موهنه بود و میتواند با احتمال قدرت
اسحصاری خود بر بازار داخلی همچون شرابط
کوشی، موجد گرانی و اعمال ستم بروکمه،
پیشوران و منuctoran میهن باشد.

می کردن تجارت خارجی آنکه میتواند با
اشراف مشترک شود. از طرف مکanism های هر راه
باشد که از طریق مکanism های بوزیر و کارا
مای رخته تجارت بزرگ و انصماری در کار توزیع
کالا باشد. این کار مسئلمند آن است که :

۱- دولت عبک نگردهای براي توزیع کالا

در بازار داخلی به وجود آورد و خود کار توزیع

محمد ترین بخش از کالاهای وارداتی را تا سطح

خریده روشان و منuctoran و منافع میهن بر عهده

گيرد.

۲- بخش دیگر واردات که عدالت کالاهای
جزئی صفتی و صرفی است باید بواسطه شکه
تعاونی های خرد هر روشان، منuctoran و منافع
کوچک در بازار داخلی توزیع شود. آنچه در
بال درباره خطر سو استفاده از تعاونی ها گفته
در اینجا نیز باید بدان توجه بدارم. برخی
از تعاونی هایی که در مامعای گذشته در بازار

داخلی به وجود آمده است مثلا شرکت های

سهامی است که بوسیله سرمایه های بزرگ و

انصماری تشکیل شده است. این شرکت های

"تعاونی" در پیشوند با مراکز تهیه و توزیع،

دست بخت رضا صدر وزیر بازرگانی دولت

لیبرال بازرگان، تو استفاده طی سال گذشته

همچون گذشته بر بازار داخلی قدرت انصماری

خود را اعمال کند. قانون نظام صفتی باید

درجهت اهداف ساست می کردن واقعی تجارت

خارجی تنظیم شود تا از تعود، چنین

"تعاونی" های این وقت در شکه توزیع کالا

در بازار داخلی جلوگیری شود.

آهن و فولاد، کاغد، پارچه و... که هر کدام
رقم بزرگ از واردات کشیده شکل می داشت،
در دست "تعاونی" واردکنندگان، منافع خود
این تعداد که سرمایه های بزرگ، در شرکت های
تعاونی به صورت شرکت سهامی وارد شوند
و دوباره از راه شرکت "تعاونی" تجارت خارجی
شرکت های "تعاونی" های اصل می کردن
تجارت خارجی مستند.

قطایات دولت با سکوتی که درباره سوالات
مطرحه درباره سازمان انتظام اسلامی گردیده،
و حتی در موادی از این "سازمان" که در واقع
بنگاه تجارت سپار بزرگ است تلویحا دفع
گردیده. این تکراری را درباره چونکه اجرای
قانون تجارت خارجی (درباره من لایحه
یکپاره دولت به مجلس سخن خواهیم گفت)

علت تجدید گردیده.

تعاونی هایی که در کار واردات شرکت می باشد
باید تعاونی هایی مشتمل از کمه، پیشوران و
منuctoran باشد که برای واردات کالاهای مورد

تجارت خود، کالاهای صفتی و صرفی، تشکیل
تعاونی می داشتند و سرمایه های بزرگ و انصماری

نتوانند عبک آنها راه بینند. این هدف را با
اتخاذ ساست مناسب در دو زمینه می توان

تحقق بخشد:

۱- قرار دادن اقلام کوچک و جزئی واردات

در دست تعاونی های واردکنندگان.

۲- تنظیم غایون نظام صفتی به ترتیبی که
سرمایه های بزرگ و انصماری امکان ورود به

تعاونی های را نداشته باشند.

درباره صادرات در قیاس با واردات، وضع
یکپاره دیگر است. صد هر ترین اقلام صادراتی

غیر منتفی امکان قائمی دارد. صادرات این کالاهای

را می توان در شبکه ای از تعاونی های توزیع
مازمان داد به ترتیبی که تجارت بزرگ و باسته

نتواند با فرار گرفتن در نظام صادرکننده،
تولیدکنندگان این کالاهای را که عدالت تولید

کنندگان خرد هستند، تحت ستم فرار دهند
و نهاده کار آنان را تصاحب کنند. از آنجا که ت نوع

کالاهای صادراتی به نسبت سپار اند است و
می گردد که تجارت خارجی آن می تواند با

استاندارد صادراتی باشد. قرار دادن صادرات

کالاهای صادراتی ماده ایست. از آنجا که
محصولاتی هستند که توسط کارخانجات دولتی

مرخص می شوند، دولتی شدن تجارت خارجی در

تامین اعتبار بوقایق تجارت خارجی

ملی کودن تجارت خارجی باید با اینجاد
بانکی تخصصی که عده‌دار انجام امور انتشاری
و نقل و انتقالات ارزی خود ، به همراه باشد .
در حال حاضر انجام امور انتشاری تجارت
خارجی در بانک‌های مختلف برآورده است که اس
علاوه بر کاوهی کارآفرینی ، امکان کنترل متمرکز بر
جزیره تجارت خارجی را فراهم نمی‌آورد . از
این ورق تامینی سیاست بانک تجارت خارجی ، که
اختصاصاً به وظایف فوق بردازد امری ضروری
است . از روی دیگر قراردادن بخشی از واردات
در دست تعاونی هاشی مشکل از خوده غریبان ،
صنعتگران و صنایع کوچک سistem اینجاست اینجاست
امکانات انتشاری برای این تعاونی ها است .
اینک تجارت خارجی با تامین تعاونی های این
تعاونی های می‌تواند راه نفوذ سرمایه‌های بزرگ و
انحصاری را به تعاونی های واردکنند . کالا نا
حدود قابل توجهی دارد .

کنترل دولت

بر ایازارهای انجام تجارت خارجی
ملی کردن تجارت خارجی ، و تنظیم
مکانیسم های مناسب در توسعه داخلی ملتزم
آن است که . علاوه بر به کارگرفتن امکانات
بانکی در چهارچوب بانک تجارت خارجی ،
ابزارهای ضروری برای انجام تجارت خارجی
توسط دولت نیز تحت کنترل موثر دولت
در آید .

امکانات حمل و نقل بین المللی ایران
هم‌اکنون در اختیار دولت فرازدارد و
شرکت‌های بین‌المللی نیز دوچار شده‌اند . سایر این
در این زمینه تنها اتخاذ سیاست‌های مساب
جهت رشد و افزایش این امکانات و بهره‌گیری
کارآثر مطرح است . قراردادهای بین المللی با
کشورهای بوسالستی و خرفا در جهت کنترش
امکانات حمل و نقل بین المللی که ناکنون
انجام شده است کامی شست در این زمینه است که
باید با گوشش سیار دنبال شود .
اما اقدامات می‌بینیم باید در
اقتصاد داخلی در این راه انجام بدد . شیوه
حمل و نقل داخلی باید با استفاده از امکانات
شرکت‌های بزرگ و واسطه "حمل و نقل ملی شده
و اینداد تعاونی کامیون داران خوده بل تحفظ
نظارت دولت قرار گرد نا همراه با استعداده"
کارآ و موثر از امکانات موجود حمل و نقل بار ،
ترایکار و امکانات رفاهی کامیون داران خوده پا
و زنجیرکشانی که دولت رشته فعالیت دارد
بپیوود باید .

تجددید سازهای در ارگان‌های دولتی

وزارت بارگاهی و ادارات تابعه آن اساساً در
جهت تامین تجارت‌های سرمایه‌های بزرگ و
واسطه در گذشته سازمان یافته است . ملی
کردن تجارت خارجی باید با اینجاد تحولی
اساسی در سازمان اداری وزارت بارگاهی و دیگر
ارگان‌های دولتی که در امر تجارت خارجی
سهمی اند . تامین اداره گمرکات ، همراه باشد .

۰- ف ائیان خلو سخن میگویند :

۱- مجموعه مقالات منتشر شده :

۱- کرانی درد بی درمان سرمايه داری

۲- از تحریره مبارزات زحمتکشان میهمان درس یکمیم - نرگن صرا

۳- دستاوردهای انقلاب و سوسیالیسم

۴- تجاوزات رژیم ضد مردمی عراق و توطنه های امپرالیسم آمریکا

۵- شورا، سندیکا و اتحادیه های کارگری

۶- دستاوردهای انقلاب و سوسیالیسم (۱)

۷- چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد ؟

۸- تقویم انقلابات جهانی (۱)

۹- تقویم انقلابات جهانی (۲)

تنظیم و تکثیر از :

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، هوارد ار

سازمان ف ائیان خلق ایران (اکبریت)

